



پروتکل‌های فقهی مدیریت کرونا



محورهای جلسه:

۱. روش تحقیق در حوزه سلامت (و بالتبع در مورد مدیریت مسئله کرونا) چگونه باید باشد؟
۲. بنا بر مباحث "الگوی فقهی تحلیل بیماری (پاتولوژی فقهی)؛ بیماری چگونه تعریف می‌شود و چگونه به وجود می‌آید؟
۳. بیماری کرونا بنا بر مباحث "الگوی فقهی تحلیل بیماری" چه تعریفی پیدامی‌کند؟
۴. پروتکل‌های فقهی بیماری کرونا چیست؟
 - ۴/۱. پروتکل‌های تسهیل تنفس و کنترل علائم حاد بیماری کرونا چیست؟
 - ۴/۲. پروتکل‌های تعدیل‌کننده طبع در بهبودی بیماری کرونا چیست؟
 - ۴/۳. پروتکل‌های تقویت قلب برای بهبودی بیماری کرونا چیست؟

الْحَمْدُ لِلَّهِ

وَكَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا
اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

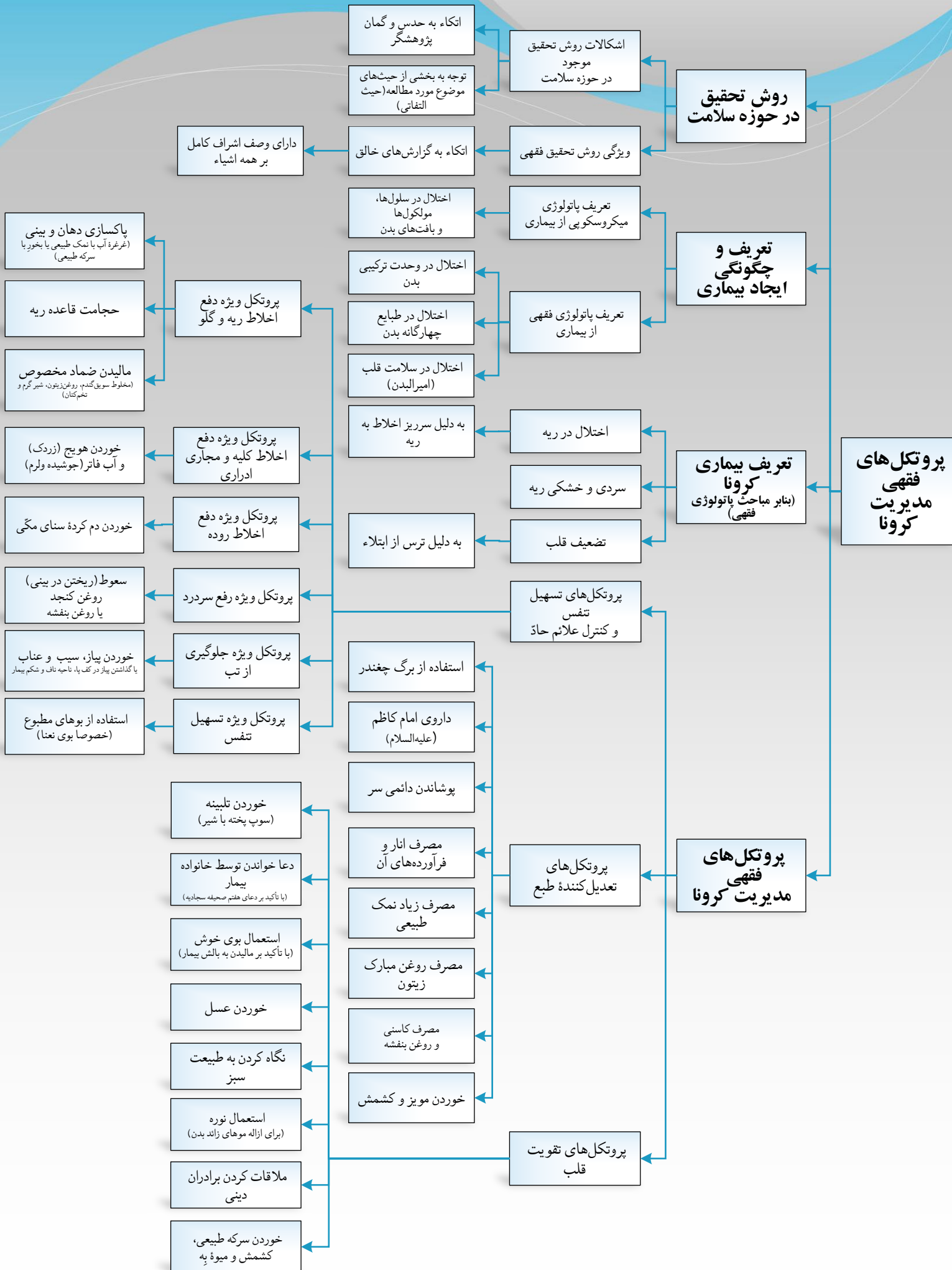
سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه

متن پیش‌رو (ویرایش دوم) صد و ششمین مکتوب از نوع ششم محصولات مرتبط با نقشه الگوی پیشرفت اسلامی (پیاده فوری) است. محتوای این محصول، متن پیاده‌شده سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) با موضوع «معرفی پروتکل‌های فقهی مدیریت کرونا» در مقایسه با پروتکل‌های سازمان بهداشت جهانی است. این نشست در جمع اطباء طب اسلامی در تاریخ چهارشنبه ۱۰ شهریورماه ۱۴۰۰ در شهر مبارک قم برگزار شده است. پیشنهاد می‌شود این جزوه در قطع رحلی به انتشار برسد.

پروتکل های فقهی مدیریت کرونا



فهرست مطالب:

- مقدمه: ایجاد یک روایت جدید از مسئله کرونا مبتنی بر چهار سوال اصلی؛ هدف از برگزاری این نشست ۱
۱. سوال اول: روش تحقیق در حوزه سلامت (و بالتبع در مورد مدیریت مسئله کرونا) چگونه باید باشد؟ ۵
- ۱/۱. اتکاء بر حدس پژوهشگر و التفات به بخشی از حیث‌های مورد مطالعه (حیث التفاتی)؛ دو اشکال مهم روش تحقیق موجود در حوزه سلامت ۵
- ۱/۱/۱. عدم اشراف کامل پژوهشگر بر مورد مطالعه مبتنی بر حدس خود؛ مهم‌ترین چالش روش تحقیق فرضیه‌بنیان (حدس‌محور) ۵
- ۱/۱/۲. محروم‌شدن از فهم وحدت ترکیبی یک شیء؛ مهم‌ترین چالش نظریه‌های مبتنی بر حیث التفاتی (حیث‌محور) ۸
- ۱/۲. اتکاء به گزارش‌های خالق (مبتنی بر اشراف کامل بر اشیاء)؛ اصلی‌ترین ویژگی روش تحقیق فقهی ۹
۲. سوال دوم: بنابر مباحث "الگوی فقهی تحلیل بیماری (پاتولوژی فقهی)؛ بیماری چگونه تعریف می‌شود و چگونه به وجود می‌آید؟ ۱۲
- ۲/۲. تعریف بیماری به اختلال در قلب، طبع و عضو درگیر؛ تعریف «پاتولوژی فقهی» از بیماری ۱۲
- ۲/۲/۱. اختلال در وحدت ترکیبی اعضای بدن؛ اولین محور تعریف بیماری در پاتولوژی فقهی ۱۲
- ۲/۲/۲. اختلال در طباع چهارگانه (دم، بلغم، صفرا و سودا)؛ دومین محور تعریف بیماری در پاتولوژی فقهی ۱۳
- ۲/۱. تعریف بیماری به اختلال در سلول‌ها، مولکول‌ها و بافت‌ها؛ تعریف پاتولوژی ویرشویی از بیماری ۱۵
- ۲/۲/۳. اختلال در سلامت قلب به عنوان محور کل بدن؛ سومین محور تعریف بیماری در پاتولوژی فقهی ۱۸
۳. سوال سوم: بیماری "کرونا" بنابر مباحث "الگوی فقهی تحلیل بیماری (پاتولوژی فقهی)" چه تعریفی پیدا می‌کند؟ ۲۱
- ۳/۱. تعریف کرونا به اختلال در ریه به دلیل سرریز اخلاط به ریه و سردی و خشکی آن و همچنین تضعیف قلب به علت ترس از ابتلاء ۲۱
- ۳/۲. لزوم بحث از سه دسته پروتکل تسهیل تنفس، تعدیل طبع و بهینه قلب به دلیل پیدایش تعریف جدید از بیماری کرونا ۲۲
۴. سوال چهارم: پروتکل‌های فقهی بیماری کرونا چیست؟ ۲۴
- ۴/۱. پروتکل‌های دسته اول: پروتکل‌های تسهیل تنفس و کنترل علائم حاد ۲۴
- ۴/۱/۱. اولین و مهمترین پروتکل کنترل علائم حاد (ویژه دفع اخلاط ریه و گلو)؛ پاکسازی دهان و بینی (به وسیله مضمضه و استنشاق با آب و نمک طبیعی یا بخور سرکه طبیعی) ۲۵
- ۴/۱/۲. دومین پروتکل کنترل علائم حاد (ویژه دفع اخلاط تشدید یافته ریه و گلو)؛ زیاد نوشیدن آب فاتر و مالیدن ضماد مخصوص ۲۶
- ۴/۱/۳. سومین پروتکل کنترل علائم حاد (ویژه خشکی شدید سینه)؛ زیاد نوشیدن آب فاتر و مالیدن ضماد مخصوص ۲۷
- ۴/۱/۴. پروتکل چهارم برای کنترل علائم حاد (ویژه دفع اخلاط کلیه و مجاری ادراری)؛ خوردن هویج زرد و آب فاتر ۲۷
- ۴/۱/۵. پروتکل پنجم برای کنترل علائم حاد (ویژه دفع اخلاط روده)؛ خوردن دم‌کرده سنای مکی ۲۸
- ۴/۱/۶. پروتکل ششم برای کنترل علائم حاد (ویژه رفع سردرد)؛ سعوپ (ریختن دارو در بینی) به وسیله روغن کنجد یا روغن بنفشه ۲۸
- ۴/۱/۷. پروتکل هفتم برای کنترل علائم حاد (ویژه جلوگیری از تب)؛ خوردن پیاز، سیب و عناب یا گذاشتن پیاز در کف پا، ناحیه ناف و شکم بیمار ۲۹
- ۴/۱/۸. پروتکل هشتم برای کنترل علائم حاد (ویژه تسهیل تنفس)؛ استفاده از بوهای مطبوع خصوصاً بوی نعنا ۳۱
- ۴/۲. پروتکل‌های دسته دوم: پروتکل‌های تعدیل‌کننده طبع ۳۱
- ۴/۲/۱. پروتکل اول برای تعدیل طبع: مصرف برگ چغندر در آش به جای اسفناج ۳۲
- ۴/۲/۲. پروتکل دوم برای تعدیل طبع: مصرف داروی کارآمد و تجربه‌پس‌داده امام کاظم (علیه‌السلام) ۳۲

- ۴/۲/۳. پروتکل سوم برای تعدیل طبع: پوشاندن دائمی سر ۳۳
- ۴/۲/۴. پروتکل چهارم برای تعدیل طبع: مصرف انار (ترجیحا شیرین) و فرآورده‌های آن ۳۳
- ۴/۲/۵. پروتکل پنجم برای تعدیل طبع: مصرف زیاد نمک طبیعی ۳۴
- ۴/۲/۶. پروتکل ششم برای تعدیل طبع: اصلاح روغن غذا (مصرف روغن مبارک زیتون) ۳۵
- ۴/۲/۷. پروتکل هفتم برای تعدیل طبع: خوردن کاسنی به عنوان سبزی و مصرف روغن یر برکت بنفشه ۳۶
- ۴/۲/۸. پروتکل هشتم برای تعدیل طبع: خوردن مویز و کشمش ۳۶
- ۴/۳. پروتکل‌های دسته سوم: پروتکل‌های تقویت قلب ۳۷
- ۴/۳/۱. اولین پروتکل تقویت قلب: خوردن تلبنه ۳۷
- ۴/۳/۲. دومین پروتکل تقویت قلب: دعا خواندن توسط خانواده بیمار با تأکید بر دعای هفتم صحیفه سجادیه ۳۸
- ۴/۳/۳. سومین پروتکل تقویت قلب: استعمال بوی خوش با تأکید بر مالیدن به بالش بیمار ۳۸
- ۴/۳/۴. چهارمین پروتکل تقویت قلب: خوردن عسل ۴۰
- ۴/۳/۵. پنجمین پروتکل تقویت قلب: نگاه کردن به طبیعت سبز و جنگل‌ها ۴۰
- ۴/۳/۶. ششمین پروتکل تقویت قلب: استعمال نوره برای ازاله موهای زائد بدن ۴۰
- ۴/۳/۷. هفتمین پروتکل تقویت قلب: ملاقات کردن برادران دینی ۴۱
- ۴/۳/۸. هشتمین پروتکل تقویت قلب: خوردن سرکه طبیعی، کشمش و میوه به ۴۱

پیوست‌ها: ۴۵

- پیوست شماره ۱: گزارش سرپرست مرکز مدیریت آمار و فناوری اطلاعات وزارت بهداشت از آمار عوارض و مرگ‌ومیر افراد واکنش‌دهنده در ایران ۴۵
- پیوست شماره ۲: گزارشات سازمان بهداشت جهانی پیرامون عوارض دارویی (ADR) ۵۰
- پیوست شماره ۳: روایاتی در مورد اینکه «اهلبیت (علیهم‌السلام) شارحانِ وحی‌اند» ۵۲
- پیوست شماره ۴: روایاتی در مورد علم مبتنی بر اشرافِ اهلبیت (علیهم‌السلام) ۵۴
- پیوست شماره ۵: تاثیر "نمک طبیعی" بر درمان بیماری‌ها ۵۸
- پیوست شماره ۶: دعای هفتم صحیفه سجادیه (برای رفع گرفتاری و اندوه) ۶۱
- پیوست شماره ۷: تاثیر فراوان غم و اندوه بر ایجاد بیماری ۶۲
- پیوست شماره ۸: عوامل "شادی‌آفرین" در آیات و روایات ۶۲
- نظام اصطلاحات ۷۰
- نظام ارجاعات ۷۱

بسم الله الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا و شفيعنا في يوم الجزاء ابي القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين سيما بقية الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف و اللعن الدائم على اعدائه اعداء الله من الآن الى قيام يوم الدين .

مقدمه: ايجاد يك روايت جديد از مسئله کرونا مبتنی بر چهار سوال اصلی؛ هدف از برگزاری این

نشست

خير مقدم عرض می‌کنم خدمت فضلاي محترم حوزه علميه قم اطباي متعهد و عالم جريان پيشرفته طب اسلامي که همت فرمودند و برای نشست تخصصی امروز تشریف آوردند. همینطور که به استحضار شما رسیده است، موضوع جلسه امروز تبیین اجمالي "پروتکل‌های فقهی مدیریت فتنه کرونا" است. ان شاء الله در مجموع مباحثاتی را خدمت شما تقدیم می‌کنیم و این مجموعه مباحثات و مفاهیم یک "روایت جدیدی را از مسئله کرونا" در اختیار نخبگان کشور و مسئولین نظام مبارک جمهوری اسلامی قرار می‌دهد. بنده در مجموع برای نشست امروز شش سرفصل بحثی را آماده کرده‌ام، به نظرم این شش سرفصل بحثی که در واقع هر کدامشان یک سوال و یک جواب است کمک می‌کند تا یک روایت جدیدی از مسئله کرونا در ذهن‌ها شکل بگیرد. الان مع الاسف با وجود نخبگان زیادی که ما در کشورمان داریم؛ روایتی که از مسئله کرونا در کشور مطرح است، روایت سازمان بهداشت جهانی و شخصیت‌های وابسته به این سازمان صهیونیستی است. این روایت از جهات مختلف مخدوش است، اشکالات فراوانی به این روایت وجود دارد؛ ما فکر می‌کنیم این روایت با کمک رسانه‌ها به مردم ما تحمیل می‌شود. بنابراین این شش محور که محضرتان عرض می‌کنم کمک خواهد کرد که یک روایت جدیدی را از مسئله کرونا داشته باشیم. دوستان بنده استحضار دارند وقتی بتوانیم یک روایت جدیدی از مسئله کرونا ارائه کنیم و آن روایت بتواند نخبگان را اقناع کند نتیجه عملی آن تغییر پروتکل‌ها و تدابیر مدیریت کرونا خواهد شد. اگر امروز ما به پروتکل واکسیناسیون عمومی و یا سایر پروتکل‌های فعلی توصیه می‌کنیم، ریشه‌اش به روایتی برمی‌گردد که از مسئله کرونا در اذهان ساخته شده است. بنابراین اگر قرار است تدبیر جدیدی را پیشنهاد کنیم و از آن برای مدیریت این مسئله تلخ استفاده کنیم؛ نقطه شروع و نقطه محوری آن ارائه یک روایت جدید است. تبیین روایت جدید از مسئله کرونا، هسته مرکزی بحث‌های امروز بنده است که عرض کردم در حدود شش محور بحثی این روایت جدید را طرح خواهیم کرد. ابتدا عناوین این سوال‌های روشن‌گر و تبیین‌کننده را محضرتان طرح می‌کنم و بعد در ادامه بحث به شرح آنها خواهیم پرداخت.

سوال اول روش تحقیق در حوزه سلامت و به تبع آن در تحقیق مدیریت کرونا و مسئله کرونا است. آیا همین روش تحقیق فعلی حوزه پزشکی باید باشد؟ یا ما به روش تحقیق جدید نیاز داریم؟ این سوال اول است. استحضار دارید اگر کسی در روش تحقیق حوزه سلامت خدشه کند، در واقع مدعی شده که یک مفاهیم جدید و اصطلاحات جدیدی را برای تبیین مسئله سلامت و مسئله بیماری و در محل بحث ما در مسئله کرونا ارائه داده است. ما در حوزه علمیه قم و مجموع کارگروه‌های طب اسلامی اولین اختلافی که با طب موجود داریم بر سر مسئله روش تحقیق در حوزه سلامت است. بنابراین بنده در محور اول مقداری راجع به تفاوت روش تحقیق مان در حوزه علمیه قم با روش‌های تحقیق رایج در دانشگاه‌های دنیا در حوزه سلامت طرح بحث خواهم کرد.

محور دوم تبیین اصول عام تحلیل بیماری از منظر آیات و روایات است. بعد از بحث روش تحقیق دومین نقطه‌ای که ما با طب موجود (طب سلولی) اختلاف داریم در حوزه پاتولوژی (Pathology) است. مجموعه دوستان طبیب ما در کشور وقتی می‌خواهند بیماری را تحلیل کنند بر پایه اختلالات سلولی، مولکولی و بافتی وارد بحث می‌شوند. ما بر خلاف مدل رایج یک الگوی جدیدی را برای تحلیل بیماری در حوزه علمیه قم مطرح کرده‌ایم. از این اصول استفاده کرده‌ایم و یک تحلیل جدید و یک تعریف جدید از مسئله کرونا ارائه داده‌ایم. بنابراین این سرفصل دوم بحثی است که به آن خواهم پرداخت.

در سرفصل سوم در چارچوب «الگوی فقهی تحلیل بیماری» یا به اصطلاح قابل تفاهم‌تر در چارچوب «پاتولوژی فقهی» که ما در حوزه مطرح کرده‌ایم تعریف جدیدی را از بیماری کرونا مطرح کرده‌ایم. چون "اصول عام تحلیل بیماری" در ذهن دوستان طبیب ما متفاوت است گزارشی را که از بیماری کرونا می‌دهیم با گزارش دوستان وزارت بهداشت و اطباء طب سلولی متفاوت خواهد شد. بنابراین شاید در مهمترین سرفصل بحثی امروز، ما این مسئله تعریف جدید از بیماری کرونا را داشته باشیم که حالا ان‌شاء الله به آن خواهیم پرداخت.

بعد از این سه حوزه تعریفی که محضران مطرح کردم (یکی در حوزه روش تحقیق، یکی در حوزه پاتولوژی فقهی و دیگری در حوزه تحلیل جدید از بیماری کرونا) سه سرفصل بحثی دیگر سرفصل‌های پایانی ما خواهد داشت: تابع روایت جدیدی که از بحث ارائه کرده‌ایم؛ سه دسته پروتکل کارآمد در مقایسه با پروتکل‌های سازمان بهداشت جهانی را به وزارت بهداشت جمهوری اسلامی و مجموع خانواده‌هایی که درگیر این بیماری هستند پیشنهاد می‌کنیم. در سرفصل چهارم ابتدا معرفی پروتکل‌های تسهیل تنفس بعلاوه کنترل علائم حاد این بیماری را طرح خواهیم کرد؛ یعنی اگر فرض بر این باشد یک کسی یا یک خانواده‌ای درگیر این بیماری شده، چه کار عاجلی را انجام دهد؟ به صورت اضطراری و اورژانسی چه تدابیری را به‌کارگیری کند تا محتاج رجوع به بیمارستان نشود؟ این سرفصل چهارم بحث است.

در سرفصل پنجم بحث پروتکل‌های تعدیل‌کننده طبایع را اندکی تشریح خواهم کرد. استحضار دارید در جریان مفاهیم طب اسلامی تعادل طبع یک نقش بنیادین دارد. ما نمی‌توانیم یک بیماری را تصور کنیم که آن بیماری متاثر از اختلال در طبع نباشد. بنابراین به صورت طبیعی مجموعه‌ای از پروتکل‌ها را برای تحلیل طبایع اربعه محضران عرض خواهم کرد.

۱. ارجاع پرورشی: معنای کلمه پاتولوژی، مطالعه (logos) آسیب (pathos) است. در این علم، بیماری‌ها و تغییرات مربوطه در سطح سلول‌ها، بافت‌ها و اندام‌ها که سبب

ایجاد علائم و نشانه‌های بیماری می‌گردند مورد بررسی قرار می‌گیرند... علم پاتولوژی با توضیح علل و نحوه ایجاد بیماری، بنیان علمی پزشکی را فراهم می‌آورد.

کتاب آسیب شناسی پایه (عمومی) رابینز، ویرایش نهم، صفحه ۱۱

و در سر فصل ششم پروتکل‌های تقویت‌کننده قلب را به عنوان امیر بدن و مهم‌ترین عضوی که در بدن انسان وجود دارد محضران طرح خواهیم کرد. همانطور که استحضار دارید عضو حاکم بر طبع، "قلب" است و اگر کسی بخواهد بر مبنای آیات و روایات بیماری‌ها را مهار کند، پیشگیری را مدیریت کند یک برنامه جامعی برای محافظت از قلب و تدبیر قلب باید ارائه کند که این را ما در سرفصل ششم بحث خواهیم کرد.

بنابراین در مجموع بحث‌های بنده به سه پرسش اختصاص دارد: اینکه تعریف جدیدی از کرونا ارائه بدهیم، سه پرسش هم به تبیین و معرفی پروتکل‌های فقهی مدیریت کرونا در مقایسه با پروتکل‌های ناکارآمد سازمان بهداشت جهانی اختصاص دارد. من به ترتیب این سرفصل‌ها ان شاء الله وارد بحث خواهیم شد و مباحثی را مطرح خواهیم کرد.

قبل از اینکه بنده این پرسش‌ها را شروع کنم لازم است تاکید کنم که نشست امروز به غرض کمک فکری و حمایت عملی از وزارت بهداشت جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده است. در حدود دو سال گذشته ما مجموعه اطلاع و آمار مرتبط با بیماری کرونا را رصد و تجزیه و تحلیل کرده‌ایم؛ اختلافات فراوانی میان برخی از مسئولین وزارت بهداشت رخ داده که ناشی از تحلیل‌های متفاوت است.^۲ متأسفانه در اوج یکی از پیک‌های کرونا معاون پژوهشی وزیر بهداشت سابق استعفاء کرد.^۳ غیر از این استعفاء تلخ که در آن وضعیت حساس رخ داد، تحلیل‌های مختلف و بعضاً متضادی از مسئله کرونا توسط مسئولین رسمی کشور دارد ارائه می‌شود. ما این اختلاف نظر را برای کشور مضر می‌دانیم و البته منشاء آن را عدم تحلیل دقیق وزارتخانه بهداشت و درمان جمهوری اسلامی از مسئله کرونا می‌دانیم. بنابراین بر خودمان لازم دانستیم که دوستان را در مورد این پرتگاه جهش‌ها و سویه‌های جدید کرونا کمک علمی بدهیم. و اینکه دائماً تکرار می‌کنند پدیده کرونا یک پدیده ناشناخته است^۴

۲. **ارجاع پردازشی:** دکتر سعید نمکی وزیر بهداشت در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان: از پیش بینی‌های نه چندان درست در زمینه کرونا هم گلابه کرده و گفته بود: برخی محققان که برای من از سارس گزارش آورده بودند، روزهای اول پیش بینی می‌کردند که از اردیبهشت خیال ما راحت شده و رفتار ویروس مثل اجدادش سارس است و با گرما، کار آن تمام می‌شود. به آنها گفتم اصلاً این حرف‌ها را قبول ندارم. همیشه اتاقم به روی دانشمندان باز است، چون معتقدم دولت مردی می‌تواند خردمندانه عمل کند که راه و در را به روی دانشمندان باز کند.

نمکی بیان کرد: اپیدمیولوژیستی که خودش را سرگروه می‌دانست، آمد و توضیح داد که کرونا در فصل گرما تمام می‌شود، اول خندیدم و بعد گفتم انشاء الله که پیش بینی‌های شما و تیم شما درست باشد، اما من باید برای اداره کشور، بدبینانه‌ترین شیوه را انتخاب کنم که در باتلاق بیماری گرفتار نشوم و گفتم آن چه از ویروس می‌بینم با اجدادش متفاوت است و ماهیت کووید ۱۹ با اجدادش یکی نیست و تابستانی بدتر از بهار می‌بینم.

آدرس مطلب: سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی - <https://b2n.ir/z95183>

۳. **ارجاع پردازشی:** رضا ملک‌زاده پس از هفت سال فعالیت در سمت معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت، با انتشار نامه‌ای از سمت خود استعفا کرد اما اینکه در برهه حساس مواجهه با کرونا و در آستانه هفته پژوهش چگونه چنین اتفاقی رخ داد و اینگونه در وزارت بهداشت تضارب آرا دیده شد، موضوعی است که شاید ریشه در ماه‌های گذشته داشته باشد. رضا ملک‌زاده که پیشتر و در دولت مرحوم هاشمی رفسنجانی طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۲ و پیش از علیرضا مرندی، در سمت وزیر بهداشت فعالیت داشت، در سال‌های گذشته و در دولت تدبیر و امید از مهر ماه سال ۱۳۹۲ با حکم سیدحسین هاشمی - وزیر بهداشت وقت - در سمت معاونت تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت مشغول به کار شد و بعدها در دولت دوازدهم نیز حتی زمانی که سعید نمکی جایگزین هاشمی شد، ملک‌زاده همچنان فعالیت در این سمت را ادامه داده و به عبارتی دیگر از سوی وزیر جدید نیز در سمت خود ابقا شد. ... اخیراً وزیر بهداشت نیز به یکباره به انتقادی تند و صریح از وضعیت تحقیقات سلامت پرداخته و حتی در بخشی از صحبت‌های خود با اشاره به نام دکتر ملک‌زاده، عنوان کرد: «۹۸ درصد از تحقیقات در نظام سلامت، صرف انتشار مقالات در فلان مجلات می‌شود که به کار نمی‌آید. به شدت به روند تحقیقات نظام سلامت، انتقاد دارم. نامه بنده به دکتر ملک‌زاده در روزهای اول شیوع کرونا در کشور را مشاهده کنید که ۱۰ آیتم تعیین شده، اما یکی از آنها را تاکنون جواب نداده است. کدام وزیر کم خرد با چنین یافته‌های شکسته‌ای می‌تواند بخش سلامت کشور را اداره کند؟ اصلاً نباید بر یافته‌هایی که بر حسب یک تخمین به وزیر داده می‌شود، کار و اعتماد کرد. این تخمین‌ها تاکنون درست نبوده و ۱۰ مدل اپیدمیولوژیک به من دادند که هیچ کدام صحیح نبوده و برای هیچ اقدامی مناسب نبود.»

آدرس مطلب: سایت خبرگزاری ایسا - <https://b2n.ir/320012>

۴. **ارجاع پردازشی:** کارشناسان سازمان جهانی بهداشت در ماموریت چهار هفته‌ای خود در چین نتوانستند منشاء اولیه شیوع ویروس کرونا در میان انسان‌ها را مشخص کنند. این گروه از کارشناسان با گذشت بیش از یک سال از آغاز همه‌گیری بیماری «کووید ۱۹» به شهر ووهان سفر کرده بودند. کارشناسان سازمان جهانی بهداشت اعلام کردند که ویروس کرونا احتمالاً پس از انتقال از خفاش به حیوانی دیگر در نهایت به انسان منتقل شده است. آنها همچنین فرضیه آغاز شیوع ویروس کرونا را آزمایشگاهی در ووهان را «بسیار نامحتمل» توصیف کردند.

آدرس مطلب: سایت یورونیوز به فارسی - <https://b2n.ir/s12304>

سعی می‌کنیم کمک کنیم که نجات پیدا کنند. به نظر ما اگر اصول تحلیلی تغییر پیدا کند، تعریف روشن و واضحی از این مسئله ارائه خواهد شد و به تبعش این اختلافات عملی رخ نخواهد داد. شما در چند روز گذشته مشاهده می‌کردید که مسئولین وزارت بهداشت تاکید می‌کردند که واکسن کرونا دارای عوارض نیست و یا عوارض کمی دارد؛ ولی با اصرارهایی که جریان طب اسلامی و جریان طب سنتی و سایر دلسوازن انجام دادند به تدریج دارد یک تجمیع آماری در مورد عوارض واکسیناسیون در کشور صورت می‌گیرد.^۵ البته مخالفت با واکسن یک پدیده مربوط به طلبه‌های فاضل حوزه علمیه قم نیست بلکه یک پدیده‌ای است که در سایر کشورها هم طرفدارانی دارد.^۶ البته تحلیل آنها از مسئله واکسیناسیون بر پایه مفاهیم دیگری است و تحلیل ما هم از مسئله واکسیناسیون و پروتکل‌های سازمان بهداشت جهانی بر پایه مفاهیم فقهی است. ولی بالاخره از هر دو پایگاه متفاوت مفهومی، به یک نتیجه واحد که مخالفت با پدیده غلط و ضد سلامت واکسن است داریم دست پیدا می‌کنیم. بنابراین این کمک علمی که ما امروز آغاز کرده‌ایم، ارائه آن به وزارت بهداشت جمهوری اسلامی آرام آرام باعث می‌شود که این مخفی‌کاری‌ها که بعداً ممکن است خطرات امنیتی برای جمهوری اسلامی ایجاد کند از بین برود. دوستان سعه صدر داشته باشند، تحمل مخالف داشته باشند قصد ما این است که به دوستان - خصوصاً آقای دکتر عین‌اللهی وزیر محترم بهداشت - کمک کنیم. ایشان یک روحیه جهادی و بسیجی دارند به نظر ما اگر این روحیه ایشان ضربدر پروتکل‌های جدید بشود به سرعت می‌توانیم این چالش را مدیریت کنیم. حالا اگر بعدها در مورد مجموع این پروتکل‌ها پرسش‌های جدیدی هم مطرح شد (چه در وزارتخانه بهداشت جمهوری اسلامی، چه در دانشگاه‌ها) ما حاضریم در آنجا گفتگوهای بیشتری داشته باشیم و لایه‌های عمیق‌تری از مباحث امروز بشکافیم.

پژوهشگران در آمریکا می‌گویند شماری از نمونه‌های نخستین ویروس کرونا در ووهان، که توسط یک محقق چینی به پایگاه داده متعلق به موسسه ملی سلامت ایالات متحده وارد شده بود، چند ماه بعد توسط خود وی حذف شده‌اند. به گزارش ایسنا، به نقل از نشریه نیچر، جسی بلوم، پژوهشگر مرکز سرطان «فرد هاجینسون» در سیاتل آمریکا می‌گوید مطالعه بر توالی‌های ژنتیکی ویروس‌هایی که در ابتدا در ووهان پخش شده‌اند نشان می‌دهد این ویروس‌ها به لحاظ ژنتیکی با آنچه بعداً گسترش یافته و باعث همه‌گیری شده، متفاوت هستند. بلوم به شبکه سی‌ان‌ان آمریکا گفت، این توالی‌های ژنتیکی به خودی خود نشان نمی‌دهد که آیا ویروس به طور طبیعی از حیوان‌ها به انسان جهش کرده یا حاصل نشت از آزمایشگاه بوده است. با این حال آنچه می‌توان گفت این است که نمونه‌هایی که برای بررسی منشأ همه‌گیری کووید-۱۹ استفاده می‌شوند احتمالاً کامل نیستند.

آدرس مطلب: ایسنا (خبرگزاری دانشجویان ایران) - <https://b2n.ir/f71955>

۵. ارجاع پردازشی: رک، پیوست شماره ۱.

۶. ارجاع پردازشی: مقامات کشورهای اروپایی که همزمان با تسریع فرایند واکسیناسیون تدابیر احتیاط آمیزی را برای جلوگیری از گسترش موج جدید همه‌گیری بیماری کووید-۱۹ به اجرا گذاشته‌اند این روزها با خشم و عصبانیت بخشی از شهروندان روبرو هستند که این اقدامات را نقض آزادی‌های شخصی می‌دانند. فرانسه یکی از این کشورها است که تظاهرات گسترده‌ای به همین منظور برای دومین هفته متوالی روز شنبه در بسیاری از شهرهای آن برگزار شد. این تظاهرات که مقامات دولتی شمار شرکت کنندگان در آن را حدود ۱۶۱ هزار اعلام کرد در برخی شهرها از جمله پایتخت به درگیری‌هایی با مأموران پلیس منجر شد. وزارت کشور فرانسه یک روز پس از تظاهرات اعلام کرد که ۷۱ نفر در ارتباط با ناآرامی‌های روز شنبه دستگیر و بازداشت شده‌اند.

آدرس مطلب: یورونیوز به فارسی

<https://b2n.ir/y25846>

Anti-vaccine protesters occupied the headquarters of ITV News and Channel 4 News in London on Monday afternoon, the latest in a series of actions aimed at the media. Jon Snow, the Channel 4 News presenter, was chased into one of the building's side entrances by conspiracy theorists shouting at him. Livestream footage showed hundreds of protesters shouting scientifically unsupported claims about the Covid-19 vaccine programme and blaming the media for promoting so-called vaccine passports, which they view as incompatible with British values.

معترضان ضد واکسن بعدازظهر دوشنبه مقرر Channel 4 News و ITV News در لندن را اشغال کردند که جدیدترین مورد از مجموعه اقدامات علیه رسانه‌ها بود. جان اسنو، مجری شبکه ۴، توسط یکی از ورودی‌های فرعی ساختمان توسط نظریه پردازان توطئه که بر سر او فریاد می‌کردند تعقیب شد. فیلم‌های زنده نشان داد صدها نفر از معترضان ادعاهای بدون پشتوانه علمی در مورد برنامه واکسن کووید-۱۹ را فریاد می‌زدند و رسانه‌ها را به خاطر ترویج گذرنامه‌های به اصطلاح واکسن، که به نظر آنها با ارزش‌های انگلیسی ناسازگار است، سرزنش می‌کنند.

آدرس مطلب: خبرگزاری گاردین - <https://b2n.ir/u39093>

۱. سوال اول: روش تحقیق در حوزه سلامت (و بالتبع در مورد مدیریت مسئله کرونا) چگونه باید باشد؟

همانطور که عرض کردم سوال اول ارائه بنده از بحث "روش تحقیق" شروع می‌شود. سوال این است که آیا در روش تحقیق در حوزه سلامت به همین روش تحقیق اکتفاء کنیم؟ یا نه نیاز به یک روش تحقیق جدیدی داریم؟ این خیلی سوال مهمی است فقط هم اثر پاسخ به این سوال در حوزه "کرونا" واضح نمی‌شود و ظهور و بروز پیدا نمی‌کند؛ بلکه در مسئله "تراریخته" هم ما در چند سال پیش همین اختلاف را پیدا کردیم. من با صدای بلند قبلاً اعلام کرده بودم که «کنشگران حوزه بیوتکنولوژی صلاحیت اظهار نظر در حوزه غذا را ندارند»^۷ بعد دوستان به ما اعتراض کردند و آنجا گفتند مگر شما با روش تحقیق ما دارید کار می‌کنید و به نتیجه رسیدید که دارید مخالفت می‌کنید؟! یعنی انتظار داشتند مثلاً ما هم چند مقاله I.S.I.^۸ معرفی کنیم و طبق روش تحقیق آنها به قضاوت در مسئله کرونا دست پیدا کنیم. ما همان سال‌ها عرض کردیم ما با "روش تحقیق فقهی" راجع به مسئله غذا و تراریخته‌ها قضاوت می‌کنیم، نه با روش تحقیق شما. بنابراین وقتی دو روش تحقیق وجود داشته باشد معنایش این است که دو جریان دانشی به وجود می‌آید و جریان دانشی اول نمی‌تواند جریان دانشی دوم را متهم به عدم علم کند. هر کس دارای روش تحقیق باشد، می‌تواند گزاره علمی و تحلیل علمی تولید کند. بنابراین به نظر من نقطه آغاز بحث از کرونا و بحث از سلامت در یک معنای عام از بحث روش تحقیق آغاز می‌شود.

۱/۱. اتکاء بر حدس پژوهشگر و التفات به بخشی از حیث‌های مورد مطالعه (حیث التفاتی)؛ دو اشکال مهم روش تحقیق موجود در حوزه سلامت

۱/۱/۱. عدم اشراف کامل پژوهشگر بر مورد مطالعه مبتنی بر حدس خود؛ مهم‌ترین چالش روش تحقیق فرضیه‌بنیان (حدس محور) خب؛ ما دو اشکال را به روش تحقیق موجود داریم که این دو اشکال باعث شده که ما به سمت یک روش تحقیق جدید برویم. اشکال اول این است که روش تحقیق‌های موجود از مفهوم "فرضیه" شروع می‌شود. یعنی نقطه آغاز کار شما و یک دانشمند (قبل از اینکه آزمایش بالینی و میدانی را انجام بدهید و یا فرآیند تولید یک مقاله را مدیریت کنید)؛ ساخت یک "فرضیه" است. فرضیه چیست؟ فرضیه در یک معنای ساده عبارت است از یک گزاره خبری که ارتباط بین دو یا چند متغیر را بحث می‌کند و ارتباط بین دو یا چند متغیر بر اساس حدس و زیرکی دانشمند ساخته و تدوین می‌شود.^۹ یعنی اساس پیدایش

۷. **ارجاع پرورشی:** حجت الاسلام علی کشوری: بنده به صراحت اعلام می‌کنم؛ ما کاملاً مخالفیم که کنشگران بیوتکنولوژی در غذای مردم دخالت کنند، اساساً صلاحیت این را ندارند ولی به نظر ما این‌ها مردمان بسیار مستعدی هستند که در بخش نفی سبیل و پدافند غیرعامل کشور نقش ایفا کنند.

جلسه تخصصی بررسی اشکالات پنجگانه تراریخته، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی

آدرس مطلب: پایبندی ملی (پایگاه اطلاع رسانی پدافند غیرعامل) - <https://b2n.ir/f44807>

۸. **ارجاع پرورشی:** Institute for Scientific Information (موسسه اطلاعات علمی): موسسه انتشارات علمی و پزشکی و گردآوری رشته‌های علوم پزشکی و تحقیقات اساسی.

https://www.isi-science.com/about_isi

۹. **ارجاع پرورشی:** Hypothesis, something supposed or taken for granted, with the object of following out its consequences... The most important modern use of a hypothesis is in relation to scientific investigation. A scientist is not merely concerned to accumulate such facts as can be discovered by observation: linkages must be discovered to connect those facts. An initial puzzle or problem provides the impetus, but clues must be used to ascertain which facts will help yield a solution. The best guide is a tentative hypothesis, which fits within the existing body of doctrine. It is so framed

یک فرضیه عبارت است از ذکاوت و زیرکی یک دانشمند که بین دو متغیر ارتباط برقرار کرده است. ببینید! اساس "فرضیه" بر مبنای مفهوم "حدس" است. خب؛ مفهوم "حدس" همان مفهومی است که ما در قرآن از آن به "ظن" یاد می‌کنیم. در آیات متعددی از قرآن کریم و در روایت ما تعبیر اینطور است که «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً»^{۱۰}. انسان در مقام دستیابی به علم نمی‌تواند از گزاره‌های ظنی استفاده کند. "ظن" گاهی وقت‌ها درست از آب در می‌آید، گاهی وقت‌ها درست از آب بیرون نمی‌آید. حتماً وقتی شما دارید حوزه علم را مدیریت می‌کنید باید به علم دست پیدا کنید. پس این اشکال اول است. به عبارت بهتر: من اگر بخواهم اشکال اول را توضیح بدهم باید این را بگویم که سازنده یک فرضیه، بر روابط بیرونی و درونی موضوع تحقیق خودش "اشراف" کامل ندارد. نمی‌تواند ادعای تسلط بر موضوع تحقیق خودش را داشته باشد. چندین گزاره را بررسی کرده و به نظرش آمده که بین دو یا سه گزاره یک ارتباط خاصی برقرار است و بقیه گزاره‌ها را صفر فرض می‌کند!

حالا در مسئله پزشکی: فرض بفرمایید یک دانشمندی می‌خواهد نظریه راجع به حوزه کرونا را مطرح کند؛ می‌آید روی عوامل بیولوژیک تمرکز می‌کند. و اگر جامعه‌شناسی سلامت و رشته‌های تخصصی‌ای که عوامل غیر بیولوژیک در حوزه سلامت را هم بحث می‌کنند را مد نظر قرار بدهد؛ یک مجموعه عوامل بیرونی (مثل: اشتغال بد، الگوی تغذیه بد، یا شرایط روحی و روانی بد) را هم لحاظ خواهد کرد و فرضیه خودش را بیان می‌کند. بنده تا حالا گزارش‌های فرضیه را وقتی مطالعه کرده‌ام، تا حالا ندیده‌ام که یک دانشمندی ادعای کند که من بر همه روابط درونی و بیرونی موضوع تحقیق خودم اشراف دارم. بنابراین وقتی شما خودت با زبان علمی (با اصطلاحاتی مثل "فرضیه" و "حدس") بیان می‌کنی که اشراف بر موضوع نداری؛ این از نظر فقه و از نظر دستگاه فکری پیامبران، "ظن" محسوب می‌شود و خدای متعال ما را از اتکاء به گزاره‌های ظنی پرهیز داده است.

۱۱

نتیجه اتکاء به گزاره‌های ظنی، تمدن مدرنیته است که شما در همه حوزه‌ها با تالی فاسد روبرو هستید. یعنی گزاره‌های مدرنیته در "حوزه سلامت"، "تالی فاسد" ایجاد کرده است.^{۱۱} فرض بفرمایید شوینده‌ها بر اساس یک فرضیه‌هایی تولید شده است و حالا که شوینده‌ها عمومی شده، تالی فاسد "اگزما" به وجود آمده است و شما به صورت مکرر با خشکی پوست روبرو

that, with its help, deductions can be made that under certain factual conditions ("initial conditions") certain other facts would be found if the hypothesis were correct

فرضیه: چیزی که تصور می‌شود یا بدیهی تلقی می‌شود، با هدف پیگیری پیامدهای آن... مهمترین کاربرد مدرن یک فرضیه در رابطه با تحقیقات علمی است. یک دانشمند صرفاً به دنبال جمع آوری حقایق نیست که با مشاهده قابل کشف است: برای پیوند این حقایق باید پیوندهایی کشف شود. یک معما یا مشکل اولیه انگیزه را ایجاد می‌کند، اما باید از سرخ‌هایی برای تعیین اینکه کدام حقایق به ارائه راه حل کمک می‌کند، استفاده کرد. بهترین راهنما یک فرضیه، آزمایشی است که در متن آموزه موجود متناسب است. آنقدر چارچوب‌بندی شده است که با کمک آن می‌توان استنباط کرد که تحت شرایط واقعی ("شرایط اولیه") اگر فرضیه صحیح باشد، برخی حقایق دیگر نیز یافت می‌شوند.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://bzn.ir/w37436>

۱۰. **ارجاع پژوهشی:** وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (سوره مبارکه یونس، آیه ۳۶)

و بیشتر آنان [در عقاید و آرایشان] جز از گمان و ظن پیروی نمی‌کنند، یقیناً گمان و ظن به هیچ‌وجه انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌کند، [و جای معرفت و دانش را نمی‌گیرد] مسلماً خدا به آنچه انجام می‌دهند، داناست.

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً (سوره مبارکه نجم، آیه ۲۸)

و آنان را به این کار هیچ آگاهی و معرفت نیست. [آنان] فقط از گمان پیروی می‌کنند، و بی‌تردید گمان [انسان را] برای دریافت حق هیچ سودی نمی‌دهد.

۱۱. **ارجاع پرورشی:** وَلَا تَفْخَمْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولا (سوره مبارکه اسراء، آیه ۳۶)

و از چیزی که به آن علم نداری [بلکه برگرفته از شنیده‌ها، ساده‌نگری‌ها، خیالات و اوهام است] پیروی مکن زیرا گوش و چشم و دل [که ابزار علم و شناخت واقعی‌اند] مورد بازخواست اند.

۱۲. **ارجاع پرورشی:** یکی از تالی فاسدهای حوزه سلامت در دوران مدرنیته، مربوط به **عوارض دارویی** (ADR (Adverse Drug Reaction است. جهت مشاهده بخشی از این گزارشات ر.ک؛ **پیوست شماره ۲**.

می‌شوید.^{۱۳} چون در فرضیه، مسئله تاثیر شوینده‌ها بر پوست به نحو دقیق لحاظ نشده است؛ لذا الان اثر خودش را بر سلامت انسانها نشان می‌دهد.

یا مثلاً فرضیه‌های علمی موجود، "تالی فاسد در حوزه محیط زیست" ایجاد کرده است. شما هر اختراع و هر پیشرفتی را که در تمدن مدرنیته مشاهده می‌کنید؛ به نوعی یا آب را آلوده می‌کند، یا هوا را آلوده می‌کند، یا جنگل‌ها را از بین می‌برد.^{۱۴} بنابراین اخیراً جریان‌های زیست محیطی فعال در سطح دنیا خودشان را در سطح تصمیم‌سازی به سازمان ملل رسانده‌اند. و سازمان ملل گزارش اخطار در مورد آینده زیست محیطی دنیا منتشر کرده است و می‌گوید آلاینده‌ها خصوصاً "کربن" آینده دنیا را تهدید می‌کند.^{۱۵} خب؛ این آلاینده‌ها به محوریت "کربن" تالی فاسد ایجاد کرده است. "تالی فاسد"، معادلات مبتنی بر "فرضیه" است که در تمدن موجود بسیار بر روی آن تاکید می‌شود.

تمدن موجود، "تالی فاسدهای اخلاقی" را هم به دلیل اتکاء به روش فرضیه‌سازی و روش تحقیق خودش بر ما تحمیل کرده است. بنابراین وقتی ما می‌گوییم که نمی‌توانیم به "ظن" و یا "حدس" یک دانشمند در توصیف کرونا یا سایر بیماری‌ها اتکاء

۱۳. **ارجاع پردازی:** استفاده نامناسب از مواد شوینده از دلایل اصلی بروز **آگزمای دست:** به گزارش وب دا؛ بر اساس اعلام مرکز تحقیقات پوست و سالک دانشگاه علوم پزشکی مشهد آگزمای دست یکی از مشکلات شایع پوستی به شمار می‌رود و در اکثر مواقع ابتدا به صورت زبری و خشکی دست‌ها آغاز و سپس به صورت ضایعات قرمز رنگ و ملتهب و پوسته پوسته ظاهر می‌شود که با خارش همراه است. بر اساس این گزارش، عوامل زیادی می‌توانند به پوست دست آسیب برسانند. تماس زیاد با آب و هوای خیلی خشک، صابون‌ها، مواد پاک‌کننده، پودرهای رختشویی، حلال‌ها، مواد شیمیایی، دستکش‌های لاستیکی و حتی مواد بکار رفته در کرم‌ها و فرآورده‌های بهداشتی می‌توانند موجب بروز آگزمای دست شوند. زمانی که پوست قرمز و خشک شود حتی مواد بی‌ضرری مانند آب و محصولات بهداشتی نوزادان (کرم و شامپوهای بچه) هم می‌توانند موجب تحریک بیشتر پوست و بدتر شدن ضایعه شوند.

آدرس مطلب: وب‌دا (پایگاه اطلاع‌رسانی دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی)

<https://b2n.ir/n24-82>

۱۴. **ارجاع پردازی:** گزارش تنوع زیستی سازمان ملل متحد نشان می‌دهد بشر تاثیر ویرانگری بر خشکی، دریاها و هوا داشته و اکنون یک میلیون گونه جانوری و گیاهی در معرض انقراض قرار دارند. این گزارش امروز منتشر شده است. طبیعت در همه جا با سرعتی بی‌سابقه در کار ویرانی است و علت آن هم پیش از هر چیز نیاز سیری‌ناپذیر ما به غذا و انرژی بیشتر است. بر اساس این تحقیق، این روند ممکن است فقط در صورتی متوقف شود که یک "تغییر اساسی" در همه زمینه‌هایی که انسان با طبیعت در ارتباط است اتفاق بیفتد. "هیات بین‌دولتی تنوع زیستی و خدمات اکوسیستم" (آی‌پی‌بی‌ای‌اس) در طول سه سال این تحقیق جهانی را تهیه کرده است. گزارش کامل بالغ بر ۱۸۰۰ صفحه است و در آن به بیش از ۱۵ هزار منبع ارجاع داده شده است.

آدرس مطلب: بخش علمی سایت بی بی سی فارسی

<https://www.bbc.com/persian/science-48176877>

پیش‌نویس گزارش سازمان ملل متحد که به دست خبرگزاری فرانسه رسیده است هشدار می‌دهد، سلامتی ده‌ها میلیون نفر در دهه‌های آینده با سوء تغذیه، خشکسالی و بیماری‌های مرتبط با تغییر اقلیم تضعیف خواهد شد و در معرض تهدید است. محققان هیئت بین‌دولتی تغییر اقلیم در این گزارش که قرار است در سال ۲۰۲۲ منتشر شود، درباره تاثیرات گرم شدن کره زمین هشدار می‌دهند و معتقدند که بسیاری از این تاثیرات در کوتاه مدت اجتناب‌ناپذیر است.

آدرس مطلب: خبرگزاری یورونیوز

<https://b2n.ir/h07087>

۱۵. **ارجاع پردازی:** به قلم آنتونیو گوتش رئیس سازمان ملل: در حالی که جهان پنجمین سالگرد تصویب توافقنامه مهم پاریس در مورد تغییرات اقلیمی را گرامی می‌دارد، جنبشی امیدوارکننده برای به صفر رساندن انتشار کربن در حال شکل‌گیری است. تا ماه آینده، کشورهایی که انتشاردهنده بیش از ۶۵ درصد از گازهای مضر گلخانه‌ای بوده و نماینده بیش از ۷۰ درصد اقتصاد جهان هستند، متعهد به "صفر خالص کربن" تا اواسط قرن خواهند بود. در عین حال، شاخص‌های اصلی اقلیمی در حال وخیم‌تر شدن هستند. در حالی که همه‌گیری کووید-۱۹ به طور موقت میزان انتشار را کاهش داده است، دی اکسید کربن هنوز در بالاترین سطح قرار دارد و در حال افزایش است. دهه گذشته گرمترین دوره ثبت شده بود. یخ‌های دریای قطب شمال در ماه اکتبر کمترین میزان را تجربه کرد و آتش‌سوزی‌های آکراژمانی، سیل، خشکسالی و طوفان به طور فزاینده‌ای به یک هنجار تبدیل شده‌اند. تنوع زیستی در حال سقوط است، بیابان‌ها در حال گسترش و اقیانوس‌ها به وسیله زباله‌های پلاستیکی در حال گرم شدن و خفگی هستند. علم به ما گوشزد می‌کند اگر تا ۲۰۳۰ و به طور سالیانه تولید سوخت فسیلی را تا شش درصد کاهش ندهیم، شرایط بدتر خواهد شد. در عوض، دنیا در صدد افزایش برای دو درصد سالیانه است. بهبودی همه‌گیری کووید-۱۹، فرصتی غیرمنتظره و در عین حال حیاتی را برای حمله به تغییرات اقلیمی، تثبیت محیط زیست جهانی، مهندسی دوباره اقتصادها و تصور مجدد آینده، به ما می‌دهد. آنچه باید انجام دهیم به شرح زیر است: نخست، باید ائتلاف جهانی برای به صفر رساندن انتشار کربن تا ۲۰۵۰ ایجاد کنیم. اتحادیه اروپا متعهد به انجام چنین کاری شده است. انگلستان، ژاپن، جمهوری کره و بیش از ۱۱۰ کشور نیز چنین کاری را انجام داده‌اند. دولت بعدی ایالات متحده آمریکا نیز چنین تعهدی داده است. چین نیز متعهد شده است که قبل از ۲۰۶۰ به این ائتلاف بپیوندد.

آدرس مطلب: پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان ملل در ایران

<https://b2n.ir/e05058>

کنیم؛ پشتوانه‌اش تجربه‌های مکرر چند ده سال اخیر است که همه را بررسی کرده‌ایم و داریم روی آن دقت می‌کنیم. چون تمام این تجربه‌ها با تالی فاسد همراه شده است، ما ریشه اصلاح را در روش تحقیق دانسته‌ایم و به این سمت رفته‌ایم که یک روش تحقیق جدیدی را مطرح کنیم. بنابراین این اشکال اول است. خلاصه اشکال اول این است که روش تحقیق موجود در حوزه سلامت متکی بر حدس و ظن است، و حدس و ظن به معنی عدم اشراف دانشمند است، و وقتی شما اشراف کامل روی یک موضوع ندارید در عمل با تالی فاسدهای ثلاث مواجه خواهید شد.

۱/۱/۲. محروم شدن از فهم وحدت ترکیبی یک شیء؛ مهم‌ترین چالش نظریه‌های مبتنی بر حیث التفاتی (حیث‌محور)

اشکال دومی که به روش تحقیق موجود وارد است این است که: روش تحقیق موجود اساساً بر اساس مبنای مفهوم "حیث التفاتی"^{۱۶} وارد بحث می‌شود. "حیث التفاتی" یک اصطلاحی در فلسفه و روش تحقیق علم محسوب می‌شود. به صورت ساده معنای این اصطلاح این است که التفات دانشمند به یک مسئله فقط از یک حیث صورت می‌گیرد و مبتنی بر انتزاع ذهنی دانشمند از متغیرهای مورد مطالعه خودش است. این اصطلاح خیلی گویا است که می‌گوید: دانشمندان مدرنیته و دانشمندان علم جدید، بر مبنای یک حیث به یک پدیده علمی التفات و توجه می‌کنند. فرض بفرمایید اگر موضوع مطالعه یک درخت باشد یک دانشمند می‌آید به سمت اینکه فتوسنتز (photosynthesis)^{۱۷} آن درخت یا گیاه را مطالعه کند، از این حیث توجه می‌کند و وارد بحث می‌شود. یک دانشمند دیگر آن درخت را از حیث ریشه و میزان نفوذ بر آب و خاک مطالعه می‌کند. ممکن است دانشمند سومی هم میزان استفاده حشرات از آن درخت را مطالعه کند. یعنی درخت را از حیث غذا بودن برای حشرات مورد مطالعه قرار بدهد. خب؛ اشکال این چیست؟ چون من دیده‌ام که بعضی در مباحث فلسفی حوزه علمیه می‌گویند: اشکالی ندارد که یک درخت را از سه حیث مورد بررسی قرار دهیم و همه این گزاره‌ها هم درست است. آیا این اشکال قابل اغماض است؟ یا اگر ما پذیرفتیم که [در صورت پذیرفتن این نوع نگاه]، با چالش‌هایی روبرو خواهیم شد؛ [دیگر قابل اغماض نخواهد بود؟]. اشکال اصلی که ما به این روش تحقیق داریم این است که درخت یک "وحدت ترکیبی" دارد. درخت با ریشه‌اش، با فرآیند فتوسنتزش، با خدمات غذایی که به حشرات ارائه می‌دهد و با ده‌ها حیث دیگرش در مجموع، یک موجود است. در مجموع، یک "وحدت ترکیبی" دارد. بنابراین اگر کسی می‌خواهد توصیف علمی از درخت ارائه بدهد، حتماً باید برود به سمت اینکه وحدت ترکیبی درخت را مطالعه کند. من به صورت ساده‌تر بگویم خدای متعال درخت را برای یک غرضی

۱۶. **ارجاع پرورشی:** حال به تعریف **حیث التفاتی** آنگونه که در میان پیروان پدیدارشناسی و در دوره جدید آمده است باز می‌گردم. حیث التفاتی عبارت است از توانایی و خاصیتی از ذهن که اشاره به چیزی دارد یا ما را به چیز دیگری ارجاع می‌دهد (دربارگی یا درباره چیز دیگر بودن). ذهن این خصوصیت را دارد که حالت‌های آگاهانه و حالت‌های ناآگاهانه آن به چیزی تعلق دارد - البته این - که آیا تمامی حالات ذهن قصدی و التفاتی اند یا بعضی از آنها غیرالتفاتی است؟ آیا همه این حالات آگاهانه‌اند یا نه؟ مباحث مهمی است که اگر فرصتی پیش آمد مطالبی در این خصوص عرض خواهم کرد. بنابراین تعریف ما از حیث التفاتی این است که: حیث التفاتی آن توانایی ذهن است که هنگام ادراک، درک او درباره چیزی و ناظر به چیزی است.

جلسه بررسی و تبیین حیث التفاتی در مجمع عالی حکمت اسلامی / آدرس مطلب پایگاه اطلاع رسانی مجمع عالی حکمت اسلامی: <https://b2n.ir/a00207>

۱۷. **ارجاع پرورشی:** photosynthesis, the process by which green plants and certain other organisms transform light energy into chemical energy. During photosynthesis in green plants, light energy is captured and used to convert water, carbon dioxide, and minerals into oxygen and energy-rich organic compounds.

فتوسنتز، فرایندی که گیاهان سبز و برخی موجودات دیگر انرژی نور را به انرژی شیمیایی تبدیل می‌کنند. در طی فتوسنتز در گیاهان سبز، انرژی نور گرفته شده و برای تبدیل آب، دی‌اکسید کربن و مواد معدنی به اکسیژن و ترکیبات آلی غنی از انرژی استفاده می‌شود.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا: <https://b2n.ir/n62783>

خلق کرده است؛ بله درخت ریشه دارد، برگ دارد، ساقه دارد، جریان انتقال آب از ریشه به برگ‌ها را دارد، شما می‌توانید صدها جزء را در درخت به صورت مجزا در ذهنتان انتزاع کرده و بحث کنید؛ ولی به هر حال درخت برای یک غرض و برای یک هدف واحد خلق شده است. بنابراین ما فکر می‌کنیم در روش تحقیق، دانشمند باید وحدت ترکیبی یک شیء را توضیح دهد.

حالا الان مثالمان درخت بود ولی می‌شود همین قاعده را در بقیه اشیاء نیز به کارگیری کرد. مثلا در بدن انسان "کلیه" مورد مطالعه است این بحث ما به کلیه نیز تطبیق پیدا می‌کند. اگر یک دانشمند حیث التفاتی خودش را در زمینه کلیه، ارتباط کلیه با مثانه و مجاری ادراری قرار بدهد و آنجا را مطالعه کند و شما نیز حیث التفاتی را در روش تحقیق امضاء کرده باشید؛ در این مورد هم قائل می‌شوید که این دانشمند کار درستی انجام داده است. و ممکن است که دانشمند دیگری بیاید و تفاوت بافت‌های درونی کلیه را با "قلب" مورد مطالعه قرار بدهد و مثلا جنس بافت قلب را با جنس بافت کلیه مورد مقایسه قرار دهد و چند گزاره علمی در اختیار شما قرار دهد. باز اگر در روش تحقیق، مفهوم حیث التفاتی را پذیرفته باشید اذعان خواهید کرد که این نوع مطالعه درست است. اما اگر گفتید که کلیه با بافتش، با ارتباطی که با مجاری ادراری، با ارتباطش با سیستم عصبی و ارتباطش با ده‌ها جزء دیگر یک وحدت دارد؛ آنگاه نتیجه روشی بحث این می‌شود که کلیه را با وحدتش توضیح می‌دهید. مثلا امام علیه السلام در روایت می‌فرماید «کلیه؛ علت قوت و ضعف بدن است.»^{۱۸} با همه اجزائی که دارد اینگونه کارکردی دارد. تضعیف شحمش منجر به پیدایش ضعف عمومی بدن می‌شود، قوت آن هم منجر به ایجاد قوت در بدن می‌گردد. فرض کنید چنین گزاره‌ای باید به دست بیاید.

پس از این حیث هم به روش تحقیق حوزه سلامت اشکال داریم. حالا با این روش شما باید "دماغ" و "مغز" را توضیح دهید؛ با این روش باید "قلب" را با وحدت ترکیبی‌ای که دارد توضیح دهید؛ با این روش باید "ریه" را توضیح دهید؛ باید "طحال" را شرح بدهید. من وقتی مقالات حوزه پزشکی را که دوستان به عنوان مقاله علمی چاپ می‌کنند و با اتکای به این مقاله‌ها گفتگوها را سد می‌کنند می‌بینم که بر همه این مقاله‌ها مفهوم "حیث التفاتی" حاکم است و ما به این مفهوم اشکال داریم. علاوه بر اینکه در حوزه روش تحقیق بر اتکای به فرضیه به "حدس" و "ظن" اشکال می‌کنیم، بر اتکای فرضیه به "حیث التفاتی" نیز اشکال داریم.

۱/۲. اتکاء به گزارش‌های خالق (مبتنی بر اشراف کامل بر اشیاء)؛ اصلی‌ترین ویژگی روش تحقیق فقهی

خب؛ به دلیل این دو اشکال - که حالا بنده همین دو اشکال را مطرح کردم وگرنه غیر از این دو اشکال، اشکالات دیگری هم وارد است - ما یک روش تحقیق دیگری را در حوزه سلامت بحث کردیم. در روش تحقیق ما، "حیث التفاتی" ملاک نیست، بلکه "وحدت ترکیبی" یک شیء موضوع مطالعه است. همچنین در روش تحقیق ما، اتکایی به "حدس دانشمند" نیز نمی‌کنیم بلکه به "گزارش خالق" در مورد اشیاء اتکاء می‌کنیم. گزارش‌های خالق نیز از طریق "وحی" و "شارحین وحی" در اختیار ما

۱۸. ارجاع پژوهشی؛ عن الصادق (علیه السلام): صَفَّفَ الْبَدَنَ وَ قُوَّتُهُ مِنْ شَحْمِ الْكَلْبِيِّنِ.

امام صادق (علیه السلام): ضعف و قوت بدن از پیه کلیه‌هاست.

مصدر اصلی: تحف العقول، ص ۳۷۱

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۵۴

قرار گرفته است.^{۱۹} فرض بفرمایید اگر ما در مورد "عَصَب" مطالعه می‌کنیم؛ وحدت ترکیبی عصب در آیات و روایات توضیح داده شده است. اگر هم در مورد "کلیه" وارد بحث می‌شویم وحدت ترکیبی کلیه شرح داده شده است. ما در گام اول، گزارش خالق را کشف می‌کنیم. البته در فرآیند کشف گزارش‌های خالق، حیث‌های صدوری و اینکه اطمینان حاصل کنیم این گزارش مستند به معصوم و به کتاب خداست؛ وزن ویژه‌ای در مطالعات ما دارد. بعد از دقت‌های رجالی و صدوری، اگر به یک گزارش اتکاء کردیم، همان گزارش را مبنای تحقیق، تجربه و تحلیل خودمان قرار خواهیم داد.

البته در جلسات دیگری می‌توان ویژگی‌های بیشتری از این روش تحقیق فقهی را محل بحث قرار داد ولی به هر حال ما فکر می‌کنیم این، مزیت حوزه علمیه قم و طبای طب اسلامی است که گزاره‌های اولیه تحقیق و توصیف‌شان؛ نه متکی بر حدس است و نه متکی بر حیث التفاتی. یعنی فرض بفرمایید وقتی شما عبارت «الجزر یسخن الکلیتین و یقیم الذکر»^{۲۰} را مبنای تحقیق قرار می‌دهید این، هم توصیفی در مورد "وحدت ترکیبی جَزَر (هویج)" و اثر آن بر روی "وحدت ترکیبی کلیه" است و هم مبتنی بر ظن نیست. یعنی ما هم از چاله حیث التفاتی در روایت یک موضوع عبور کرده‌ایم و هم از چاله اتکاء بر گزاره‌های ظنی و دائم‌التغییر و همراه با تالی فاسد. ما از هر دو آسیب عبور پیدا کرده‌ایم. بنابراین بنده فکر می‌کنم به جای اینکه ما گفتگوها را به گفتگوهای رسانه‌ای، احساسی و فاقد تحلیل‌های علمی تبدیل کنیم؛ وزیر محترم بهداشت در دوره دولت انقلابی باید حتماً تدبیر اصلی‌شان این باشد که گفتگو با حوزه علمیه قم را بپذیرند. چهل سال به دلیل تبلی و کم‌کاری طلبه‌هایمان (بنده مقصر اصلی را خودمان می‌دانم) دستگاه بهداشتی جمهوری اسلامی بر روش تحقیق موجود اتکاء کرده است: در حوزه غذا به مقالات FDA آمریکا^{۲۱} و گُدکس آلیمنتاریوس (Codex Alimentarius)^{۲۲}، و کتاب‌هایی همچون

۱۹. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنِ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ الْبَرْقِيِّ عَنِ النَّضْرِ بْنِ شُوَيْبٍ رَفَعَهُ عَنْ سَدِيدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا أَتَيْتُمْ قَالَ: نَعْنُ حُرَّانَ عِلْمِ اللَّهِ وَ نَعْنُ تَرَاجِمَةَ [۱] وَ حِيَّيَ اللَّهِ وَ نَعْنُ الْحُجَّةَ الْبَالِغَةَ عَلَى مَنْ ذُوْنَ السَّمَاءِ وَ مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ. سدیر می‌گوید به امام باقر (علیه السلام) گفتم: فدایت شوم! شما چه کسانی هستید؟ فرمود: ما گنجینه‌های علم خداوند، و ما ترجمان (مفسرین) وحی خداوند، و ما حجت رسای خداوند بر آنکه زیر آسمان و روی زمین است هستیم.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۱۹۲

منابع دیگر: الوافی، ج ۳، ص ۵۰۴

[۱] (ترجم): "... تَرَاجِمَةَ وَ حِيَّيَكَ" هي جمع تَرَجَمَان، و هو الْمُتَرَجِّمُ الْمُفَسِّرُ لِللسان، يقال تَرَجَمَ فلانٌ كَلَامَهُ: بينه و أوضحه. تَرَاجِمَةَ، جمع ترجمان است. یعنی: مترجم و تفسیرکننده زبان. وقتی گفته می‌شود: فلانی کلامش را ترجمه کرد یعنی: تبیین کرد و شرح و توضیح داد.

مجمع البحرین (طریحی)، ج ۶، ص ۲۱

برای مشاهده روایات بیشتر در این باره ر، ک: **پیوست شماره ۳.**

۲۰. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَكَلُ الْجَزْرِ يُسَخِّنُ الْكُلَيْتَيْنِ وَ يُقِيمُ الذَّكَرَ. امام صادق (علیه السلام): خوردن هویج زردک کلیه‌ها را گرم و آلت را راست می‌گرداند.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۰۶ / الوافی، ج ۱۹، ص ۴۲۳

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ إِسْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ: أَكَلُ الْجَزْرِ يُسَخِّنُ الْكُلَيْتَيْنِ وَ يَنْصِبُ الذَّكَرَ. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ كَيْفَ أَكَلُهُ وَ لَيْسَ لِي أَسْنَانٌ؟! قَالَ: فَقَالَ لِي: مَرُّ الْجَارِيَةِ تَسَلِّفُهُ وَ كَلَّهُ.

به نقل از داوود بن فرقد: از امام کاظم علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «خوردن زردک، کلیه‌ها را گرم می‌کند و آلت را راست می‌گرداند». به ایشان گفتم: فدایت شوم! در حالی که دندان ندارم، چگونه آن را بخورم؟ به من فرمود: «به کنیز خود بگو آن را برایت آب‌پز کند. سپس آن را بخور».

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۲۴ / الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۰۷ / بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۸۲ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۱۲۶

۲۱. Food and Drug Administration (سازمان غذا و داروی آمریکا)

۲۲. **ارجاع پردازشی:** کدکس ریشه لاتین داشته و در لغت به مفهوم مقررات است. کمیسیون مقررات مواد غذایی (CAC) کمیسیون مشترک دو سازمان خواربار کشاورزی (FAO) و بهداشت جهانی (WHO) می‌باشد که در سال ۱۹۶۳ به دلیل اهمیت و لزوم تدوین استانداردهای غذایی، ایجاد گردید. این کمیسیون، تدوین استانداردهای غذایی را به طور واحد و یکسان برعهده دارد و اجلاسیه آن هر ساله در مقر یکی از سازمان‌های مذکور برگزار می‌گردد. در حال حاضر ۱۸۶ کشور از جمله جمهوری اسلامی ایران عضو این کمیسیون است.

پاتولوژی رابینز^{۲۳} و کتاب‌هایی در حوزه فارماکولوژی (Pharmacology)^{۲۴} و ایمنولوژی (Immunology)^{۲۵} و در حوزه‌های مختلف پزشکی از همین علوم موجود اقتباس کرده است. نتیجه‌اش هم شده همین نظام سلامتی که ما داریم که وقتی با دوستان‌مان تحلیل می‌کنیم می‌گوییم "سرماخوردگی ساده کرونا" را به یک بحران تبدیل کرده‌اند! در فضای موجود اگر دوستان می‌خواهند مسئله حل شود پیشنهاد من این است که گفتگوها پیرامون روش تحقیق جدید را لااقل به اندازه دو واحد بپذیرند. خود آقای عین‌اللهی اولین کسی است که به این بحث احتیاج دارد. اگر این بحث با حذف احساسات و چالش‌هایی که الان داریم می‌بینیم همراه شود نتیجه‌اش این می‌شود که ان‌شاءالله آینده بهتری برای ملت ایران رقم خواهیم زد. من بحث روش تحقیق را برای موقعی می‌گذارم که دوستان تصمیم بگیرند به جای رفتن به ماساچوست (Massachusetts) و استنفورد (Stanford) و سوربن (Sorbonne) به حوزه علمیه قم تشریف بیاورند و یک مقدار کتاب "محاسن" و کتاب "کافی" و سایر کتب عمیق ما در حوزه علمیه قم را لااقل ببینند. مثلاً فهرست کتاب "عوامل" را ببینند؛ آن موقع ما می‌توانیم ان‌شاءالله این بحث‌ها را عمیق‌تر بیان کنیم. من این بحث‌ها را گفتم که عرض کنم از نظر ما مقالات I.S.I و همچنین پروتکل‌های سازمان بهداشت جهانی شبه علم است. استدلال‌هایش را هم عرض کردم. شبه علم یعنی اتکای به حدس، شبه علم یعنی اتکای به حیث التفاتی. اگر بنا باشد گفتگوها به سمتی برود که مشخص کنیم کدام طرف علمی صحبت می‌کند و کدام طرف غیر علمی؛ عرض بنده این است که طرفی که روش تحقیقش مبتنی بر "حدس" یک دانشمند و "حیث التفاتی" است، آن طرف دارد گزاره غیر علمی را مطرح می‌کند. این دعوا باید برای همیشه خاتمه پیدا کند که کسانی در وزارت بهداشت جمهوری اسلامی به خودشان اجازه دهند گزاره‌های عمیق طب اسلامی را به چالش بکشند؛ آنهم یک چالش رسانه‌ای و از روی نخوت و تکبر که متأسفانه وضعیت فعلی جامعه را به ما تحمیل کرده است. پس سؤال اول را بعداً بیشتر توضیح خواهم داد ان‌شاءالله.

از ویژگی‌های مهم این کمیسیون، تصویب استانداردهای جهانی مواد غذایی با رعایت مسائل ایمنی و بهداشتی مصرف‌کنندگان، تسهیل تجارت و تبادل مواد غذایی بین کشورها است و با توجه به تاکید سازمان تجارت جهانی (WTO)، رعایت این استانداردها در تجارت مواد غذایی بین کشورهای منطقه و سایر کشورهای عضو کمیسیون حائز اهمیت و موثر می‌باشد. ایران در سال ۱۳۶۸ به عضویت این کمیسیون پیوست، که طی همان سالها به دلیل فعالیت مناسب از سوی مدیر اجرایی کدکس مورد تشویق قرار گرفت.

آدرس مطلب: پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان ملی استاندارد ایران

<https://b2n.ir/CODEX>

Robbins and Cotran Pathologic Basis of Disease. ۲۳

۲۴. **ارجاع پژوهشی:** Pharmacology, branch of medicine that deals with the interaction of drugs with the systems and processes of living animals, in

particular, the mechanisms of drug action as well as the therapeutic and other uses of the drug

فارماکولوژی، شاخه‌ای از پزشکی است که به تعامل داروها با سیستم‌ها و فرآیندهای حیوانات زنده، به ویژه مکانیسم‌های اثر دارو و همچنین موارد درمانی و سایر موارد مصرف دارو می‌پردازد.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا - <https://b2n.ir/q34614>

۲۵. **ارجاع پژوهشی:** Immunology, the scientific study of the body's resistance to invasion by other organisms (i.e., immunity)

ایمنولوژی، مطالعه علمی مقاومت بدن در برابر تهاجم توسط موجودات دیگر (یعنی ایمنی).

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا - <https://b2n.ir/s00568>

۲. سوال دوم: بنابر مباحث " الگوی فقهی تحلیل بیماری (پاتولوژی فقهی)؛ بیماری چگونه

تعریف می‌شود و چگونه به وجود می‌آید؟

پس پیش‌فرض ما در روش تحقیق، روش تحقیق مبتنی بر کلمات اهلیت و گزاره‌های انبیاء (علیهم‌السلام) است. ما با افتخار از این روش تحقیق استفاده کرده و آن را دائما با روش تحقیق موجود مقایسه می‌کنیم. بر مبنای همین روش تحقیق وارد سؤال دوم می‌شویم:

۲/۲. تعریف بیماری به اختلال در قلب، طبع و عضو درگیر؛ تعریف «پاتولوژی فقهی» از بیماری

بیماری چیست؟ بیماری به نحو عام چگونه به وجود می‌آید؟ قبل از اینکه به تحلیل خود کرونا برسیم، باید در مورد اصول عام بیماری سخن بگوییم. حالا اگر این اشکال را بپذیریم راه حل در تحلیل بیماری چیست؟ ما پیرامون «الگوی تحلیل بیماری» در جلسات گذشته و در سال‌های گذشته اندکی بحث کرده‌ایم.^{۲۶} من در این جلسه مختصرا عرض کنم که ما معتقدیم که پایه تحلیل بیماری‌ها به سه موضوع برمی‌گردد: (یعنی فرض بفرمایید که یک طبیب طب اسلامی می‌خواهد یک بیماری را توصیف کند) او می‌آید بر یک دستگاه فکری و الگوی تحلیل بیماری سه بخشی تکیه می‌کند و گزارش از بیماری را ارائه می‌دهد.

۲/۲/۱. اختلال در وحدت ترکیبی اعضای بدن؛ اولین محور تعریف بیماری در پاتولوژی فقهی

این سه محور به ترتیب عبارت از این است که: ابتدا وحدت ترکیبی عضو درگیر بیماری را توصیف می‌کند. فرض بفرمایید مثلا اگر ما می‌خواهیم بگوییم که "آیا کلیه دچار بیماری شده است یا نه؟" در روایات ما اهلیت (علیهم‌السلام) "شحم کلیه" را متغیر اصلی اختلال در بیماری کلیه و سلامت آن فرض کرده‌اند. بله! برای من مفروض است که کلیه دارای ده‌ها جزء درونی است، و دارای تفاوت‌های بافتی و سلولی با بقیه اعضا است، و دارای مشترکاتی است؛ همه اینها را می‌دانم. ولی خالق "کلیه" با اشرافی که به "وحدت ترکیبی کلیه" و اجزایش دارد؛ یک گزارشی از آن را در اختیار ما قرار داده است. بنابراین وقتی ما می‌خواهیم اختلال در کلیه را بررسی کنیم؛ شروعمان کشف این گزارش محوری از کلیه است. عرض کردم که امام (علیه‌السلام) می‌فرماید: «ضعف و قوت بدن از شحم دو کلیه است»؛ پس گزاره به دست آمد. منتها این گزاره مبتنی بر فرضیه یا ذکاوت و حدس یک دانشمند نیست. بلکه گزاره خالق کلیه است که از طریق ائمه (علیهم‌السلام) به ما رسیده است و گزارش خالق است. گزارش‌های خالق یک ویژگی و یک تفاوت مهم با گزارش‌های مخلوقین دارد و آن عبارت است از این که گزارش‌های خالق بر مبنای اشراف خالق، تولید و بیان شده است.^{۲۷} برخلاف گزارش‌های ما که ناشی از بررسی محدود خودمان است. پس حالا اگر ما وارد بحث از بیماری کرونا شدیم؛ این بیماری عضو اصلی‌ای را که درگیر می‌کند، "ریه" است.

۲۶. **ارجاع پژوهشی:** اشاره به جلسه برگزار شده با عنوان "تحلیل فقهی بیماری در مقایسه با پاتولوژی پوزیتویستی" در شهر مقدس قم، موسسه تحقیقاتی طب‌لائمه (علیهم‌السلام)، در تاریخ ۶ دی ۱۳۹۹.

لینک دریافت جزوه پیاده فوری جلسه فوق در پیام‌رسان اینستا: <https://eitaa.com/olgou4/3022>

۲۷. **ارجاع پژوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْخَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ أَبِيهِ أَشْبَاطٍ عَنْ سُورَةَ بْنِ كَلَيْبٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ ع: وَ اللَّهُ إِنَّا لَنَرَأُوهُ اللَّهُ فِي سَمَائِهِ وَ أَرْضِهِ لَا عَلَى ذَهَبٍ وَ لَا عَلَى فِضَّةٍ إِلَّا عَلَى عِلْمِهِ.
به خدا سوگند! ما خزانه‌داران خدا در آسمان و زمین هستیم، نه بر طلا و نقره، که خزانه‌داران دانش اویسیم.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۱۹۲ / بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۱۰۴

سند بصائر: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْخَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنْ أَبِيهِ أَشْبَاطٍ عَنْ سُورَةَ بْنِ كَلَيْبٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ

منايع دیگر: الوافي، ج ۳، ص ۵۰۴ / بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۰۵

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد «علم مبتنی بر اشراف اهلیت (علیهم‌السلام)»، ر.ک: پیوست شماره ۴.

بنابراین ما نیاز داریم که یک گزاره پایه راجع به "ریه" داشته باشیم که ببینیم "ریه" با وحدتش چه کاری انجام می‌دهد. این سر فصل اول است.

۲/۲/۲. اختلال در طبایع چهار گانه (دم، بلغم، صفرا و سودا)؛ دومین محور تعریف بیماری در باتولوژی فقهی

سر فصل دومی که ما در بحث داریم این است که نقش "طبع" و "طبیاع" را در پیدایش یک بیماری بحث می‌کنیم. اینجا یک مقدار بحث مهم است خواهش می‌کنم یک مقدار بیشتر دقت بفرمایید. ببینید! در مفهوم "طبع" ابتداءً باید این نکته را توجه کرد که: طبق گزارش‌های خالق، بدن همه انسان‌ها از چهار طبع ساخته شده است. این نکته اول است. عبارت قابل دفاع رساله ذهبیه اینطور است که «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَنَى الْأَجْسَامَ عَلَى أَرْبَعِ طَبَائِعٍ»^{۲۸} می‌فرماید: خداوند متعال جسم را (که هم

۲۸. ارجاع پژوهشی: أَقُولُ وَحَدَّثَ بِحَظِّ الشَّيْخِ الْأَجَلِّ الْأَفْضَلِ الْعَلَمَةِ الْكَامِلِ فِي فُنُونِ الْعُلُومِ وَالْأَدَبِ مَرْوَجِ الْعِلْمَةِ وَالِدَيْنِ وَالْمَذَهَبِ نُورِ الدِّينِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَالِيِّ الْكُرْكِيِّ جَزَاةَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَنِ الْإِيمَانِ وَعَنْ أَهْلِ الْجَزَاءِ السَّنِيِّ مَا هَذَا لَفْظُهُ: الرَّسَالَةُ الذَّهَبِيَّةُ فِي الطَّبِّ الَّتِي بَعَثَ بِهَا الْإِمَامَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَاعِ إِلَى الْمَأْمُونِ الْعَبَّاسِيِّ فِي حِفْظِ صِحَّةِ الْمِرْجَاحِ وَتَدْبِيرِهِ بِالْأَعْزِيَّةِ وَالْأَنْشَرِيَّةِ وَالْأَدْوِيَّةِ قَالَ إِمَامُ الْأَنَامِ عُرَّةُ وَجِهَ الْإِسْلَامَ مَظْهَرُ الْعُمُوضِ بِالرُّؤْيَةِ اللَّامِعَةِ كَاشِفُ الرُّمُوزِ فِي الْجَفْرِ وَالْجَامِعَةُ أَقْضَى مَنْ قَضَى بَعْدَ جَدِّهِ الْمُضْطَلْقِيِّ وَأَعَزَّى مَنْ عَزَا بَعْدَ أَبِيهِ عَلِيِّ الْمُرْتَضِيِّ إِمَامِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَبِي [أَبُو] الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَاعِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الثَّجَابَةِ الثَّقَابَةِ الْكِرَامِ الْأَعْلِيَاءِ اعْلَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى آخِرِ مَا سَيَأْتِي مِنَ الرَّسَالَةِ.

و حَدَّثَ فِي تَأْلِيفِ بَعْضِ الْأَفْاضِلِ بِهَدْيِ السَّنَدَيْنِ: قَالَ مُوسَى بْنُ عَلِيٍّ بْنِ جَابِرِ السَّلَامِيِّ أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ الْأَجَلُّ الْعَالِمُ الْأَوْحَدُ سَدِيدُ الدِّينِ يَحْيَى بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلْبَانَ الْخَازِنُ أَدَامَ اللَّهُ تَوْفِيقَهُ قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ. وَ قَالَ هَارُونُ بْنُ مُوسَى التَّلْعُكْرِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هِشَامِ بْنِ سَهْلِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي وَ كَانَ عَالِمًا بِأَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَاعِ خَاصَّةً بِهِ مَلَازِمًا لِحَدِيثِهِ وَ كَانَ مَعَهُ حِينَ حَمَلَ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى أَنْ سَارَ إِلَى خُرَاسَانَ وَ اسْتَشْهَدَ عَلَيْهِ الصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ بِطُوسَ وَ هُوَ ابْنُ تِسْعٍ وَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ:

وَ كَانَ الْمَأْمُونُ بَنِيْسَابُورَ وَ فِي مَجْلِسِهِ سَيِّدِي أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَاعُ وَ جَمَاعَةٌ مِنَ الْمُتَطَهِّبِينَ وَ الْفَلَسَفَةِ مِثْلُ يُوْحَنَّا بْنِ مَاسُوِيَةَ وَ جَبْرِئِيلَ بْنِ بَخْتِيشُوعَ وَ صَالِحِ بْنِ سَلْهَمَةَ (خ ل: بلهमे) الْهِنْدِيِّ وَ عَزَبْرَهُمْ مِنْ مُتَّجِلِي الْعُلُومِ وَ ذَوِي الْبَحْثِ وَ النَّظَرِ فَجَرَى ذِكْرَ الطَّبِّ وَ مَا فِيهِ صَلَاحِ الْأَجْسَامِ وَ قِوَامِهَا فَأَعْرَقَ الْمَأْمُونُ وَ مَنْ بَحْثَرْتَهُ فِي الْكَلَامِ وَ تَغَلَّغُوا فِي عِلْمِ ذَلِكَ وَ كَيْفَ رَكَّبَ اللَّهُ تَعَالَى هَذَا الْجَسَدَ وَ جَمِيعَ مَا فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ الْمُتَضَادَّةِ مِنَ الطَّبَائِعِ الْأَرْبَعِ وَ مَضَارِّ الْأَعْزِيَّةِ وَ مَنَافِعِهَا وَ مَا يَلْحَقُ الْأَجْسَامَ مِنْ مَضَارِّهَا مِنَ الْعِلَلِ. قَالَ: وَ أَبُو الْحَسَنِ عَ سَاكَتْ لَا يَنْكَلِمُ فِي شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ الْمَأْمُونُ مَا تَقُولُ يَا أَبَا الْحَسَنِ فِي هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي نَحْنُ فِيهِ هَذَا الْيَوْمَ وَ الَّذِي لَا بَدَّ مِنْهُ مِنْ مَعْرِفَةِ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ وَ الْأَعْزِيَّةِ التَّافِعِ مِنْهَا وَ الصَّارِ وَ تَدْبِيرِ الْجَسَدِ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَ عِنْدِي مِنْ ذَلِكَ مَا جَرَّبْتَهُ وَ عَرَفْتُ صِحَّتَهُ بِالْإِخْتِبَارِ وَ مُرُورِ الْأَيَّامِ مَعَ مَا وَقَفْتِي عَلَيْهِ مِنْ مَضَى مِنَ السَّلَفِ مِمَّا لَا يَسْغُ الْإِنْسَانُ جَهْلُهُ وَ لَا يُعْذَرُ فِي تَرْكِهِ فَإِنَّا أَجْمَعٌ ذَلِكَ مَعَ مَا يُقَارِبُهُ مِمَّا يُحْتَاجُ إِلَى مَعْرِفَتِهِ. قَالَ: وَ عَاجَلَ الْمَأْمُونُ الْخُرُوجَ إِلَى بَلْخِ وَ تَخَلَّفَ عَنْهُ أَبُو الْحَسَنِ عَ وَ كَتَبَ الْمَأْمُونُ إِلَيْهِ كِتَابًا يَنْتَحِزُهُ مَا كَانَ ذِكْرُهُ مِمَّا يُحْتَاجُ إِلَى مَعْرِفَتِهِ مِنْ جِهَتِهِ عَلَى مَا سَمِعَهُ مِنْهُ وَ جَرَّبْتَهُ مِنَ الْأَطْعَمَةِ وَ الْأَنْشَرِيَّةِ وَ أَخَذَ الْأَدْوِيَّةَ وَ الْفُصْدَ وَ الْحِجَامَةَ وَ السَّوَاكَ وَ الْحَمَامَ وَ الثَّوْرَةَ وَ التَّدْبِيرَ فِي ذَلِكَ. فَكَتَبَ الرِّضَاعُ عَ إِلَيْهِ كِتَابًا نَسَخْتُهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ أَمَّا بَعْدُ... إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَنَى الْأَجْسَامَ عَلَى أَرْبَعِ طَبَائِعٍ وَ هِيَ الْمِرْتَانُ وَ الدَّمُ وَ الْبَلْغَمُ وَ بِالْحَمْلَةِ خَازِنٌ وَ بَارِدَانٌ قَدْ حُوْلِفَ بَيْنَهُمَا فَجَعَلَ الْحَارِّينَ لَيْتًا وَ يَابَسًا وَ كَذَلِكَ الْبَارِدِينَ رَطْبًا وَ يَابَسًا ثُمَّ فَرَّقَ ذَلِكَ عَلَى أَرْبَعَةِ أَجْزَاءٍ مِنَ الْجَسَدِ وَ عَلَى الرَّأْسِ وَ الصَّدْرِ وَ السَّرَاسِيفِ وَ أَسْفَلِ السُّبْطَيْنِ. وَ اعْلَمْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الرَّأْسَ وَالْأَذْيَيْنِ وَالْعَيْنَيْنِ وَالْمُنْخَرَيْنِ وَالنَّمَّ وَالْأَنْفَ مِنَ الدَّمِ وَ أَنَّ الصَّدْرَ مِنَ الْبَلْغَمِ وَ الرَّيْحَ وَ السَّرَاسِيفَ مِنَ الْمِرَّةِ الصَّفْرَاءِ وَ أَنَّ أَسْفَلَ السُّبْطَيْنِ مِنَ الْمِرَّةِ السَّوْدَاءِ...»

علامه مجلسی (رحمت الله علیه) می‌گوید: من به خط علامه کامل در فنون علم و ادب علی بن عبدالعال کرکی رساله را به این لفظ دیدم: رساله ذهبیه در طب که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام برای مأمون عباسی فرستاده برای حفظ صحت مزاج و تدبیر آن با غذاها و نوشیدنی‌ها و داروها.

و همچنین این روایت (رساله ذهبیه) را در تالیفات بعضی از بزرگان دیگر با این دو سند یافتیم:

سند اول: موسی بن علی بن جابر سلامی، از شیخ بزرگوار عالم بی‌نظیر و دارای دینی استوار یحیی بن محمد بن علبان خزانه دار که گفت: ابومحمد حسن بن محمد بن جمهور (این متن رساله ذهبیه را برای من روایت کرد).

سند دوم: هارون بن موسی تلکبری از محمد بن هشام بن سهل که او گفت: حسن بن محمد بن جمهور برای ما نقل کرد که پدرم (محمد بن جمهور) که فردی عالم به جایگاه حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و از مخصوصان و ملازمان خدمتش بوده و در سفر مدینه به خراسان با او همراه بود و وقتی که حضرت در طوس به شهادت رسید وی نود و نه سال داشت. وی می‌گوید:

مأمون در نیشابور بود و انجمنی داشت که آقایم امام رضا علیه السلام در آن شرکت کرد و جمعی از پزشکان و فلاسفه مانند یوحنا ابن ماسویه، جبرئیل بن بختیشوع صالح بن سلهمه هندی و دیگران از دانشمندان و اهل نظر، و ذکر طب آمد و آنچه وسیله صلاح اجسام و زیست آنها است. مامون و حاضران در بحث آن غرق شدند و سخنها گفتند درباره ترکیبی که خدا از تن کرده و طبایع متضادی که در آن آورده و در باره زیان و سود غذاها و اثر خوب و بد آنها در تن آدمی.

گفت: امام هشتم (علیه السلام) خاموش بود و چیزی در این باره نمی‌گفت و مأمون بان حضرت گفت: ای ابو الحسن (علیه السلام)! در باره آنچه ما امروز در آن گفتگو داریم شما چه گوید آنچه که باید دانست از غذاهای سودمند و زیانبار و تدبیر کار تن، امام فرمود: من در این باره بگذشت زمان تجربه‌ها دارم با آنچه از گذشتگان بمن رسیده که آدمی را نرسد بدانها نادان ماند و ترك آنها کند، من آنها را با هر چه بدان مربوط است و نیاز بدانستن دارد جمع آوری کنم.

گفت: مأمون شتابانه به بلخ رفت و امام هشتم (علیه السلام) را به جا نهاد و آنچه مأمون به حضرت نوشت که به وعده خود عمل کند و آن کتاب را بنویسد در باره آنچه دانستن آن مورد نیاز است که از او شنیده و هر چه وی آموخته از خوراک و نوشابه و دارو و رگزدن و حجامت و مسواک و حمام و نوره و تدبیر آنها و امام رضا علیه السلام در پاسخ نامه‌ای نوشت بدین مضمون:

قلب، هم مغز، هم مو و هم دهان و همه اعضاء بدن و وحدت ترکیبی بدن جزئی از آن است) بر چهار طبیعت ساخته و بنیان نهاده است. من عبارت رساله ذهبیه را بخوانم: « وَ هِيَ الْمِرَّتَانِ وَالذَّمُّ وَالْبَلْغَمُ » این چهار طبیعت عبارت از دو تا "مِرَّة" است. "مِرَّة" یعنی تلخه. در اینجا دوباره این عبارات براساس همان روش تحقیق فقهی ساخته شده و بحث شده است. چون ماده "مِرَّة" (حالا چه مِرَّة صفاویه و چه مِرَّة سوداویه) یک ماده پیچیده‌ای دارد؛ ما را به میکروسکوپ و آزمایشگاه ارجاع نداده است که خودمان برویم و کشف کنیم و بحث کنیم و بعد از آن هم این گزارش‌های متشکلت را تولید کنیم. بلکه حضرت وقتی خواسته‌اند "مِرَّة" را به ما معرفی کنند به وصف اصلی‌اش که مزه آن است معرفی کرده است که این دو تا "تلخه" هستند. شما احتمالاً این تجربه را دارید (خصوصاً در گرمای تابستان و یا برخی از صبح‌ها که از خواب بیدار می‌شوید) می‌بینید که مزه دهانتان تلخ است؛ که طبق روایت این تلخی دو تا منشا دارد: یا تلخه صفاوی است یا سوداوی. پس حضرت دارند می‌فرمایند که این دو تا طبیعت هستند.

دو طبیعت دیگری که بحث می‌کنند: « وَ الذَّمُّ وَ الْبَلْغَمُ » یکی دیگر از طبیعت‌ها "دم" است که همین خون است که در روایات با یک اوصاف دیگری غیر از اوصاف موجود از آن بحث شده است. به علاوه "بلغم" که یکی مثال‌های آن همین خلط‌هایی است که گاهی اوقات شما آنها را دفع می‌کنید. که حضرت در ابتدای بحث و روش تحقیق خود توضیح می‌دهند که: « وَ بِالْجَمَلَةِ حَارَّانِ وَ بَارِدَانِ » می‌فرماید: با یک توصیف اجمالی این چهار طبع دو طبع سرد هستند، و دو طبع گرم. طبع‌های گرم چه هستند؟ "دم" و "صفراء" گرم هستند. دو طبع سرد چه هستند؟ "بلغم" و "سودا" سرد هستند. ادامه روایت اینگونه است که: « قَدْ خُولِفَ بَيْنَهُمَا » البته یک اختلافی بین این دو سرد و گرم وجود دارد: « فَجَعَلَ الْحَارَّانِ لَيْبًا وَ يَابِسًا » یکی از آن دو گرم، "تر" هم هست (منظور حضرت، طبع "خون (دم)" است). و یکی دیگر از آن دو تا گرم، "خشک" است [که منظور، "صفراء" است]. دو طبع دیگر را که حضرت بحث می‌کنند می‌فرمایند: « وَ كَذَلِكَ الْبَارِدَيْنِ » آن دو سرد «رَطْبًا وَ يَابِسًا» دارای وصف "خشکی" [و "تری" هستند]. پس دو "طبع گرم" [یعنی: گرم و خشک (صفراء) و گرم و تر (دم)] و دو "طبع سرد" [یعنی: سرد و خشک (سوداء) و سرد و تر (بلغم)] داریم. حالا حضرت در ادامه وارد بحث می‌شوند و می‌فرمایند: این چهار تا طبیعت بر چهار تا عضو مهم بدن مسلط می‌شوند: بر "رأس" و "صدر (سینه)" و "شراسیف (دنده‌های پهلو)" و "اسفل بطن (شکم و احشاء)". در روایت اینگونه است. "خون" بر "سر" مسلط است، "بلغم" بر "صدر" مسلط می‌شود، "سوداء" بر "اسفل بطن" مسلط می‌شود، "صفراء" هم بر "شراسیف". ببینید! حضرت یک گزارش و یک توصیفی از بدن را به محوریت عوامل سازنده بدن دارند ارائه می‌دهند. بنابراین طبق روایت رساله ذهبیه: اگر کسی می‌خواهد بیماری را تحلیل کند باید گرمی و سردی و تری و خشکی را هم در پیدایش بیماری لحاظ کند. یعنی مثلاً فرض بفرمایید اگر همه اعضاء بدن "سرد" بشوند، یا اگر بیش از حد "گرم" شوند، یا اگر بیش از حد "خشک" شوند، یا اگر بیش از حد "تر" شوند؛ دچار یک چالش‌هایی خواهند شد. و فرقی نمی‌کند که [این غلبه سردی و گرمی و تری و خشکی] در "قلب" شما، یا در "کلیه" شما، در "پوست" شما و یا در

«بسم الله الرحمن الرحيم ... خداوند متعال بدن‌ها را بر چهار طبع بنا کرده است: دو تلخه (صفراء و سوداء)، دم (خون) و بلغم. و خلاصه [مطلب این است که: این چهار طبع تشکیل شده اند از] دو گرم و دو سرد که میان هر دوتاشان تفاوتی قرار داده است؛ [به این بیان که] آن دو گرم را یا نرم و مرطوب قرار داده و یا خشک. و همینطور آن دو سرد را یا نرم و مرطوب قرار داده و یا خشک. پس از آن طبایع را بر چهار جزء بدن تقسیم کرد: بر سر، سینه، پهلو و شکم. خون را بر سر و صورت و چشمها و گوشها و بینی و دهان و دماغ مسلط کرد. بلغم را بر سینه با نیروی باد استیلا داد. صفرا را بر دنده‌های پهلو غالب کرد. سودا را بر شکم و احشاء و امعاء سیطره داد...»

مصدر اصلی: طب الإمام الرضا علیه السلام (الرسالة الذهبية)، ص ۴۸

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۱۶ / مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۵، ص ۲۲۳

"موی شما اتفاق بیفتد؛ حضرت می‌فرماید همه [اعضاء] از این چهار وصف و چهار طبع متأثر می‌شوند. پس ببینید! وقتی ما داریم یک بیماری‌ای را توصیف می‌کنیم حتما باید نقش این چهار عامل سازنده را لحاظ کنیم. شما هیچ عضوی را ندارید که متأثر از گرمی و سردی و تری و خشکی نباشد. شما "پوست" را که بحث می‌کنید؛ از "خشکی" متأثر خواهد شد، متأثر از "سردی" هم خواهد شد، اگر "گرمی" هم غلبه پیدا کند باز هم این پوست متأثر خواهد شد. هر چهار طبیعت بر پوست تأثیرگذار هستند. "قلب" هم همینطور است، "چشم" هم همینطور است. پس اگر یک بیماری به وجود می‌آید، غیر از اینکه شما باید یک روایت صحیح و مبتنی بر اشراف از "عضو درگیر بیماری" داشته باشید؛ باید روایتی دیگر هم از تأثیر "طبع" بر آن "عضو" داشته باشید. یعنی باید دوپایه‌ای وارد بحث شوید. مثلاً فرض کنید "شحم کلیه" ضعیف شده است که نتیجه آن هم ضعف عمومی بدن می‌شود؛ خب "شحم کلیه" چه موقع ضعیف می‌شود و از بین می‌رود؟ وقتی حرارت بدن زیاد باشد. ببینید! هم خود "کلیه" را (با مشکلی که ممکن است برایش به وجود بیاید) توصیف می‌کنیم، و هم تأثیر این چهار طبیعت را بر آن بررسی می‌کنیم. آرام آرام پاتولوژی ما در مقابل "پاتولوژی‌های ویرشویی" دارد شکل می‌گیرد.

۲/۱. تعریف بیماری به اختلال در سلول‌ها، مولکول‌ها و بافت‌ها؛ تعریف پاتولوژی ویرشویی از بیماری

گفته می‌شود شخصیتی به نام رادولف ویرشو^{۲۹} (Rudolf Ludwig Karl Virchow) - که در سال ۱۹۰۲ میلادی هم از دنیا رفته است - پدر "پاتولوژی میکروسکوپی" است. عبارتی از ایشان در کتاب‌های مختلف دیده و از اساتید پاتولوژی موجود شنیده‌ام که گفته می‌شود: «موضوع بیماری، اختلال در بافت‌ها، سلول‌ها و مولکول‌ها است.»^{۳۰} یعنی کسانی که شرح گزارشی از یک بیماری می‌دهند، دارند تأثیر بیماری را بر فضای بافتی، مولکولی و سلولی مطالعه و مطرح می‌کنند و گزارششان بر این پایه است. ما در اینجا یک اشکال اولیه‌ای داریم؛ این اشکال اولیه ناشی از همان بحث روش تحقیقی ماست. ما می‌گوییم مجموعه سلول‌های بدن و نحوه ارتباط اینها با یکدیگر و نحوه ارتباط اعضا، دارای پیچیدگی‌های فراوان است. این پیچیدگی‌ها باعث می‌شود که اگر یک طبیب بخواهد با نگاه سلولی ورود کند، هیچگاه نتواند بر مجموعه این روابط اشراف پیدا کند. من یک مثال می‌زنم تا بحث واضح شود: در زمان رادولف ویرشو بحث‌های ژنتیک پیشرفت زیادی نکرده بود، اما در دوره‌های اخیر بحث‌های پزشکی ژنتیک از مباحث پیشرفته محسوب می‌شود. بنده وقتی داشتم تاریخچه مباحثات پیرامون "ژن" را مطالعه می‌کردم دیدم پزشکان در سال‌های قبل، یک ایده‌ای را تحت عنوان "DNAهای آشغال" مطرح کرده بودند. وقتی اطبای طب سلولی، این ایده را مطرح کردند خود پزشکان به این ایده حمله و اشکالاتی را مطرح کردند. حالا موضوع "DNAهای آشغال" چیست؟ البته اطبایی که در این جلسه حاضرند یا از طریق بلندگوهای دیگر عرایض بنده را می‌شنوند این معنا را به نحو دقیق‌تر می‌دانند اما بنده برای آن دسته از دوستانی که آشنا نیستند و احتمالاً مستمع عرائض بنده هستند دارم

۲۹. **ارجاع پرورشی:** Rudolf Virchow, in full Rudolf Carl Virchow, (born October 13, 1821, Schivelbein, Pomerania, Prussia [now Świdwin, Poland] died September 5, 1902, Berlin, Germany), German pathologist and statesman, one of the most prominent physicians of the 19th century. He pioneered the modern concept of pathological processes by his application of the cell theory to explain the effects of disease in the organs and tissues of the body. He emphasized that diseases arose, not in organs or tissues in general, but primarily in their individual cells

رودولف ویرشو، به طور کامل رودولف کارل ویرشو، (متولد ۱۳ اکتبر ۱۸۲۱، شویلین، پومرانیا، پروس [در حال حاضر Świdwin، لهستان] - درگذشت ۵ سپتامبر ۱۹۰۲، برلین، آلمان)، آسیب شناس و دولتمرد آلمانی، ... وی با استفاده از تئوری سلول برای توضیح تأثیرات بیماری در اندام‌ها و بافت‌های بدن، ایده مدرن فرآیندهای آسیب‌شناختی را ایجاد کرد. وی تأکید کرد که: **بیماری‌ها نه به طور کلی در اندام‌ها یا بافت‌ها، بلکه در درجه اول در سلول‌های فردی آنها بوجود می‌آیند.**

آدرس مطلب در سایت بریتانیکا: <https://b2n.ir/019699>

عرض می‌کنم وقتی بحث "DNAهای آشغال" مطرح شد آقایان نتوانستند کارکرد DNAهای غیرکُدکننده را تشخیص بدهند. یعنی بحثشان این بود که کارکرد DNAهای کُدکننده - که اینها تعداد کمی از DNAها را تشکیل می‌دهند - برای پزشکان طب سلولی واضح بوده است ولی وقتی داشتند تحقیق می‌کردند نتوانستند کارکرد DNAهای غیرکُدکننده را تشخیص داده و وارد بحث شوند بنابراین وقتی نتوانستند روایت و توصیفی از این دسته از DNAها داشته باشند اسم اینها را DNAهای آشغال گذاشتند. البته بعد از این تحلیل خود عبور کرده و دست کشیدند و نتیجه بحثشان این شد که زمینه کُدکنندگی DNAهای کُدکننده توسط RNAها DNAهای غیرکُدکننده مهیا می‌شود.^{۳۱} یعنی یک تحلیل جدید دادند و وارد بحث شدند. وقتی من عرض می‌کنم پزشکی موجود نمی‌تواند ادعای اشراف به سلول کند یکی از مصادیقش همین موردی است که شرح دادم.

حالا بنده یک سؤال جدیدی عرض می‌کنم: در همان بحث DNAهای کُدکننده: مثلاً در ژنوم^{۳۲} برخی حیوانات گفته می‌شود که حدود ۲۰ هزار ژن وجود دارد^{۳۳}؛ سؤال بنده این است که آیا پزشکی موجود می‌تواند توصیف کند که هر ژنی چه بیانی و چه سطحی از کُدکنندگی دارد؟ یا نه! اشرافی به آن حوزه وجود ندارد. آیا دقیقاً می‌تواند کارکرد بیان هر ژن را برای ما معلوم کند؟ پیدا است وقتی شما نتوانید این حدود ۲۰ هزار ژن را دقیق بحث کنید، معضل و پدیده ترا ریخته‌ها به وجود می‌آید. یک ژن را از موجودی به موجودی دیگر منتقل می‌کنید و بعد، نمی‌توانید ارتباطات آنها را تحلیل کنید و مثلاً غذا برای انسان به یک عامل ترور و یک عامل ضد سلامت تبدیل می‌شود. سؤال‌هایی که پزشکی موجود به آنها پاسخ نداده است بیشتر از سؤالاتی است که که پاسخ داده است. همین که شما این گزاره را بپذیرید یعنی پذیرفتید پزشکی موجود اشراف بر بدن انسان و بر فرایندهای زیستی درون سلول و بر مولکول‌های زیستی^{۳۴} و عوامل مؤثر بر متابولیسم (Metabolism)^{۳۵} و کاتابولیسم (Catabolism)^{۳۶}

۳۱. **ارجاع پرورشی:** DNA, abbreviation of deoxyribonucleic acid, organic chemical of complex molecular structure that is found in all prokaryotic and eukaryotic cells and in many viruses. DNA codes genetic information for the transmission of inherited traits. DNA, مخفف اسید دنوکسی ریبونوکلئیک، ماده شیمیایی آلی با ساختار مولکولی پیچیده که در تمام سلولهای پروکاریوتی و یوکاریوتی و در بسیاری از ویروسها یافت می‌شود. DNA اطلاعات ژنتیکی را برای انتقال صفات ارثی کد می‌کند.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://b2n.ir/q-8726>

۳۲. **ارجاع پرورشی:** RNA, abbreviation of ribonucleic acid, complex compound of high molecular weight that functions in cellular protein synthesis and replaces DNA (deoxyribonucleic acid) as a carrier of genetic codes in some viruses.

RNA، مخفف اسید ریبونوکلئیک، ترکیب پیچیده با وزن مولکولی بالا که در سنتز پروتئین سلولی عمل می‌کند و جایگزین DNA (دنوکسی ریبونوکلئیک اسید) به عنوان حامل کدهای ژنتیکی در برخی ویروسها میشود.

آدرس مطلب: دانشنامه رسمی بریتانیکا

<https://b2n.ir/s3457>

۳۳. **ارجاع پرورشی:** اساس توارث هر موجود زنده، ژنوم آن است؛ یعنی توالی طولی از DNA (داکسی ریبونوکلئیک) که توسط ارگانیسم و سلول‌های منفرد آن حمل می‌شود و سری کاملی از اطلاعات وراثتی را در اختیار دارد. ژنوم، شامل DNAی کروموزومی، DNAی پلاسمیدی و (در یوکاریوها) DNAی اندامکی، مانند آنچه که در میتوکندری و کلروپلاست موجود است، می‌باشد.

کتاب ژن XI، لوین ۲۰۱۴، ص ۱۲

۳۴. **ارجاع پرورشی:** شاید مهم‌ترین اطلاعاتی که از توالی ژنوم به دست می‌آید، تعداد ژن‌ها باشد. مایکوپلازما جنتالیوم (Mycoplasma genitalium) یک باکتری انگل با زندگی آزاد، با حدود ۴۷۰ ژن، کوچک‌ترین ژنوم را در بین موجودات دارا می‌باشد. ژنوم‌های باکتری‌هایی با زندگی آزاد، از ۱۷۰۰ تا ۷۵۰۰ ژن دارند. ژنوم آرکیاها، محدوده کوچک تری، از ۱۵۰۰ تا ۲۷۰۰ ژن دارند. کوچک‌ترین ژنوم یوکاریوتی تک سلولی، تقریباً ۵۳۰۰ ژن دارد. کرم‌های نماتود و مگس‌های میوه تقریباً به ترتیب ۲۱۷۰۰ و ۱۷۰۰۰ ژن دارند، به شکل جالب تعداد ژن‌ها در ژنوم موش و انسان، تنها تا حدود ۲۵۰۰۰ ژن افزایش می‌یابد.

همان، ص ۱۴۷

۳۵. **ارجاع پرورشی:** Biomolecule, also called biological molecule, any of numerous substances that are produced by cells and living organisms. Biomolecules have a wide range of sizes and structures and perform a vast array of functions. The four major types of biomolecules are carbohydrates, lipids, nucleic acids, and proteins.

و آنابولیسم (Anabolism)^{۳۷} و سایر حوزه‌ها ندارد. وقتی هم پذیرفتید اشراف وجود ندارد شما نمی‌توانید تحلیل بیماری را مبتنی بر یک عامل مبهم انجام بدهید. پایه تحلیل بیماری باید بر مبنای استوار و دقیقی باشد. پاتولوژیست‌ها در گزارش‌هایشان - بنده خصوصاً در مورد کلیه، یک مقداری مطالعه کردم - همگی مبتنی بر اختلالات سلولی مثلاً در بافت‌های کلیه بحث می‌کنند. مبنای همین بحث سلول است. بنده قبول دارم که سطح مطالعات آقایان نسبت به دوره‌ای که رادولف ویرشو زندگی می‌کرد زیادتر شده است و صدها مقاله جدید تولید شده است؛ ولی آیا کثرت مطالعه منجر به اشراف هم می‌شود؟ یا نه؛ همان روش تحقیق مبتنی بر فرضیه و حیث التفاتی را جلو می‌برید؟ کدامیک از گزاره‌ها درست است؟ البته اگر وقت بود دوست می‌داشتم در حوزه "مغز" نیز بحثی را طرح کنم و پایه علوم شناختی را به چالش بکشم ولی آن را ان‌شاء‌الله در جلسات بعد عرض خواهم کرد. حتماً شما استحضار دارید ما معتقدیم به تبع روش تحقیق فقهی، "امیر بدن" و "امیرالجوارح"^{۳۸} قلب

مولکول‌های زیستی که مولکول‌های بیولوژیکی هم نامیده می‌شوند، هریک از مواد متعددی است که توسط سلول‌ها و موجودات زنده تولید می‌شود. مولکول‌های زیستی طیف وسیعی از اندازه‌ها و ساختارها را دارند و عملکرد وسیعی را انجام می‌دهند. چهار نوع اصلی مولکول‌های زیستی کربوهیدرات‌ها، لیپیدها، اسیدهای نوکلئیک و پروتئین‌ها هستند.

آدرس مطلب در دانشنامه رسمی بریتانیکا: biomolecule.britannica.com/science/

۳۵. **ارجاع پرورشی:** Metabolism, the sum of the chemical reactions that take place within each cell of a living organism and that provide energy for vital processes and for synthesizing new organic material.

متابولیسم، مجموع واکنش‌های شیمیایی موجود در هر سلول از یک موجود زنده است و انرژی لازم را برای فرآیندهای حیاتی و سنتز مواد آلی جدید فراهم می‌کند.

آدرس مطلب در سایت بریتانیکا: <https://b2n.ir/۷۸۰۰۱۶>

۳۶. **ارجاع پرورشی:** Catabolism, the sequences of enzyme-catalyzed reactions by which relatively large molecules in living cells are broken down, or degraded. Part of the chemical energy released during catabolic processes is conserved in the form of energy-rich compounds (e.g., adenosine triphosphate [ATP]).

کاتابولیسم، توالی واکنش‌های کاتالیز شده با آنزیم است که در اثر آن مولکول‌های نسبتاً بزرگی در سلول‌های زنده تجزیه یا تخریب می‌شوند. بخشی از انرژی شیمیایی آزاد شده در طی فرآیندهای کاتابولیک به صورت ترکیبات غنی از انرژی (به عنوان مثال، آدنوزین تری فسفات [ATP]) حفظ می‌شود.

آدرس مطلب در سایت بریتانیکا: <https://b2n.ir/350700>

۳۷. **ارجاع پرورشی:** Anabolism, also called biosynthesis, the sequences of enzyme-catalyzed reactions by which relatively complex molecules are formed in living cells from nutrients with relatively simple structures. Anabolic processes, which include the synthesis of such cell components as carbohydrates, proteins, and lipids, require energy in the form of energy-rich compounds (e.g., adenosine triphosphate) that are produced during breakdown processes (see catabolism). In growing cells, anabolic processes dominate over catabolic ones. In nongrowing cells, a balance exists between the two.

آنابولیسم، بیوسنتز نیز نامیده می‌شود، توالی واکنش‌های کاتالیز شده آنزیمی است که به وسیله آن مولکول‌های نسبتاً پیچیده‌ای از سلول‌های مغذی با ساختارهای نسبتاً ساده در سلول‌های زنده تشکیل می‌شوند. فرآیندهای آنابولیک، که شامل ترکیب اجزای سلول مانند کربوهیدرات‌ها، پروتئین‌ها و لیپیدها است، به انرژی در قالب ترکیبات غنی از انرژی (به عنوان مثال آدنوزین تری فسفات) نیاز دارد که در طی فرآیندهای تجزیه تولید می‌شوند (به کاتابولیسم مراجعه کنید). در سلول‌های در حال رشد، فرآیندهای آنابولیک بر سلول‌های کاتابولیکی غالب هستند. در سلول‌های تازه رشد، تعادلی بین این دو وجود دارد.

آدرس مطلب در سایت بریتانیکا: <https://b2n.ir/۶۶۳۹۴۹>

۳۸. **ارجاع پژوهشی:** قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي وَصِيَّتِهِ لِابْنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِيَّةِ رَضِيَ اللَّهُ... الْقَلْبُ وَ هُوَ أَمِيرُ الْجَوَارِحِ الَّذِي يَه تَعْقِلُ وَ تَفْهَمُ وَ تَصُدِّرُ عَنْ أَمْرِهِ وَ رَأْيِهِ.

امیرالمومنین (علیه السلام) در وصیت به فرزندشان محمدبن حنفیه: ... قلب که امیرالجوارح است که به وسیله آن تعقل می‌کند و می‌فهمد و به امر و رای او کار از تو صادر می‌شود.

مصدر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۲۷

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۷۰ / الوافی، ج ۲۶، ص ۲۳۱

بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُسَيَّرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو النَّصِيبِيِّ قَالَ: قَالَ الْعَالِمُ ع: ... فَمِنْهَا قَلْبُهُ الَّذِي يَه تَعْقِلُ وَ يَفْهَمُ وَ هُوَ أَمِيرُ بَدَنِهِ الَّذِي لَا تُورَدُ الْجَوَارِحُ وَلَا تَصُدِّرُ إِلَّا عَنْ رَأْيِهِ...

امام رضا (علیه السلام): ... قلب امیر و فرمانروای جوارح و اعضاء او می‌باشد، هر چه قلب امر کند اعضاء بدنش اطاعت می‌کنند و از فرمان او سرپیچی ندارند...

مصدر اصلی: الکافی، ج ۲، ص ۳۹ / دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۵ (مرسلاً) / تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۵۷

سند عیاشی: عن أبي عمرو الزبيری عن أبي عبد الله

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۵۰

است. برخلاف علوم شناختی که متغیر اصلی را مغز می‌داند. اینجا هم بنده دوست داشتم وارد بحث شوم؛ ولی چون باید وارد بحث پروتکل‌های مدیریتی کرونا شوم، این مقایسه (علوم شناختی با علمی که کارکردهای قلب را توضیح می‌دهد) را به جلسات دیگری موکول می‌کنم. الان فقط عرضم این است که دوستان ما نمی‌توانند در شرح یک بیماری، ادعای اشراف کنند. چرا؟ چون شرح بیماری را مبتنی بر اختلال در بافت، سلول و مولکول انجام می‌دهند.

۲/۲/۳. اختلال در سلامت قلب به عنوان محور کل بدن؛ سومین محور تعریف بیماری در پاتولوژی فقهی

عامل سومی که در تحلیل بیماری‌ها موثر است و باید آن را در نظر بگیرید، عامل "قلب" است. ما روایات متعددی داریم که حضرات معصومین (علیهم‌السلام) سلامت وحدت بدن (یعنی همه اعضاء بدن) را به "سلامت قلب" بر می‌گرداند، مرض کل بدن را هم به "مرض قلب" ارجاع می‌دهند. یکی از این روایات که از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده این است: راوی می‌گوید «سَمِعْتُهُ يَقُولُ لِرَجُلٍ» من شنیدم امام صادق (علیه‌السلام) به مردی اینطور می‌فرمود که: «إِعْلَمْ يَا فُلَانُ! أَنَّ مَنزِلَةَ الْقَلْبِ مِنَ الْجَسَدِ بِمَنزِلَةِ الْإِمَامِ مِنَ النَّاسِ»^{۳۹} امام (علیه‌السلام) دارند اعضاء بدن را توضیح می‌دهند و می‌فرمایند: مثل "قلب" در بدن، مثل حاکم و امام در جامعه است. مثلش مثل رئیس جمهور است؛ چطور دستورات رئیس جمهور یک کشور نافذ است؟ اتفاقات در "قلب" هم بر اتفاقات سایر اعضاء حاکم است. بعد می‌فرماید: «الْوَجِبُ الطَّاعَةَ عَلَيْهِمْ» اطاعت از "قلب" بر سایر اعضاء واجب است. مثل اطاعت امام یا رئیس جمهور که بر سایر مردم لازم است. بعد می‌فرمایند: «أَلَا تَرَى أَنَّ جَمِيعَ جَوَارِحِ الْجَسَدِ شُرْطٌ لِلْقَلْبِ وَ تَرَاجِمَةٌ لَهُ» می‌فرمایند که: همه اعضاء بدن، سرباز "قلب" هستند. مثلاً "قلب" یک چیزی را طلب می‌کند و دوست دارد؛ "چشم" به او کمک می‌کند تا قلب آن را ببیند، "پا"ها حرکت می‌کنند که قلب به خواسته‌اش برسد، "دست" حرکت می‌کند که تسلط قلب بر آن شیئی مورد علاقه‌اش واقع شود. همه اعضاء همینطور سرباز هستند. یا مثلاً "زبان" وقتی وارد بحث می‌شود، دارد خواسته‌های قلب را بیان می‌کند. حضرت می‌فرماید: «تَرَاجِمَةٌ لَهُ» به یک نوعی همه اعضاء خواسته قلب را ترجمه می‌کنند. بعد حضرت توضیح می‌دهند تا اینکه بحث به اینجا می‌رسد که سلامت و صحت بدن هم به سلامت و صحت قلب برمی‌گردد. در یک روایت دیگری عبارت اینگونه است که: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

۳۹. ارجاع بزوهشی: وَ يَهْدَا الْإِنْسَانِ [عَدْنَا مُحَمَّدٌ بْنُ مُوسَى الْبَرْقِيِّ] قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ مَاجِلَوَيْهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ [عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَيَانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لِرَجُلٍ: اَعْلَمْ يَا فُلَانُ أَنَّ مَنزِلَةَ الْقَلْبِ مِنَ الْجَسَدِ بِمَنزِلَةِ الْإِمَامِ مِنَ النَّاسِ الْوَجِبُ الطَّاعَةَ عَلَيْهِمْ أَلَا تَرَى أَنَّ جَمِيعَ جَوَارِحِ الْجَسَدِ شُرْطٌ لِلْقَلْبِ وَ تَرَاجِمَةٌ لَهُ مُؤَدِّبَةٌ عَنْهُ الْأَذْنَانِ وَ الْعَيْنَانِ وَ الْأَنْفُ وَ الْفَمُّ وَ الْيَدَانِ وَ الرَّجْلَانِ وَ الْفَرْجُ فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا هَمَّ بِالنَّظَرِ فَتَحَّ الرَّجُلُ عَيْنَيْهِ وَ إِذَا هَمَّ بِالِاسْتِمَاعِ حَزَنَ أَذُنَيْهِ وَ فَتَحَ مَسَامِعَهُ فَسَمِعَ وَ إِذَا هَمَّ الْقَلْبُ بِالسَّمِّ اسْتَنَسَقَ بِأَنْفِهِ فَأَدَّى تِلْكَ الرَّايحَةَ إِلَى الْقَلْبِ وَ إِذَا هَمَّ بِالطَّلُقِ تَكَلَّمَ بِاللِّسَانِ وَ إِذَا هَمَّ بِالنَّطْشِ عَمَلَتِ الْيَدَانُ وَ إِذَا هَمَّ بِالْحَرَكَةِ سَعَتِ الرَّجْلَانِ وَ إِذَا هَمَّ بِالشَّهْوَةِ تَحَرَّكَ الذَّكْرُ فَهَذِهِ كُلُّهَا مُؤَدِّبَةٌ عَنِ الْقَلْبِ بِالتَّخْرِيكِ وَ كَذَلِكَ يُتَّبَعِي لِإِمَامٍ أَنْ يُطَاعَ لِأَمْرٍ مِنْهُ.

بعضی از اصحاب نقل می‌کنند که از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که به مردی چنین فرمودند: فلانی! بدان که قلب نسبت به جسد انسانی به منزله امام است برای مردم؛ که همه باید اطاعتش کنند، مگر نمی‌بینی که تمام جوارح و اعضاء جسد اعوان و ایادی و مفسر قلب هستند. دو گوش و دو چشم و بینی و دهان و دو دست و دو پا و عورت خواسته‌های قلب را اداء می‌کنند لذا: هر گاه قلب خواسته‌اش نگرستن به چیزی باشد، شخص دو چشمش را می‌گشاید. و زمانی که خواهد بشنود، شخص دو گوشش را حرکت داده و منفذ آنها را باز کرده تا مطلوب را بشنود. و هر وقت میل داشته باشد بویی را استشمام نماید، شخص با بینی استنشاق کرده در نتیجه بوی مطلوب به قلب می‌رسد. و هنگامی که رغبت به سخن گفتن داشته باشد، به وسیله زبان تکلم می‌کند. و در صورتی که مطلوبش گرفتن چیزی باشد دستها به کار افتاده و آن چیز را می‌گیرد. و به فرض که مقصودش حرکت کردن باشد، دو پا سعی نموده و راه می‌روند. و اگر محبوبش شهوت و غریزه باشد، نرینه شخص به حرکت و جنبش در می‌آید. پس تمام این اعضاء و جوارح حرکت و فعالیت نموده تا خواسته قلب را اداء کرده و بدین ترتیب اطاعتش می‌کنند. و همچنین شایسته است که خلایق نسبت به امام علیه السلام مانند اعضاء و جوارح بوده و امر آن سرور را اطاعت کنند. (ترجمه ذهنی تهرانی)

مصدر اصلی: علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۱۰

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۵۳ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۲۴۳

فِي الْإِنْسَانِ مُضَعَّةٌ إِذَا هِيَ سَلِمَتْ وَ صَحَّتْ سَلِمَ بِهَا سَائِرُ الْجَسَدِ فَإِذَا سَقَمَتْ سَقِمَ بِهَا سَائِرُ الْجَسَدِ وَ فَسَدَ وَ هِيَ الْقَلْبُ.^{۴۰}

رسول الله (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: در بدن انسان یک تکه گوشتی هست که سلامتش باعث سلامت همه بدن می‌شود و بیماری‌اش هم منجر به بیماری همه بدن می‌شود [و آن قلب است].^{۴۱} خب؛ روایت در این باب زیاد است. بنده خواستم فقط اشاره کنم که ما اگر خواستیم بیماری یا سلامت را تحلیل کنیم باید نقش قلب را هم ببینیم. و نقش "قلب"، اعظم از نقش "طبع" است. اینها را باید بحث کنیم.

بنابراین ان شاء الله عرض خواهیم کرد که در بیماری "کرونا" هم همین مبنا را جاری خواهیم کرد. یعنی پیدایش اختلال تنفس در عضو "ریه"؛ هم یک عاملی از ناحیه طبع دارد، هم متاثر از اختلالات قلبی است. ما بیماری "کرونا" را به محوریت "میکروب" و یا "ویروسی" که شما می‌گویید "تاج‌دار" است و آن را و اثر آن را بر بدن توصیف می‌کنید؛ بحث نمی‌کنیم. اساساً فعلاً امروز در مورد این ویروسی که وارد بدن می‌شود بحث نمی‌کنیم؛ بلکه ما می‌گوییم اگر بدن شما "اختلال طبع" نداشته باشد، "اختلال در تنفس" نداشته باشد، "اختلال قلب" نداشته باشد؛ اگر این ویروس وارد بدن شما هم بشود اثر خاصی نخواهد داشت و شما را خیلی به چالش نخواهد کشید. پس این هم سرفصل دوم بحث است. یعنی به جای اینکه شما بیایید متغیر اصلی را "ویروس‌ها"، "میکروب‌ها" و "عوامل بیرونی" تحلیل کنید؛ "درون انسان" را متغیر اصلی در حوزه سلامت می‌گیرید و درون انسان را هم سه بُعدی تحلیل می‌کنید. (که البته در اینجا یک مقداری با دوستان "طب سنتی" اختلاف نظر پیدا می‌کنیم: یعنی آنجایی که نقش قلب را بر "طبع" حاکم می‌کنیم؛ اختلاف پیدا می‌شود)^{۴۱} ولی عمده اختلاف ما با "طب سلولی" است. یعنی مثلاً شما می‌گویید که: "بافت یک عضو" به چالش کشیده شده است و شروع به توضیح دادن می‌کنید. ولی ما می‌گوییم: توضیح شما به لحاظ علمی توضیح ناقصی است؛ چون "اختلال در بافت"، "اختلال در سلول"، "اختلال در مولکول" و هر فرضی را که شما دارید؛ ناشی از "سردی" و "گرمی" و "تری" و "خشکی" است. ناشی از غلبه "اوصاف در قلب" است. و آثار را باید در آنجا ببینیم و لحاظ کنیم. بنابراین هم در تحلیل بیماری "کرونا" و هم در تحلیل سایر بیماری‌ها به همین صورت وارد خواهیم شد.

البته بحث "پاتولوژی فقهی" سرفصل‌های زیادی دارد که ما الان در این جلسه نمی‌توانیم به آنها بپردازیم. مثلاً: "دم مُحْتَرَق"، "مَرّه غالبه" و "بلغم غالب" سه اختلال مهم در طبع هستند که به صورت مجزا باید در مورد آنها شروع به بحث کنیم. "حسد"، "ترس" و "حرص" سه اختلال مهم در قلب هستند که باید مجزا آنها را بحث کرد. وقتی شما به "حرص" مبتلا می‌شوید،

۴۰. ارجاع پژوهشی: أَخْبَرَنِي الْخَلِيلُ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الدَّقْبَلِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سُفْيَانُ عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ سَمِعْتُ الشَّعْبِيَّ يَقُولُ سَمِعْتُ الثُّعْمَانَ بْنَ بَشِيرٍ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَقُولُ: فِي الْإِنْسَانِ مُضَعَّةٌ إِذَا هِيَ سَلِمَتْ وَ صَحَّتْ سَلِمَ بِهَا سَائِرُ الْجَسَدِ فَإِذَا سَقَمَتْ سَقِمَ بِهَا سَائِرُ الْجَسَدِ وَ فَسَدَ وَ هِيَ الْقَلْبُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در انسان پاره گوشتی است که اگر آن سالم و درست باشد، دیگر [اعضای] بدن به وسیله آن سالم می‌شود و هر گاه آن بیمار شود سایر [اعضای] بدن بیمار و تباه می‌گردد. آن پاره گوشت، قلب است.

مصدر اصلی: الخصال ج ۱ ص ۳۱

منابع دیگر: بحارالانوار ج ۶۷ ص ۵۰ / روضة الواعظین ج ۲ ص ۴۱۳

۴۱. ارجاع پرورشی: اعضاء رئيسه آنها هستند که قواها در بقای شخص و بقای نوع بدانها محتاجند. اما بحسب بقای شخص سه عضواند: اول: قلب که مبدأ قوه حیوانیه است. دوم: دماغ [مغز] که مبدأ قوای حس و حرکت است. و سوم: کبد که مبدأ قوه تغذیه است. اما بحسب بقای نوع همین سه هستند باضافه عضو چهارمی که بیضه‌هاست. اما خادمه رئیس مثل اعصاب برای دماغ، شرایین برای قلب، آورده [وریدها] برای کبد و مجاری من نسبت به بیضه‌ها. اما اعضای مرتوسه آنهاهی هستند که قوای اعضاء رئيسه را دریافت می‌کنند. مثل کلیه، معده، طحال و ریه.

قانونچه در طب (جعفینی، متوفی ۷۴۵)، ص ۱۴

وسوسه و شهوت تولید می‌شود.^{۴۲} وقتی شما به "کبر" و "حسد" مبتلا می‌شوید، نحوه استفاده از اعضاء بدن تغییر پیدا می‌کند؛^{۴۳} چون قلب فرمانده است. قلبی که دچار وسوسه شده است، به یک نحو دیگری از اعضاء بدن استفاده می‌کند نسبت به قلبی که سلیم است و دچار مرض نیست. بنابراین شما دیده‌اید که کسی که به "وسوسه" مبتلا شده است، در عضو "روده" و "معده" هم دچار مشکل می‌شود؛ چرا؟! چون وسوسه او را وادار به پرخوری می‌کند. ببینید! ریشه اصلی "پرخوری"^{۴۴} و "اختلالات معده"، به "شهوت نسبت به غذا" و اختلال و وسوسه‌ای که در قلب به وجود آمده است برمی‌گردد. و در آنجا باید ریشه‌اش را بررسی کرد. عرض بنده در یک جمله این است که: قلب سالم نسبت به قلب مریض دو نوع دستورالعمل برای استفاده از اعضاء صادر می‌کند: دستورالعمل قلب مریض استفاده نامتعادل از اعضاء است؛ بنابراین بیماری‌ها بیشتر خواهد شد. دستورالعمل قلب سالم استفاده متعادل از اعضاء است؛ بنابراین سایر اعضاء سالم خواهند ماند. این یک بحث تفسیری است: مثلاً شما باید بتوانید اثر حسد را روی "مو" بحث کنید؛ که اگر کسی حسود شد، با چه مفاهیم واسطه‌ای به "مو"ی او آسیب خواهد رسید. مثلاً اگر کسی به حسد مبتلا شد، با چه مفاهیم واسطه‌ای گوارشش به چالش کشیده خواهد شد. اینها

۴۲. **ارجاع پژوهشی:** عن الصادق عليه السلام: الحريص بين سبع آفاتٍ صعبةٍ: فكر يضرب دبينه ولا يتفقه، وهم لا يتم له أفصاه، وتعب لا يستريح منه إلا عند الموت، و خوف لا يورثه إلا الوقوع فيه، و حزن قد كدر عليه عيشه بلا فائدة، و حساب لا مخلص له معه من عذاب، و عقاب لا مفر منه ولا حيلة. امام صادق عليه السلام: شخص آزمند، میان هفت آسیب سخت، گرفتار است: فکری که به دینش زیان می‌زند و برایش سودبخش نیست؛ گرفتاری‌ای که بی‌کران است؛ رنجی که جز با مرگ از آن آسوده نمی‌شود؛ ترسی که جز دچار شدن به آن را برایش به ارمان نمی‌آورد؛ اندوهی که بی‌هیچ فایده‌ای، زندگی‌اش را تیره می‌کند؛ حسابی که با آن از کیفی، نجاتی نیست؛ و مجازاتی که گریزگاه و چاره‌ای ندارد.

مصباح الشریعة، ص ۱۱۸ / بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۶۵

عن علی علیه السلام: ذب حریص قتلته جزؤه.

امام علی علیه السلام فرمود: بسا آزمندی که آزمندیش او را از پای در آورد.

غیرالحکم، ص ۳۸

علي بن إبراهيم عن محمد بن عيسى عن يحيى بن عتبة الأزدي عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال أبو جعفر عليه السلام: «مثل الحريص على الدنيا مثل دودة القز: كلما ازدادت من القز على نفسها لثماً كان أبعد لها من الخروج، حتى تموت غمماً»

امام باقر علیه السلام فرمود: مثل آزمند دنیا، مثل کرم ابریشم است که هر چه بیشتر دور خود می‌تند، راه خروج او بسته‌تر می‌شود تا آن که از غصه بمیرد!

کافی، ج ۲، ص ۱۳۴

۴۳. **ارجاع پژوهشی:** قال اميرالمؤمنين عليه السلام: الحسد لا يجلب إلا مصرةً ولا غيظاً يؤهين قلبك ويمرض جسمك و شر ما استئمر قلب المزو الحسد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: حسادت، نتیجه‌ای جز زیان و ناراحتی که دلت را سست و تنت را بیمار می‌گرداند، به بار نمی‌آورد. بدترین چیزی که قلب آدمی احساس می‌کند، حسادت است.

کنزالفوائد، ج ۱، ص ۱۳۷ / بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۵۶

قال اميرالمؤمنين عليه السلام: صفة الحسد من قلب الحسد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سالم بودن بدن از کم بودن حسد است.

نهج البلاغه، ص ۵۱۳ / وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۳۶۸

قال اميرالمؤمنين عليه السلام: ما رأيت ظالماً أشبه بمظلوم من الحاسد: نقس دانه، و قلب هانم، و حزن لازم.

امام علی علیه السلام: ستمگری چون حسود ندیدم، که به ستم‌دیده شبیه‌تر باشد: جانی سرگردان دارد و قلبی بیقرار و اندوهی پیوسته.

کنزالفوائد، ص ۱۳۶ / بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۵۶

۴۴. **ارجاع پژوهشی:** عنه (عده من أصحابنا عن أحمد بن أبي عبد الله) عن محمد بن علي عن ابن سنان عن ذكره عن أبي عبد الله ع قال: كل داء من الشحمة ما حلا الخصى فإنها ترو و زوداً.

امام علی علیه السلام: هر بیماری‌ای از پرخوری است، مگر تب، که ناگاه به بدن درمی‌آید.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۲۶۹ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۴۷

سند محاسن: عنه عن محمد بن علي عن محمد بن سنان عن ذكره عن أبي عبد الله

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۲۴۷ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۴۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۳۶ / الوافی، ج ۲۰، ص ۵۰۱

القطب الراوندي في لب اللباب، عن جعفر بن محمد ع أنه قال: فسأد الحسد في كثرة الطعام و فسأد الزرع في كسب الأثام و فسأد المعرفة في ترك الصلاة على خير الأنام امام صادق علیه السلام: تباهی بدن، در پرخوری است؛ تباهی کشت، در ارتکاب گناه؛ و تباهی شناخت، در واگذار کردن صلوات بر برترین مردمان [یعنی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله].

مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۱۳

بحث‌های کمتر بحث‌شده در طب سنتی است. ما اینها را بیشتر و مفصل‌تر در طب اسلامی بحث می‌کنیم که بحث از آن را به جلسه دیگری وامی‌گذارم.

بنابراین نتیجه بحث سرفصل دوم این می‌شود که: ما الان یک چارچوب برای تحلیل بیماری‌ها داریم و از آن برای تحلیل بیماری کرونا استفاده می‌کنیم. اصول عام پاتولوژی خودمان را استفاده می‌کنیم: این "اصول عام پاتولوژی (فقهی)" به ما می‌گوید: نقش عامل بیرونی را برای گزارش پاتو (Patho)^{۴۵} و درد برجسته نکنید! (نه اینکه عامل بیرونی وجود ندارد) عامل بیرونی وجود دارد، وارد بدن شما هم می‌شود، و شما نمی‌توانید با پروتکل‌های موجود (فاصله‌گذاری اجتماعی، ماسک و سایر پروتکل‌ها) جلوی ورود این عامل بیرونی به بدن را بگیرید؛ دلیلش هم این است که نمی‌توانید جلوی ارتباطات انسانها با یکدیگر را بگیرید. اصلاً فرض انقطاع ارتباط انسانها با یکدیگر یک فرض بسیار مشکل است. وقتی شما نتوانستید انقطاع بین انسانها برقرار کنید، نمی‌توانید از طریق انسانهای دیگر انتقال عامل بیماری را نیز جلوگیری کنید. (اگر فرض را بر این بگذاریم که سرایت بحث درست است) بر فرض اینکه سرایت هم بحث درست نباشد (که در تفاوت سرایت و شیوع بعداً بحث خواهیم کرد)، عوامل بیرونی فقط از ناحیه انسانها به بدن وارد نمی‌شود بلکه از ناحیه سایر اشیاء هم وارد می‌شوند. بنابراین اگر شما بخواهید خیلی تکیه کنید بر اینکه جلوی عامل بیرونی به بدن را بگیرید باید فاصله‌گذاری با اشیاء را هم باید در دستور کار خودتان قرار دهید. خیلی دارید مسئله را سخت می‌کنید! ما بر اساس اصول تحلیل بیماری خودمان، نقش عامل بیرونی را کم‌رنگ و آن را تبدیل به یک عامل فرعی می‌کنیم. و نقش عامل درونی را در تحلیل‌مان پررنگ قرار می‌دهیم.

۳. سوال سوم: بیماری "کرونا" بنابر مباحث "الگوی فقهی تحلیل بیماری (پاتولوژی فقهی)" چه

تعریفی پیدا می‌کند؟

۳/۱. تعریف کرونا به اختلال در ریه به دلیل سرریز اخلاط به ریه و سردی و خشکی آن و همچنین تضعیف قلب

به علت ترس از ابتلاء

بنابراین بیماری کرونا عبارت است از: "اختلال در بخش ریه" یعنی: سرریز اخلاط و سردی و پیدایش خشکی در ریه؛ که منجر به گرفتگی تنفس و گرفتگی سینه می‌شود. در بخش "طبع" هم در طبایع مردم بخاطر الگوی تغذیه، تغییر ساعات خواب، آلودگی‌های صوتی و هوا و بسیاری از عوامل دیگر اختلال ایجاد شده است؛ یعنی شما دیگر تولید خلط به صورت طبیعی در بدن شما ایجاد نمی‌شود؛ چون "اختلال در طبع" برای شما به وجود آمده است.

در بخش "قلب" هم: قلب شما ضعیف شده است و متغیر اصلی ضعف قلب هم مسئله "ترس" است. بنابراین منشا اول بیماری کرونا: ضعف قلب از پایگاه ترس است.^{۴۶} [منشا دوم]: اختلال خشکی (چه خشکی ناشی از سوداء، و چه خشکی ناشی از

۴۵. پاتو (Patho): درد.

۴۶. ارجاع پژوهشی: عن علی (ع): الْخَائِفُ لَا غَيْثَ لَهُ.

امیرالمومنین (علیه السلام): کسی که ترس بر او وارد شود، هیچ لذتی از زندگی نبرد.

غرر الحکم، ص ۵۵

قال امیرالمومنین (علیه السلام): كُلُّ سُورٍ يَخْتَأِجُ إِلَى أَمْنٍ.

امیرالمومنین (علیه السلام): هر شادی‌ای، نیازمند امنیت است.

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۷

صفراء و حرارت بالا) و سردی است که در طبع شما ایجاد شده است. و [منشا سوم]: سرریز آن به مجاری شما - خصوصاً در ریه - وارد شده و تنفس شما را دچار مشکل کرده است. متغیر اصلی در تحلیل ما، آن عامل بیرونی تاجدار که دائماً در حال ایجاد سوبیه‌های جدید و جهش پیدا کردن است نمی‌باشد؛ بلکه اگر ده جهش دیگر هم اتفاق بیفتد؛ شما "قوت قلب" و "تعدیل طبایع" را مدیریت می‌کنید و سعی می‌کنید که همین اخلاط جاری شده بر عضو ریه و کلیه و سایر اعضا و نزله‌ها را مدیریت کنید. وقتی این کار را انجام دادید، حالا اگر عامل بیرونی هم وارد شود؛ شما چون عضوتان سالم و طبعتان متعادل و فرمانده بدنتان هم قوی است و دچار ترس نشده است؛ لذا می‌توانید [با بیماری کرونا] مقابله کنید. پس اینکه ما در این روزها مکرر اعلام کرده‌ایم که به یک تعریف جدیدی [از مدیریت بیماری کرونا] رسیده‌ایم؛ پایه این تعریف همان "اصول عام تحلیل بیماری" است. لذا الان تکلیف ما روشن است.

۳/۲. لزوم بحث از سه دسته پروتکل تسهیل تنفس، تعدیل طبع و بهینه قلب به دلیل پیدایش تعریف جدید از

بیماری کرونا

من خواهش می‌کنم که برادر خوبم آقای عین‌اللهی توجه کنند که به نظر ما پروتکل‌ها [ی مدیریت کرونا] باید بدین صورت بازتعریف شود: ما سه دسته پروتکل را باید بحث کنیم: یک دسته از پروتکل‌ها باید به سمت مدیریت ضعف "قلب" - خصوصاً عامل ترس - برود (که عرض خواهم کرد). دسته دوم از پروتکل‌ها باید به این سمت برود که از طریق ترجیحاً "داروهای جامع" ما "تعدیل طبع" را مدیریت کند. یعنی ما باید مردم را توجه بدهیم که [مراقبت کنند] مبتلا به غلبه گرمی و سردی و تری و خشکی نشوند؛ تا بعد از آن نزله‌ها و اخلاط در سایر اعضا سرریز نگردند. و همینطور باید یک پروتکل ویژه‌ای را برای تسهیل تنفس در مورد "ریه" بحث کنیم. البته عضوی را که کرونا به عنوان عضو اصلی درگیر بیماری می‌کند، "ریه" است؛ ولی به هر حال عوارضی مثل تب، سردرد، حتی کاهش بویایی و بینایی، کاهش قوه دفع و اختلالات فرعی هم ایجاد می‌کند که نحوه علاج آن اختلالات فرعی را هم یکی یکی بحث خواهیم کرد.

ولی ببینید تفاوت پروتکل‌ها مشخص شد: عمده پروتکل‌های دوستان ما در وزارت بهداشت به دلیل تقلید از سازمان بهداشت جهانی، به محوریت "مهار کردن چرخه گردش ویروس" است. ماسک زدن، فاصله‌گذاری اجتماعی، پروتکل‌های بهداشت محیطی که مطرح می‌کنند و سطوح را با الکل و وایتکس می‌خواهند پاکسازی کنند؛ مبنای تمام اینها این است که جلوی چرخش ویروس را بگیرند.

ولی پروتکل‌های ما مهار کردن چرخش ویروس را به عنوان امر فرعی بحث می‌کند و به این سمت می‌رویم که بدن را قوی کنیم و همین توصیه زمین‌مانده آیت‌الله خامنه‌ای را که در همان اوائل کرونا فرمودند: «بعضی‌ها در شرایط فعلی، کرونا نگرفتند؛ چون سیستم ایمنی آنها قوی بود.»^{۴۷} [را عملیاتی کنیم]. لذا می‌رویم به این سمت که تقویت سیستم ایمنی را بحث کنیم.

عن امیرالمؤمنین ع: اِيْهَا النَّاسُ اَعْجَبُ مَا فِي الْاِنْسَانِ قَلْبُهُ وَ لَهُ مَوَازٍ مِنَ الْحِكْمَةِ وَ اَضْدَادٌ مِنْ خِلَافِهَا فَاِنْ سَخَّ لَهُ الرَّجَاءُ اَذَلَّهُ الطَّمَعُ ... وَ اِنْ نَالَهُ الْخَوْفُ شَغَلَهُ الْخُزْنُ.
امام علی علیه السلام: شگفت‌ترین چیز در انسان، دل اوست که مایه‌هایی از حکمت و ضد حکمت دارد. اگر امید به آن دست دهد، طمع، خوارش می‌کند ... و اگر ترس به آن راه یابد، اندوه، مشغولش می‌سازد.

تحف العقول، ص ۹۵

بحار الانوار، ج ۵، ص ۵۶

۴۷. ارجاع پردازشی: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دامت برکاته) در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی در تاریخ ۱۷/۰۲/۱۴۰۰ فرمودند: "نقش سیستم دفاعی بدن در مواجهه‌ی با ویروس‌ها، با میکروب‌ها و مهاجمه‌های ضد سلامت نقش خیلی مهمی است. همین ویروس کرونا بلاشک وارد خیلی از بدن‌ها شد، لکن آنها مریض نشدند؛ چرا؟ به خاطر اینکه یک سیستم دفاعی سالم خوبی داشتند که توانست دفاع کند و امنیت بدن را تأمین بکند."

(بنده لازم است در اینجا داخل پراتنز تاکید کنم که: سیستم ایمنی‌ای که ما بحث می‌کنیم غیر از آن سیستم ایمنی ذاتی و انواع و اقسام سیستم ایمنی‌ای است که طب سلولی بحث می‌کند. در آنجا هم اختلاف نظر داریم که باید بعداً آن را بحث کنیم). ولی به هر حال الگوهای ایجاد ایمنی خودمان را فعال می‌کنیم و شما دیگر با یک بدن قوی روبرو خواهید بود و به نظر ما اگر ده سوبه دیگر هم [از ویروس کرونا] مطرح و ایجاد شود، باز هم بدنها مقاوم خواهند بود.

علامت کارآمدی این تحلیل ما، عملکرد در طول دو سال گذشته است. من به آن اندازه‌ای که با دوستان خودمان مرتبط هستم؛ لااقل بیش از دو هزار نفر در حوزه علمیه قم طلبه‌هایی را داریم که براساس پروتکل‌های خودمان کرونا را مدیریت کرده‌اند. البته یک جاهایی هم به صورت نصفه و نیمه ماسک‌ها را موقع فرودگاه و جاهای دیگر زده‌اند که بعضی‌ها ناراحت نشوند. ولی در اکثر اوقات ما حتی از ماسک و سایر پروتکل‌ها استفاده نکردیم. الان هم لازم است بدانید که همین جلسه‌ای که در حال برگزاری است بر اساس پروتکل‌های بهداشت محیط خودمان برگزار شده است. ما در طول این دو سال گذشته تقریباً هیچ کشته‌ای در بین جامعه آماری خودمان نداشته‌ایم. یعنی علاوه بر اینکه به لحاظ "نظری" می‌شود از این پروتکل‌ها دفاع کرد، به لحاظ "عملی" هم این پروتکل‌ها در میان (زندگی ما و خانواده‌ها) که یک جمعیت بالایی را تشکیل می‌دهند (اجراء و تجربه شده است و کارآمدی خودش را نشان داده است).

حالا البته برای اینکه اطمینان قلب برای دوستان وزارت بهداشت ایجاد شود می‌توانیم مثلاً یک جامعه آماری پنج هزار نفری را هم در یک کارآزمایی بالینی مشترک انتخاب کرده و کار را جلو ببریم. پس این اساس کار می‌شود. مجموعه پروتکل‌های شما به دنبال این است که "چرخه گردش ویروس" را مهار کند؛ اما مجموعه پروتکل‌های ما به دنبال "تقویت سیستم ایمنی بدن" از مجرای قلب، طبع و عضو درگیر است. حتماً دقت فرمودید که الان هم که بحث واکسیناسیون مطرح شده است [باز هم نتوانسته از ابتلاء به کرونا پیشگیری کند]. دیشب گزارشی می‌خواندم که ۸۴ درصد افرادی که در اسرائیل واکسن فایزر (Pfizer) زده‌اند دوباره به کرونا مبتلا شدند.^۸ یعنی حتی اذعان می‌کنند که واکسن، ایمنی زیادی ایجاد نمی‌کند؛ حالا یا به لحاظ زمان ایمنی ایجاد نمی‌کند یا اینکه حتی منشأ اختلال در سیستم ایمنی نیز می‌شود. لذا دائماً در کشور ما تأکید می‌شود

جهت مشاهده متن کامل جلسه به آدرس اینترنتی زیر مراجعه فرمائید: <https://b2n.ir/440053>

۴۸. ارجاع برداشتی: New Israeli Study Finds Fully Vaccinated People are at "Greater Risk of Hospitalization" and 13 TIMES MORE LIKELY to Catch Covid-19 Than Those Who Have Recovered and Have Natural Immunity. A new study out of Israel has seemingly confirmed that individuals who have natural immunity have better protection against the NEW DELTA VARIANT than people who are fully vaccinated. The team of researchers, from Maccabi Healthcare and Tel Aviv University, published their study earlier this week to medRxiv.org. This study demonstrated that natural immunity confers longer lasting and stronger protection against infection, symptomatic disease and hospitalization caused by the Delta variant of SARS-CoV-2, 'the team of researchers wrote. People who have taken both doses of the Pfizer jab are 13 TIMES more likely to have a breakthrough infection, and are even at a "greater risk for Covid-19 hospitalizations".

مطالعه جدید اسرائیلی نشان می‌دهد افرادی که کاملاً واکسینه شده‌اند بیشتر در معرض خطر بستری شدن قرار دارند و ۱۳ بار دیگر احتمال ابتلا به کووید-۱۹ در مقایسه با افرادی که بهبود یافته و مصونیت طبیعی دارند بیشتر است: یک مطالعه جدید در اسرائیل ظاهراً تأیید کرده است که افرادی که مصونیت طبیعی دارند در مقایسه با افرادی که کاملاً واکسینه شده‌اند از محافظت بهتری در برابر واریانت جدید دلتا برخوردارند. تیم محققان از Maccabi Healthcare و دانشگاه تل آویو، مطالعه خود را در اوایل این هفته در medRxiv.org منتشر کردند. "این مطالعه نشان داد که ایمنی طبیعی محافظت طولانی مدت و قوی تری در برابر عفونت، بیماری‌های علامتی و بستری شدن در اثر نوع دلتا SARS-CoV-2 ایجاد می‌کند." نه فقط کمی بهتر. افرادی که هر دو دوز از Pfizer jab را مصرف کرده‌اند، ۱۳ بار بیشتر در معرض ابتلا به عفونت هستند و حتی "در معرض خطر بیشتری برای بستری شدن در بیمارستان کووید-۱۹" قرار دارند.

آدرس مطلب: نشریه خبری آمریکایی Gateway Pundit

<https://b2n.ir/a14622>

که حتی اگر واکسن زدید آن پروتکل‌های اصلی را فراموش نکنید!^{۴۹} از نظر سازمان WHO پروتکل‌های اصلی همان ماسک و فاصله‌گذاری اجتماعی است. پس معلوم شد که تفاوت‌ها در کجاست، "مبانی نظری" ما معلوم است، "تجربه‌های عینی" ما هم معلوم است. مثلاً دوستان وزارت بهداشت کارآزمایی بالینی گذاشته‌اند که از حدود ۳۵۰۰ بیمار، ۱۲۴۱ نفر فوت شده است^{۵۰} در حالی که ما در مجموع بیمارمان، شاید موارد معدودی از آنها که به تعبیر شما بیماری زمینه‌ای داشتند به رحمت خدا رفتند. بیش از ۹۰ درصد افرادی که در جامعه آماری ما بوده‌اند الان زندگی خوب و متعادلی دارند.

۴. سوال چهارم: پروتکل‌های فقهی بیماری کرونا چیست؟

۴/۱. پروتکل‌های دسته اول: پروتکل‌های تسهیل تنفس و کنترل علائم حاد

من وارد شرح خود پروتکل‌ها شوم. البته عذرخواهی می‌کنم از این که جلسه قدری طولانی می‌شود اما باید اینها را هم بحث کنم. دسته اول پروتکل‌ها پروتکل‌های «تسهیل تنفس» بعلاوه «کنترل علائم حاد» است. در سهم تأثیر عوامل، اولاً قلب بیشترین تأثیر را دارد، بعد طبع، و سپس عضو درگیر. اما الان به دلیل اینکه بسیاری از افراد به بیماری مبتلا شده‌اند؛ ما نقطه شروع را نحوه مدیریت این بیماری [از عضو درگیر] قرار می‌دهیم و بحث را از همینجا آغاز می‌کنیم. البته اگر بنا بر پیشگیری باشد پروتکل‌های بخش قلب و بخش طبع، پروتکل‌های اصلی محسوب می‌شوند. ولی به دلیل اینکه بنده می‌خواهم با خانواده‌های بیمار و افرادی که الان به بیماری کرونا مبتلا هستند صحبت کنم؛ اولویت را می‌دهم به تبیین و معرفی پروتکل‌هایی که مسئله تسهیل تنفس بعلاوه کنترل علائم حاد را تشریح می‌کنند.

فرض کنید کسی به بیماری کرونا مبتلا شده است چه کاری انجام دهد که از این بیماری رهایی پیدا کند؟ ما در یک جمله معتقدیم که اگر چنین فردی پاکسازی مجاری خروجی بدنش را در دستور کار قرار دهد به سرعت وضع وی خوب خواهد شد. چرا این را عرض می‌کنیم؟ در تحلیل "اصول عام پاتولوژی فقهی" عرض کردم که وقتی شما اختلال در طبع و اختلال در قلب پیدا می‌کنید، نزله‌ها و اخلاط بر اعضای اصلی بدن تان سرازیر می‌شود. لذا ما بنا بر [تعریف] و گزارشی که از بیماری کرونا

۴۹. ارجاع پردازشی: علیرضا رئیسی سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا با بیان اینکه کووید ۱۹ و ویروس واکسن پذیر است، گفت: زدن واکسن تا زمانی که پاندمی (همه گیری) وجود دارد به تنهایی باعث جلوگیری از انتشار ویروس نیست و باید سایر پروتکل‌های بهداشتی رعایت شود.

آدرس مطلب خبرگزاری ایرنا: <https://b2n.ir/g50245>

۵۰. ارجاع پردازشی: به گزارش خبرگزاری مهر، دکتر رضا ملک‌زاده امروز در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی اینستاگرام نوشت: نتایج مطالعه سازمان جهانی بهداشت (WHO) بر روی اولین بازوهای درمانی تحت کارآزمایی بزرگ بالینی بر روی بیماران بستری مبتلا به کووید ۱۹ منتشر و اعلام شد رمدسیویر بدون تأثیر است. ملک‌زاده نوشت: با گذشت حدود ۸ ماه از انجام بزرگترین مطالعه کارآزمایی بالینی سازمان بهداشت جهانی برای درمان بیماری کووید ۱۹- نتایج نهایی بررسی‌ها بر روی اولین گروه از بازوهای درمانی تحت کارآزمایی بالینی اعلام شد که بر اساس آن چهار داروی ضد ویروس «رمدسیویر»، «لویپناویر»، «اینترفرون‌بتا» و «هیدروکسی کلروکین» تأثیری بر درمان، کاهش طول مدت بستری، نیاز به تهویه مکانیکی و مرگ و میر ناشی از بیماری مبتلایان به کووید ۱۹- بستری در بیمارستان نشان ندادند. وی افزود: تعداد مرگ‌ها در طول این مطالعه ۱۲۵۳ مورد بوده است.

معاون وزیر بهداشت گفت: مطالعه جهانی - Solidarity Clinical Trial for Covid ۱۹ Treatments که با مشارکت بیش از ۱۱ هزار بیمار بستری مبتلا به کووید ۱۹- بستری در حدود ۵۰۰ بیمارستان از ۳۰ کشور از شش منطقه جهان از جمله ایران (۳۵۰۰ بیمار از ۲۹ بیمارستان) صورت گرفته نشان داد این داروها نه تنها هیچ تأثیری در بهبود بیماران بستری مبتلا به کووید ۱۹- و کاهش طول بستری یا مرگ و میر آنها نداشته بلکه وضعیت بهبودی بیمارانی که درمان‌های ذکر شده را دریافت نکرده بودند همانند بیماران دریافت کننده این رژیم‌های درمانی بوده است.

وی افزود: این نتایج اثبات می‌کند برای دستیابی به داروی قطعی درمان کووید ۱۹- نیازمند انجام مطالعات کارآزمایی بالینی وسیع با حداقل یک هزار بیمار (نمونه) هستیم؛ همان طور که مشارکت بیش از ۱۱ هزار بیمار به این نتیجه گیری درباره ۴ داروی تحت کارآزمایی بالینی کمک کرد و بی اثر بودن این داروها را نشان داد.

آدرس مطلب خبرگزاری مهر: <https://b2n.ir/f07480>

ارائه کرده‌ایم؛ مثلاً عضو "ریه" عضوی است که سردی یا خشکی زیادی در آن ورود پیدا کرده است، یا مثلاً در "کلیه" اخلاط ویژه‌ای - که ناشی از اختلال در طبع است - به سمت این آن و بقیه اعضاء سرازیر شده است. بنابراین اگر شما بتوانید این اخلاط را از بدنتان خارج کنید وضعیت بدنتان به سرعت خوب خواهد شد. اینکه بنده عرض می‌کنم پاکسازی مجاری خروجی بدن را در دستور قرار دهید بدین دلیل است.

حالا این پاکسازی ممکن است تدابیر مختلفی داشته باشد که هر کدام از آن تدابیر ناظر بر عضوی باشد اما همگی شان به دنبال خارج کردن اخلاط هستند. پس اولویت و فوریت در ترمیم این بیماری و اصلاح این بیماری این است که شما مجاری تان را پاکسازی کنید.

حالا بنده هشت طریق برای پاکسازی مجاری خروجی بدن بحث می‌کنم که این هشت طریق عناوینی هستند که بنده تابع محدودیت وقت انتخابشان کرده‌ام؛ ولی تدابیر دیگری را هم می‌توان پیشنهاد داد. یک ملاحظه دیگر که برای انتخاب این هشت عنوان داشته‌ام این است که همگی آسان باشند. یعنی مثل "داروی رم‌دیسور" نشود که بازاری غیرمجاز (مثل بازار ناصر خسرو) برای آن ایجاد شود.^{۵۱} البته این ملاحظه مهمی است چون در طول این ایام می‌دیدیم که هر پروتکل درمانی و یا هر دارویی را که دوستان وزارت بهداشت اعلام می‌کردند، متأسفانه یک تجارت مافیایی حول آن شکل می‌گرفت.^{۵۲} این خیلی بد است که در حالی که یک عده از انسان‌ها مریض هستند، عده‌ای دیگر یک تجارت مافیایی کثیف حول بیماری آنها راه اندازی می‌کنند. حالا در این تدابیری که ما در مجموعه کارگروه‌های ستاد کرونای خودمان تدوین کرده و با دوستان خودمان گفتگو کرده‌ایم؛ این مزیت وجود دارد که مافیا حول آن ایجاد نمی‌شود.

۴/۱/۱. اولین و مهمترین پروتکل کنترل علائم حاد (ویژه دفع اخلاط ریه و گلو): پاکسازی دهان و بینی (به وسیله مضمضه و استنشاق با آب و نمک طبیعی یا بخور سرکه طبیعی)

اولین و شاید مهم‌ترین پروتکل‌ها این است که شخص بیمار مرتباً دهان و بینی خود را پاکسازی کند. یعنی اگر شما اخلاطی که در بینی و دهان وجود دارد را دائماً تخلیه کنید؛ مهم‌ترین و اولین کار را انجام داده‌اید. حالا راه حلش چیست؟ راه حل آن

۵۱. **ارجاع پردازشی:** این روزها که کشور در وضعیت سیاه کرونا قرار دارد و به اذعان مسوولان وزارت بهداشت و بررسی‌های میدانی اغلب بیمارستان‌های کشور تخت خالی برای بستری بیماران ندارند و مردم باید از بیمار مبتلا به کرونا در منزل مراقبت کنند، باید برای پیدا کردن سرم تزریقی، کپسول اکسیژن یا داروهای درمان کرونا از قبیل فاویپراویر و رم‌دیسور راهی کوچه پس‌کوچه‌های ناصر خسرو شوند. اما این درد وقتی بیشتر می‌شود که بدانیم، کمبود دارو فقط دامنگیر بیماران کرونایی و خانواده‌های آنها نیست، بلکه برخی از دیگر بیماران هم برای یافتن داروهایشان سرگردان شده‌اند.

جلیل سعیدلو، دبیر انجمن داروسازان ایران در این رابطه به فارس گفت: در روزهای اخیر شاهد کمبود سرم و داروهای از قبیل رم‌دیسور، فاویپراویر و تمزیوا در داروخانه‌ها و مراکز درمانی کشور هستیم که واقعا جای تأسف دارد و متأسفانه نشان می‌دهد که مسوولین مربوطه، برنامه ریزی و آینده نگری لازم را برای مواجهه با پیک پنجم کرونا و گونه دلنا نداشته‌اند. به هر حال سیاستی که در پیش گرفته شده برای مدیریت اوضاع، این است که این اقلام از طریق داروخانه‌های دولتی توزیع شود که سبب تراکم بیماران و افراد سالم در این داروخانه‌ها شده که به کلی با اهداف و اصول اصلی پیشگیری و درمان کرونا، مغایرت دارد.

آدرس مطلب: خبرگزاری فارس - <https://b2n.ir/s18436>

۵۲. **ارجاع پردازشی:** دکتر سعید نمکی وزیر بهداشت با بیان اینکه در ابتدای حضورم در وزارت بهداشت جلوی مافیای بزرگ دارو ایستادم، اضافه کرد: متأسفانه عده‌ای دارویی را که ۱۰ الی ۱۵ تولیدکننده داخل اقدام به تولید می‌کردند را با ۱۵ برابر قیمت واقعی وارد کشور می‌کردند جلوی این مافیا ایستادم و امروز تولید دارو در کشور ۹۲ درصد افزایش یافته است.

آدرس مطلب: خبرگزاری مهر - <https://b2n.ir/z81315>

غرغره و استنشاق با آب خالی^{۵۳} است؛ همین مسئله‌ای که مراجع معظم تقلید در رساله‌هایشان به عنوان امر مستحب قبل از همه نمازها فرموده‌اند.^{۵۴} یعنی اگر شخص بیمار به همین حکم شرعی عمل کند و قبل از وضو، هم استنشاق داشته باشد و هم در گلوی خود غرغره انجام بدهند، این فرد سطح قابل قبولی از پاکسازی را انجام داده است. البته اطبای ما توصیه می‌کنند که وقتی بیماری غلبه پیدا می‌کند مثلاً غرغره با آب و نمک طبیعی تأثیر بیشتری دارد.^{۵۵} شما می‌توانید استنشاق را با انواع بخورات هم انجام بدهید (که با توجه به در دسترس بودن سرکه طبیعی) پیشنهاد بخور با سرکه طبیعی را مطرح کردیم. پس این یک راه برای پاکسازی مجاری. شما مهم‌ترین مجرایتان - که مجرای تنفس و مجرای غذاست - را دائماً پاکسازی می‌کنید.

۴/۱/۲. دومین پروتکل کنترل علائم حاد (ویژه دفع اخلاط تشدید یافته ریه و گلو): زیاد نوشیدن آب فاتر و مالیدن

ضاد مخصوص

اگر بیماری‌تان بسیار تشدید شده و اخلاط بسیاری در ریه‌تان وارد شده است، "حجامت قاعده ریه" هم باعث تخلیه اخلاط می‌گردد و به پاکسازی کمک می‌کند. اگر کسی چهار انگشت زیر محل حجامت عام را پس از بادکش، حجامت کند؛ تجربه دوستان ما نشان داده که این کار، سطح اکسیژن خون را بالا برده و برخی از اخلاط را خالی می‌کند.^{۵۶}

۵۳. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بْنِ عَبْدِ الْبَقِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَنْ يَتَعَمَّقَ بِأَبٍ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاةٍ قَالَ ع: ... الْمَضْمُوعَةُ وَ الْإِسْتِنشَاقُ سِنَّةٌ وَ طَهْرٌ لِلنَّفْسِ وَ الْأَنْفِ .

امیرالمومنین (علیه السلام): ... شستشوی دهان (مضمضه) و بینی (استنشاق)، سنت و مایه پاکی دهان و بینی است.

مصادر اصلی: الخصال، ج ۲، ص ۶۱۱ / تحف العقول، ص ۱۰۰

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۱۴ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۱۷

۵۴. ارجاع پرورشی: کسی که وضو می‌گیرد مستحب است موقعی که نگاهش به آب می‌افتد بگوید: "بسم الله و بالله و الحمد لله الذي جعل الماء طهورا و لم يجعله نجسا" و موقعی که پیش از وضو دست خود را می‌شوید بگوید: "اللهم اجعلني من التوابين و اجعلني من المتطهرين" و در وقت مضمضه کردن، یعنی آب در دهان گرداندن بگوید: "اللهم لفتني حجتی يوم الفاك و اطلق لسانی بذكرك" و در وقت استنشاق یعنی آب در بینی کردن بگوید: "اللهم لا تحرم علی ریح الجنة و اجعلني ممن يشم ریحها و روحها و طیبها" و موقع شستن رو بگوید: "اللهم بیض وجهی يوم تسود فيه الوجوه و لا تسود وجهی يوم تبيض فيه الوجوه" و در وقت شستن دست راست بخواند: "اللهم اعطنی کتابی بيمينی و الخلد فی الجنان بسیاری و حاسبنی حسابا يسيرا" و موقع شستن دست چپ بگوید: "اللهم لا تعطني کتابی بشمالی و لا من وراء ظهري و لا تجعلها مغلوطة الی عنقی و اعوذ بك من مقطعات النيران" و موقعی که سر را مسح می‌کند بگوید: "اللهم غشني برحمتك و برکاتك و عفوك" و در وقت مسح پا بخواند: "اللهم ثبتني علی الصراط يوم تزل فيه الاقدام و اجعل سعی فی ما یرضیک عني یا ذا الجلال و الاکرام".

آدرس مطلب: رساله توضیح المسائل مقام معظم رهبری. پایگاه اطلاع رسانی معظم له: <https://b2n.ir/p03069>

۵۵. باز تأکید می‌کنم چون ممکن است کسی که بعدا به این عراض ما گوش می‌دهد توجه نداشته باشد که این نمک‌های آزمایشگاهی و یددار موجود در بازار مضر هستند و شاید تصور کند چون روی آنها نوشته شده "نمک تصفیه شده" و "نمک یددار"؛ این چیز خوبی است. [در حالی که اینطور نیست و] حتما غرغره کردن بایستی با "نمک طبیعی" صورت بگیرد.

انتقال از متن

۵۶. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ مُعْتَبِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الدَّوَاءُ أَرْبَعَةٌ: السَّوْطُ وَ الْحِجَامَةُ وَ التُّورَةُ وَ الْحَقْفَةُ.

امام صادق (علیه السلام): دواء چهار چیز است: سوط و حجامت و توره و حقنه (اماله).

مصادر اصلی: الکافي، ج ۸، ص ۱۹۲

منابع دیگر: الوافي، ج ۲۶، ص ۵۳۰ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۲۲ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۳۰

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بْنِ عَبْدِ الْبَقِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَنْ يَتَعَمَّقَ بِأَبٍ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاةٍ قَالَ ع: إِنَّ الْحِجَامَةَ تُصْحِحُ الْبَدَنَ وَ تُشَدُّ الْعُقْلَ ...

امام علی علیه السلام: حجامت، بدن را صحت می‌دهد و عقل را استحکام می‌بخشد.

مصادر اصلی: الخصال، ج ۲، ص ۶۱۱ / تحف العقول، ص ۱۰۰

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۱۴ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۱۷

۴/۱/۳. سومین پروتکل کنترل علائم حاد (ویژه خشکی شدید سینه): زیاد نوشیدن آب فاتر و مالیدن ضماد مخصوص

ممکن است یک فرض دیگر هم در اینجا مطرح باشد. مثلاً خشکی سینه، خیلی بالا رفته باشد. برخی از افراد که سن بالا دارند ممکن است به یک خشکی درجه بالایی مبتلا شده باشند و این خلط به سادگی روان و اصطلاحاً پخته و خارج نشود. دوستان ما یک مجموعه‌ای از تدابیر را برای مقابله با این سطح از خشکی پیشنهاد داده‌اند: یکی از این موارد این است که مرتباً از "آب فاتر"^{۵۷} استفاده شود. آب فاتر کمک می‌کند به اینکه از این خشکی بیش از حد کاسته شود.^{۵۸}

دوستان ما در موارد متعددی یک ضمادی را هم استفاده کرده‌اند که هم از پشت ریه و هم از قسمت جلوی سینه (روزی چند بار) به پوست بیمار ماساژ داده‌اند و این کار به رفع خشکی و سردی کمک کرده است. مواد سازنده این ضماد هم عبارت است از: سویق گندم، روغن زیتون، شیر گرم و تخم کتان. این ضماد کمک می‌کند که خشکی‌های درجه بالا را مدیریت کنیم. اما مواردی که خشکی پایین‌تر است به نظرم لازم نیست از این پروتکل استفاده شود.

پس ما با این سه پروتکل (یعنی بحث استنشاق و غرغره، مالیدن آن ضماد مخصوص و حجامت قاعده ریه) از عضو "ریه" عبور کردیم.

۴/۱/۴. پروتکل چهارم برای کنترل علائم حاد (ویژه دفع اخلاط کلیه و مجاری ادراری): خوردن هویج زرد و آب فاتر

حالا به سمت دفع اخلاط از سایر اعضاء می‌رویم: اخلاط شما یک سرریزی به سمت "کلیه" و "مجاری ادراری" هم دارند. "کلیه" و "مجاری ادراری" را با هویج (زردک) و آب فاتر می‌توان تسخین و گرم کرد و به دفع سریع‌تر اخلاط کمک کرد. باز ما نمی‌خواهیم بحث را پیچیده کنیم. ممکن است شما یک داروی ترکیبی برای تسخین پیشنهاد کنید؛ ولی اگر ما الان آن را جزو پروتکل‌های رسمی اعلام کنیم، ممکن است در دسترس نباشد. بنابراین ما روی آسان‌ترین تدابیر ایستاده‌ایم: آب فاتر به

عن النبي صلى الله عليه وآله: نِعَمَ الدَّوَاءِ الْجَمَامَةُ تُذْهِبُ الدَّمَ، وَ تَجْلُو البَصَرَ، وَ تُخَفِّفُ الصَّلْبَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چه نیکو درمانی است حجامت! خون را می‌برد، دیده را جلا می‌دهد و پشت را سبک می‌کند.

المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۵۵، ح ۸۲۵۸، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۹۱، ح ۲۰۵۳، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۵۱، ح ۳۴۷۸، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۶، ح ۲۸۱۴۶

۵۷. ارجاع پرورشی: الفاتر: الحار الذي سكن حره. ماء فاتر: بين الحار والبارد.

ماء فاتر: آب گرمی که حرارتش فرونشسته، آب فاتر آبی که بین داغ و سرد است.

لسان العرب، ج ۵، ص ۴۳

۵۸. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ ذَكَرَةَ عَنْ مُصَوِّرِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا أَظْفَرَ بَدَأَ يَحْلُوهُ بِحَلْوَاءٍ يُبَطِّرُ عَلَيْهَا فَإِن لَمْ يَجِدْ فَسُكَّرَةً أَوْ تَمْرَاتٍ فَإِذَا أَغْوَرَ ذَلِكَ كَلَّهُ فَمَاءُ فَاتِرٍ وَ كَانَ يَقُولُ يَنْقِي الْمَعِدَةَ وَ الْكَبِدَ وَ يَطْبِئُ التَّكْهَةَ وَ الْقَمَّ وَ يَقْوِي الْأَضْرَاسَ وَ يَقْوِي الْحَدَقَ وَ يَجْلُو النَّاطِرَ وَ يَغْسِلُ الدُّنُوبَ غَسْلًا وَ يُسَكِّنُ الْغُرُوقَ الْهَائِجَةَ وَ الْمِرَّةَ الْعَالِيَةَ وَ يَقَطِّعُ الْبَلْقَمَ وَ يَطْفِئُ الْحَرَارَةَ عَنِ الْمَعِدَةِ وَ يَذْهَبُ بِالصَّدَاحِ.

از حضرت صادق (ع): پیغمبر (ص) با شیرینی افطار می‌فرمود و اگر شیرینی نمی‌یافت با آب ولرم افطار می‌کرد و می‌فرمود که کبد و معده را شست و شو می‌دهد و تمیز می‌نماید و دهان را خوشبو می‌سازد، و دندانها و سیاهی و قرنيه چشم را محکم و چشم را تیز بین می‌نماید و گناهان را کاملاً می‌شوید و رگهایی که به هیجان در می‌آید و همچنین مزه (سودا و صفر) را آرام می‌کند و بلغم را برطرف می‌کند و حرارت معده را فرو می‌نشاند و سردرد را از بین می‌برد.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۴، ص ۱۵۳

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۱، ص ۲۴۷ / وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۵۸

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: سَيْتَانِ صَالِحَانِ لَمْ يَدْخُلَا جَوْفَ وَاحِدٍ قَطُّ فَاسِدًا إِلَّا أَضْلَحَاهُ وَ سَيْتَانِ فَاسِدَانِ لَمْ يَدْخُلَا جَوْفًا قَطُّ صَالِحًا إِلَّا أَفْسَدَاهُ فَالْصَالِحَانِ الزُّمَانُ وَ الْمَاءُ الْفَاتِرُ وَ الْفَاسِدَانِ الْجُبْنُ وَ الْقَيْدُ.

امام صادق علیه السلام: دو چیز مناسب است که به هیچ درون نادرستی در نمی‌آیند، مگر این که آن را به درستی می‌آورند، و دو چیز نامناسب است که به هیچ درون سالمی در نمی‌آیند، مگر این که آن را نادرست [و ناسالم] می‌کنند. آن دو چیز مناسب، عبارت‌اند از: انار و آب نیم‌گرم (ولرم)؛ و آن دو چیز نامناسب، عبارت‌اند از: پنیر و گوشت خشک‌شده.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۱۴ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۶۳

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۵۵ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۶۴ / الوافی، ج ۱۹، ص ۲۹۷

پاکسازی کلیه کمک می‌کند،^{۵۹} هویج هم کمک می‌کند. منتها یک نکته دقیقی است که اگر کسی می‌خواهد به روایت «الجزر یسخن الکلیتین» عمل کند، باید توجه کند که مراد از جزر همین زردک‌ها و همین هویج قمی است. و امکان دارد که استفاده از هویج فرنگی باعث کم شدن آثار آن گردد.

۴/۱/۵. پروتکل پنجم برای کنترل علائم حاد (ویژه دفع اخلاط روده): خوردن دم‌کرده سنای مکی

"روده" مبتلای به یبوست شده است و یا در برخی از موارد ممکن است یبوست و خشکی باعث بواسیر شده باشد. در اینجا آسان‌ترین راه حل استفاده از گیاه مبارک "سنای مکی"^{۶۰} است که کمک می‌کند که تسهیل در گوارش اتفاق بیفتد. موارد دیگری را هم می‌توان بیان کرد ولی بخاطر سادگی مطلب به همان سنای مکی اکتفاء می‌کنیم.

۴/۱/۶. پروتکل ششم برای کنترل علائم حاد (ویژه رفع سردرد): سعوط (ریختن دارو در بینی) به وسیله روغن کنجد یا

روغن بنفشه

این بیماری [کرونا] علاوه بر مشکلات کلیه و روده، سردرد هم ایجاد کرده است؛ پروتکل ما برای رفع سردرد چیست؟ راحت‌ترین پروتکل‌ها "سعوط" است.^{۶۱} سعوط به معنای ساده یعنی "ریختن دارو در بینی".^{۶۲} بینی انسان به اصطلاح طب امروزی به سینوس‌ها و مغز انسان مرتبط است. بنابراین اگر شما سعوط را انجام دهید و چند قطره دارو را از طریق بینی وارد کنید، مجاری سینوسی شما باز خواهد شد. باز هم دیشب که روایات را جمع‌بندی می‌کردم به نظرم بهترین سعوط در

۵۹. ر، ک؛ رفرنس قبلی.

۶۰. ارجاع پژوهشی: جَعْفَرُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: تَدَاوُوا بِالسَّنَاءِ، فَإِنَّهُ لَوْ كَانَ شَيْءٌ يَرُدُّ الْمَوْتَ لَرَدَّهُ السَّنَاءُ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با سَنَاءِ درمان کنید؛ زیرا اگر بنا بود چیزی مرگ را برگرداند، سَنَاءِ بود که آن را دفع می‌کرد.

مصدر اصلی: قرب الإسناد ج ۱ ص ۲۱۸

منابع دیگر: بحار الانوار ج ۵۹ ص ۲۱۸ / مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۴۶۰

الإمام الصادق عليه السلام: لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِي السَّنَاءِ لَبَغَوْا كُلَّ مِثْقَالِ مِنْهُ بِمِثْقَالَيْنِ مِنْ ذَهَبٍ! أَمَا إِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ التَّهَيُّقِ وَالتَّبَرُّصِ وَالجُدَامِ وَالجُنُونِ وَالفَالِجِ وَالتَّقْوَةِ . . . امام صادق عليه السلام: اگر مردم می‌دانستند گیاه سَنَاءِ چه خواصی دارد، ارزش هر مثقال آن را به اندازه دو مثقال طلا می‌رسانند! هان! بدانید که این گیاه، مایه ایمنی یافتن از بَهَك، پیسی، جذام، دیوانگی، فلج و لقوه است...

مصدر اصلی: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۸۸

منابع دیگر: بحار الانوار ج ۵۹ ص ۲۱۸

وَ يَأْتِيهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص ... وَ عَلَيْكُمْ بِالسَّنَاءِ فَتَدَاوُوا بِهَا فَلَوْ دَفَعُ شَيْءٌ الْمَوْتَ لَدَفَعَهُ السَّنَاءُ...

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ... و بر شما باد سَنَاءِ. با آن، درمان کنید؛ چرا که اگر بنا بود چیزی مرگ را دور کند، سَنَاءِ آن را دور می‌کرد...

مصادر اصلی: الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۲۴۵ / دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۰ / مکارم الأخلاق، ص ۱۸۸ (مرسلا)

منابع دیگر: بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۲۱۸ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۲۷۲

۶۱. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ الْقَيْسِيِّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ آبَائِهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعَةَ بَابٍ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ ع: ... السُّعُوطُ مَصْحَةٌ لِلرَّأْسِ وَ تَقْفِيَةُ لِلْبَدَنِ وَ سَائِرُ أَوْجَاعِ الرَّأْسِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): ... سعوط کردن، مایه سلامت سر و پاکسازی بدن و همه انواع سردرد است.

مصادر اصلی: الخصال، ج ۲، ص ۶۱۱ / تحف العقول، ص ۱۰۰

منابع دیگر: بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۱۱۴ / وسائل الشيعة، ج ۷، ص ۱۱۷

۶۲. ارجاع پرورشی: السُّعُوطُ بالفتح و هو ما يجعل من الدواء في الأنف.

سعوط: آنچه از دواء در بینی گذارده می‌شود.

النهاية (ابن اثير)، ج ۲، ص ۳۶۸

السُّعُوطُ: مِثَالُ رَسُولِ دَوَاءٍ يُصَبُّ فِي الْأَنْفِ. وَ (السُّعُوطُ) مِثْلُ فُغُودٍ مَصْدَر.

سعوط (مثل رسول) دوائی که در بینی ریخته می‌شود. و سعوط (مثل فُغُود) مصدر است.

المصباح المنير (قيومي)، ج ۲، ص ۲۷۷

این فضا "روغن کنجد" است.^{۶۳} البته سعوط با "روغن بنفشه"^{۶۴} هم موثر است. انجام دادن سعوط، برای خارج کردن اخلاط سر و نزله‌های آن است.

۴/۱/۷ پروتکل هفتم برای کنترل علائم حاد (ویژه جلوگیری از تب): خوردن پیاز، سیب و عناب یا گذاشتن پیاز در کف پا، ناحیه ناف و شکم بیمار

در پروتکل ششم بحث جلوگیری از "تب" را مطرح می‌کنیم. ممکن است بیمار [کروناوی] به طب مبتلا شده باشد؛ برای این مشکل چه کاری می‌توان انجام داد؟ برای مواجهه با تب بیمار توصیه به سیب^{۶۵}، پیاز^{۶۶} و عناب^{۶۷} خوب است. هر سه توصیه

۶۳. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنِ الْخَشَّابِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ كَلُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ إِذَا اشْتَكَى رَأْسَهُ اسْتَعَطَّ بِدُهْنِ الْجُلْجُلَانِ وَ هُوَ السُّمْسِمُ.

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، (صلی اللع علیه و آله) چون سردرد می‌کرد، به روغن کنجد، سعوط می‌کرد.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۵۲۴

منابع دیگر: الوافی، ج ۶، ص ۷۲۵ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۶۹ / بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۹۰

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ ابْنِ أُثَمِّ بْنِ الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ الْبَسَمِ عَنْ قَيْسِ الْبَاهِلِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: أَنَّ النَّبِيَّ ص كَانَ يُجِبُّ أَنْ يَسْتَعَطَّ بِدُهْنِ السُّمْسِمِ.

امام صادق (علیه السلام): رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سعوط با روغن کنجد را دوست داشتند.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۵۲۴

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۹۱ / الوافی، ج ۶، ص ۷۲۵ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۶۹

۶۴. ارجاع پژوهشی: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: فَضَّلْتُ الْبَنْفَسَجَ عَلَى الْأَدْهَانِ كَفَضَلِ الْإِسْلَامِ عَلَى الْأَدْيَانِ نَعَمْ الدُّهْنُ الْبَنْفَسَجُ لِيَدْهَبَ بِالْدَّاءِ مِنَ الرَّأْسِ وَالْعَيْنَيْنِ فَأَذْهَبُوا بِهِ.

امام صادق علیه السلام: برتری بنفشه بر دیگر روغن‌ها به سان برتری اسلام بر دیگر ادیان است. بنفشه، خوب روغنی است! درد را از سر و چشمان می‌برد. خود را بدان، چرب کنید.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۵۲۱

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۶۱ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۲۲

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَضْرٍ عَنْ حَمَادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُوقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: دُهْنُ الْبَنْفَسَجِ يَرُؤُنُ الدَّمَاعَ.

امام صادق علیه السلام: روغن بنفشه، مغز را نیرو می‌بخشد.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۵۲۲

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۶۵ / الوافی، ج ۶، ص ۷۲۲ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۲۳

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: اسْتَعَطُوا بِالْبَنْفَسَجِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْبَنْفَسَجِ لَحَسَوْهُ حَسَوًا.

امیرالمومنین (علیه السلام): با بنفشه سعوط کنید؛ چرا که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: اگر مردم می‌دانستند که چه چیزی در بنفشه است؛ دهان خود را از آن پر می‌کردند!

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۵۲۲

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۶۴ / الوافی، ج ۶، ص ۷۱۹ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۲۱ / مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۳۰

۶۵. ارجاع پژوهشی: عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) قَالَ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: التُّفَّاحُ يَفْرُجُ الْمَعْدَةَ وَ قَالَ كُلُّ التُّفَّاحِ فَإِنَّهُ يُطْفِئُ الْحَرَارَةَ وَ يُبْرِدُ الْجَوْفَ وَ يَذْهَبُ بِالْحُمَى وَ فِيهِ

حَدِيثٌ آخَرَ يَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ

امام صادق علیه السلام: «سیب، معده را گشایش می‌دهد». همچنین فرمود: «سیب بخور؛ چرا که حرارت را فرو می‌نشاند، درون را سرد می‌کند و تب را می‌برد». در حدیث دیگری است که فرمود: «وبا را از میان می‌برد».

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۱

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۲۵۰ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۹۳

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الْقَنْدِيِّ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ذُكِرَ لَهُ الْحُمَى فَقَالَ ع: إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا تَنَدَاوِي إِلَّا بِأَقَاصِةِ الْمَاءِ الْبَارِدِ يَصَبُّ عَلَيْنَا وَ أَكُلُ التُّفَّاحِ.

امام صادق علیه السلام: نزد ایشان از تب، یاد کردند. فرمود: «ما خاندان، (تب را) جز به آب سردی که بر بدن ما ریخته می‌شود و جز به خوردن سیب، درمان نمی‌کنیم».

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۱ / الکافی، ج ۶، ص ۳۵۶

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۹۷ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۲۵۰ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۹۳

قَالَ (احمد بن محمد بن خالد): وَ رَوَى بَعْضُهُمْ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَطْعَمُوا مَحْمُومِيكُمُ التُّفَّاحَ فَمَا مِنْ شَيْءٍ أَنْفَعَ مِنَ التُّفَّاحِ.

امام صادق علیه السلام: به تباداران خود، سیب بدهید؛ چرا که هیچ چیز، سودمندتر از سیب نیست.

(خصوصاً سیب و پیاز) هم ارزان و هم در دسترس است. مثلاً شما در ناحیه کف پا و ناحیه ناف و شکم و البته سایر اعضا شخص تبادار یک مقدار پیاز خرد شده قرار بدهید و آن را ببینید و یا [در صورت گذاشتن بر کف پای بیمار] جورابی برای او بپوشانید. در اینصورت وقتی رطوبت پیاز به بدن منتقل شود، به دفع سریع تب از کل بدن و از عروق کمک می‌کند. اگر کسی به "سرفه" مبتلا شد که یکی از علائم رایج در این بیماری [کرونا] است. اولاً اینکه باید توجه داشت که ما در روایت داریم که نباید از سرفه ترسید و نباید آن را چیز بدی تلقی کرد.^{۶۸} چرا که وقتی سرفه در بدن کسی به وجود می‌آید، دو اثر بر جای می‌گذارد: یکی اینکه: کمک می‌کند اخلاط زوتر از ریه دفع شوند (چون سرفه کردن هوا را با فشار از بدن خارج می‌کند - خصوصاً اگر بعد از پخته شدن خلط باشد - کمک می‌کند که خلط زودتر دفع شود) در تجارب فردی هم زیاد مشاهده شده است که وقتی انسانها دچار سرماخوردگی می‌شوند، یک مقدار اخلاطی در دهانشان وارد شده است. این همان کارکرد سرفه است [و باعث دفع سریع‌تر این اخلاط می‌شود] که در روایت فرموده است از سرفه کراهت نداشته باشید. [اثر دوم سرفه این است که]: سرفه کردن باعث می‌شود که یک نوع شوک به قلب هم وارد شود و به حرکت قلب کمک کند. البته اگر سرفه خیلی شدید شود می‌توان با برخی از تدابیر مثل آب فاتر و روغن بادام شیرین مقداری از سختی سرفه را کمتر و نرم‌تر کرد. ولی اصل سرفه چیز بدی نیست.

یک اعمال یدوای هم برای بهبود سرفه وجود دارد: اگر دیدید کسی دارد سرفه می‌کند، با زدن ضربات نسبتاً آرام به سینه و کمر آن شخص، می‌توانید به دفع آسان‌تر خلط کمک کنید. یا اینکه شخص به حالت سجده قرار بگیرد که این کار هم به دفع سریع‌تر اخلاط کمک می‌کند.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۱ / الکافی، ج ۶، ص ۳۵۷

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۹۷ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۶۲ / عوالم العلوم، ج ۲۰، ص ۱۱۱ / طب الأئمة عليهم السلام (للشیر)، ص ۱۶۰ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۰۱
۶۶. ارجاع پژوهشی: أبو علي الأشعري عن مُحَمَّد بن سَالِم عن أَحْمَد بن النَّضْر عن عَمْرُو بن شَيْمِر عن جَابِر قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: **الْبَصْلُ يَذْهَبُ بِالتَّصَبُّ وَ يَشُدُّ الْعَصَبَ وَ يَزِيدُ فِي الْخَطِي وَ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ وَ يَذْهَبُ بِالْحَمَى.**

امام صادق علیه السلام: پیاز، خستگی را می‌برد، پی را استحکام می‌بخشد، بر گام‌ها می‌افزاید، آب را افزون می‌سازد و تب را می‌برد.

مصادر اصلی: الکافی ج ۶ ص ۳۷۴ / المحاسن ج ۲ ص ۵۲۲ / مکارم الأخلاق، ص ۱۸۲
 منابع دیگر: الوافی ج ۱۹ ص ۴۲۹ / وسائل الشیعة ج ۲۵ ص ۲۱۱ / بحار الأنوار ج ۱۶ ص ۴۰۲

۶۷. ارجاع پژوهشی: رسول الله صلى الله عليه وآله: **الْعُنَابُ يَذْهَبُ بِالْحَمَى.**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: **عُنَاب**، تب را می‌برد.

مصادر اصلی: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۷۵

منابع دیگر: بحار الأنوار ج ۵۹ ص ۲۹۸ / وسائل الشیعة ج ۲۵ ص ۲۲۴

الإمام الصادق عليه السلام: **فَضَّلَ الْعُنَابِ عَلَى الْفَاكِهَةِ**، كَفَضَلْنَا عَلَى سَائِرِ النَّاسِ.

امام صادق علیه السلام: برتری **عُنَاب** بر دیگر میوه‌ها، به سان برتری ما بر دیگر مردمان است.

مصادر اصلی: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۷۶

منابع دیگر: بحار الأنوار ج ۵۹ ص ۲۳۲ / وسائل الشیعة ج ۲۵ ص ۲۲۴

۶۸. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنِ جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِسْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا تَكْرَهُوا أَرْبَعَةَ فَإِنَّهَا لِأَرْبَعَةٍ لَا تَكْرَهُوا الزُّكَامَ فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ وَ لَا تَكْرَهُوا الدَّمَامِيلَ فَإِنَّهَا أَمَانٌ مِنَ الْبَرَصِ وَ لَا تَكْرَهُوا الزَّمَدَ فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ الْعَمَى وَ لَا تَكْرَهُوا السُّعَالَ فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ الْقَالِحِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز را ناخوشایند مدارید؛ زیرا که برای چهار چیز، سودمندند: زکام را ناخوشایند مدارید؛ زیرا مایه ایمنی از جذام است. کوزک‌ها را ناخوشایند مدارید؛ زیرا مایه ایمنی از پیسی‌اند. چشم‌درد را ناخوشایند مدارید؛ زیرا مایه ایمنی از کوری است. و سرفه را ناخوشایند مدارید؛ زیرا مایه ایمنی از فلج شدن است.

مصادر اصلی: الخصال، ج ۱، ص ۲۱۰

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۳۰

۴/۱/۸. پروتکل هشتم برای کنترل علائم حاد (ویژه تسهیل تنفس): استفاده از بوهای مطبوع خصوصاً بوی نعنا

هشتمین و آخرین پروتکلی که ما برای تسهیل تنفس و مسئله علائم حاد این بیماری بحث کرده‌ایم، استفاده از ریحان و بوهاست.^{۶۹} خصوصاً بوی نعنا که خیلی نفوذپذیر است و به سرعت در فضای تنفسی انسان وارد شده و آن فضا را تصحیح می‌کند.

تمام این پروتکل‌هایی را که بحث کردیم به دفع سریع‌تر اخلاط و نزله‌ها کمک کردند. علت چالشی هم که برای این اعضاء به وجود آمده بود، تراکم و انسدادی بود که این اخلاط و نزله‌ها در اعضاء مختلف ایجاد کرده بود. البته بحث در این حوزه فراوان است و تدابیر دیگری هم حتماً به ذهن اساتید معظم می‌آید و می‌توانند آنها را بیان کنند؛ ولی به هر حال تمام این هشت موردی که عرض کردم، پاکسازی مجاری (مجاری ادراری، مجاری دفع، مجاری تنفسی) را انجام می‌دهند. و این موارد پروتکل‌های فوری ماست و تمرکز این موارد هم بر روی پاکسازی "اخلاط جریان‌پیدا کرده در اعضاء مختلف" است.

۴/۲. پروتکل‌های دسته دوم: پروتکل‌های تعدیل‌کننده طبع

دسته دوم پروتکل‌ها، پروتکل‌هایی است که کمک می‌کنند به اینکه طبع انسان تعدیل بشوند. یعنی همان منشأ اخلاطی که شما آنها را پاکسازی کرده‌اید، باید شما کار دومی را هم انجام بدهید که این عدم اعتدال را در بدن پایان بدهید. یعنی تولید خلط به صورت نامتعادل را مهار و کنترل کنید.

از مجموعه روایات باز هشت اقدام را که همه به نوعی طبایع را تعدیل می‌کنند (با تاکید بر تعدیل طبایع اربعه) انتخاب کرده‌ام. دقت بفرمایید! در بحث تعدیل طبایع ما به دو شکل می‌توانیم عمل کنیم: خود فرد یا یک طبیب حاذقی، طبع فرد بیمار را تشخیص بدهد و جلوی غلبه آن طبع را بگیرد. این یک فرض است که اجرای آن به لحاظ ملّی قدری دچار مشکل است. چرا؟ چون اکثر مردم ایران دانش تشخیص طبع را ندارند و پزشک‌هایی هم که بتوانند به اینها مشاوره بدهند و طبع اینها را به نحو صحیح تشخیص بدهند، به اندازه کافی نداریم. پس این روش، مخصوص کسانی است که یا دانش و یا دسترسی به یک طبیب حاذق داشته باشند. به دلیل این محدودیت، ما در پروتکل‌های تعدیل‌کننده طبع، هشت اقدام را پیشنهاد داده‌ایم که هرکسی (چه دانش تشخیص طبع را داشته باشد، چه نداشته باشد، چه دسترسی به پزشک حاذق طبع‌شناس داشته باشد یا نداشته باشد)؛ اگر این موارد را انجام بدهد به تدریج طبعش تعدیل خواهد شد. این هشت اقدام در واقع استفاده از "داروهای جامع" هستند (البته جامع به معنای عام در روایات؛ یعنی داروهایی که تمام طبایع را مدیریت می‌کنند: مثلاً من نمی‌دانم که طبع چیست ولی وقتی از این دارو استفاده کنم، حتماً مشکل غلبه طبایع مدیریت و حل خواهد شد)

۶۹. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَدْعَ الطَّيِّبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ فَيَوْمٌ وَ يَوْمٌ لَا فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَ لَا يَدْعُ.

امام کاظم علیه السلام: شایسته است که مرد هر روز از بوی خوش استفاده کند؛ اگر هر روز نتوانست، یک روز در میان عطر زند و چنانچه این هم مقدورش نبود جمعه‌ها را ترک نکند.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰ / من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۲۵ / الخصال، ج ۲، ص ۳۹۲

سند خصال: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا

عَبْدُ اللَّهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَتَاةٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، ج ۱، ص ۲۷۹

سند عبون: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عَمْرٍو الْأَنْصَرِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع

مَنابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۷، ص: ۳۶۴ / بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۳۴۶ / الوافی، ج ۶، ص ۶۹۴

۴/۲/۱. پروتکل اول برای تعدیل طبع: مصرف برگ چغندر در آش به جای اسفناج

پروتکل اول را باز ناظر به آسان بودن آن انتخاب کرده‌ام. الان تقریباً همه مردم ایران از همه اقوام، آش مصرف می‌کنند. پس امر سختی نیست. منتها معمولاً در آش‌ها از برگ اسفناج استفاده می‌شود. اگر بشود در این آش‌ها از "برگ چغندر" استفاده کرد؛ در روایت دارد که: «لا داءَ معه»^{۷۰} به نحو مطلق. یعنی هیچ ضرری به هیچ طبعی وارد نمی‌کند. به علاوه اینکه منجر به تقویت عمومی بدن هم می‌شود.

۴/۲/۲. پروتکل دوم برای تعدیل طبع: مصرف داروی کارآمد و تجربه‌پس داده امام کاظم (علیه السلام)

پروتکل دوم استفاده از داروی کارآمد و تجربه‌پس داده "امام کاظم (علیه السلام)" است.^{۷۱} با رعایت زمان استفاده که ۱۰ روز یکبار است. باید اینجا توجه داد که برخی از دوستان زمان مصرف دارو در روایت را دقت نکردند و گاهی روزی چندبار مصرف

۷۰. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: أَطْعَمُوا مَرْضَاكُمْ السَّلْقَ يَغْنِي وَرَقَهُ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً وَ لَا دَاءَ مَعَهُ وَ لَا عَائِلَةَ لَهُ وَ يُهْدِي تَوَمَّ الْمَرِيضِ وَ اجْتَنِبُوا أَصْلَهُ فَإِنَّهُ يُهَيِّجُ السُّودَاءَ.

امام رضا علیه السلام: به بیمارانتان، چغندر یعنی برگ آن را بدهید؛ چرا که در آن، شفاست و هیچ بیماری‌ای به همراه ندارد و هیچ عارضه‌ای در آن نیست و خواب بیمار را آرام می‌سازد. از خود چغندر بهره‌بیزید؛ زیرا سودا را تحریک می‌کند.

مصدر اصلی: الکافی ج ۶ ص ۳۶۹

منابع دیگر: بحارالانوار ج ۶۳ ص ۲۱۶ / الوافی ج ۱۹ ص ۴۲۲ / الفصول المهمة ج ۳ ص ۱۲۰ / وسائل الشیعة ج ۲۵ ص ۱۹۸

عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا ع: يَا أَحْمَدُ كَيْفَ شَهَوْتِكَ لِلْبُقُلِ؟ قُلْتُ: إِنِّي لِأَشْتَهِي عَامَّتَهُ قَالَ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَعَلَيْكَ بِالسَّلْقِ فَإِنَّهُ يَنْبُتُ عَلَى سَاطِئِ الْفِرْدَوْسِ وَ فِيهِ شِفَاءٌ مِنَ الْأَدْوَاءِ وَ هُوَ يُعَلِّظُ الْعَظْمَ وَ يَنْبِثُ اللَّحْمَ وَ لَوْ لَا أَنَّ تَمَسَّهُ أَيْدِي الْحَاطِئِينَ لَكَاتَبَتِ الْوَرَقَةَ مِنْهُ تَشْتُرُ رَجُلًا قُلْتُ مِنْ أَحَبِّ الْبُقُولِ إِلَيَّ فَقَالَ أَحْمَدُ اللَّهُ عَلَى مَعْرِفَتِكَ بِهِ

به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر: امام رضا علیه السلام پرسید: «ای احمد! علاقه‌ات به سبزی‌ها چگونه است؟» گفتم: همه آنها را دوست دارم.

فرمود: «اگر چنین است، بر تو باد چغندر! زیرا بر کرانه‌های فردوس می‌روید و شفای دردها در آن است، استخوان را درشت می‌کند، گوشت می‌رویاند و اگر نبود که دست‌ان گناهکاران به آن می‌رسد، هر برگ از آن برای پوشش چند مرد، بسنده می‌کرد.» گفتم: برای من، از دوست‌داشتنی‌ترین سبزی‌هاست. فرمود: «خدا را بر این که با آن آشنایی، سپاس بگزار.»

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۱۹

منابع دیگر: بحارالانوار، ج ۶۳، ص ۲۱۷ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۰۰

قَالَ الرَّضَا ع: عَلَيْكُمْ بِالسَّلْقِ فَإِنَّهُ يَنْبُتُ عَلَى سَاطِئِ نَهْرِ فِي الْفِرْدَوْسِ وَ فِيهِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ هُوَ يَشُدُّ الْعَصَبَ وَ يُطْفِئُ حَرَارَةَ الدَّمِ وَ يُعَلِّظُ الْعِظَامَ وَ لَوْ لَا أَنَّهُ تَمَسَّهُ أَيْدِي حَاطِئَةٍ لَكَاتَبَتِ الْوَرَقَةَ تَشْتُرُ رَجُلًا قَالَ فَجَعَلْتُ فِدَاكَ كَانَ أَحَبَّ الْبُقُولِ إِلَيَّ قَالَ فَاحْمَدُ اللَّهُ عَلَى مَعْرِفَتِكَ

حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: بر شما باد به چغندر! که در کنار نهی در بهشت می‌رویاند، و در آن داروی هر دردی است، و اعصاب را قوی می‌کند، حرارت خون را فرو می‌نشاند، و استخوان را استبر می‌سازد، و اگر دست‌های خطاکار بآن نمیرسید برگش یک مرد را می‌پوشید. مردی گفت: فدای شما محبوبترین سبزیها نزد من چغندر است، حضرت فرمود: سپاس خدا را بر این معرفتی که داری.

مکارم الاخلاق، ص ۱۸۱

رُوي: نِعَمَ الْبُقْلَةُ السَّلْقُ يَنْبُتُ بِسَاطِئِ الْفِرْدَوْسِ وَ فِيهَا شِفَاءٌ مِنَ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا وَ تَشُدُّ الْعَصَبَ وَ تُطْفِئُ الدَّمَ وَ تُعَلِّظُ الْعِظْمَ.

روایت شده است: «چغندر، نیکو سبزی‌ای است. بر ساحل پردیس می‌روید، شفای همه دردها در آن است، پی را استحکام می‌بخشد، خون را زیاد می‌کند و استخوان را استبر می‌سازد.»

بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۲۸۵

۷۱. **ارجاع پژوهشی:** منبع روایی داروی معروف به "داروی امام کاظم (علیه السلام)" این روایت است: قَالَ السَّرِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ السَّرِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْأَرْمَنِيُّ؛

قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانَ عَنْ الرَّضَا قَالَ: سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ قَدِ اشْتَكَيْتُ فِجَاءَهُ الْمُتَرَقُّعُونَ بِالْأَدْوِيَةِ يَغْنِي الْأَطْبَاءَ فَجَعَلُوا يَصُونُونَ لَهُ الْعَجَابِبَ. فَقَالَ: أَيْنَ يَذْهَبُ بِكُمْ؟ أَقْتَصِرُوا عَلَى سَيِّدِ هَذِهِ الْأَدْوِيَةِ الْإِهْلِيلِجِ وَ الرَّازِيَانِجِ وَ الشُّكْرِ فِي اسْتِقْبَالِ الصَّيْفِ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ فِي اسْتِقْبَالِ الشِّتَاءِ ثَلَاثَةَ أَشْهُرٍ كُلِّ شَهْرٍ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ يُجْعَلُ مَوْضِعَ الرَّازِيَانِجِ مَصْطَكِي: فَلَا يَمْرُضُ إِلَّا مَرَضَ النَّمُوتِ.

امام رضا (علیه السلام): موسی بن جعفر (علیه السلام) بیمار شد و پزشکان آمدند بالینش و عجائبی برایش وصف کردند. پس حضرت فرمود: به کجاها می‌روید؟! بر سید این داروها اکتفا کنید که هلیله و رازیانه و شکر است، در سه ماه تابستان ماهی سه بار و در زمستان ماهی سه روز و هر روزی سه بار و بجای رازیانه مصطکی باشد؛ پس بیمار نشود جز به بیماری مرگ!

مصادر اصلی: طب الأئمة عليهم السلام (لابناسطام)، ص ۵۰ / طب الأئمة الصادقين عليهم السلام (نسخه خطی)، ص ۲۴

منابع دیگر: الفصول المهمة (شیخ خز عاملی)، ج ۳، ص ۵۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۴۲ / بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۹۹

کردند؛ این کار ممکن است چالش‌هایی را ایجاد کند. نه؛ این دارو (با تاکید بر رعایت زمان مصرف) از سرریز نزنله‌ها در ریه و سایر اعضا جلوگیری می‌کند. یعنی فرقی نمی‌کند که شما چه طبیعتی داشته باشید؛ در هر صورت نزنله‌ها را مهار می‌کند.

۴/۲/۳. پروتکل سوم برای تعدیل طبع: پوشاندن دائمی سر

"پوشش سر" هم از سریان نزنله‌ها در اعضا درگیر بیماری کمک می‌کند. سرتان را گرم نگه دارید! وقتی شما "عمامه"^{۷۲} یا "کلاه"^{۷۳} بر سر ندارید؛ سردی بر سر غلبه پیدا خواهد کرد و این کار باعث خواهد شد که نزنله‌هایی جریان پیدا کنند و اثر اول را هم بر ریه‌ها می‌گذارند [و ابتلاء به بیماری] در آن ایجاد می‌کنند.

۴/۲/۴. پروتکل چهارم برای تعدیل طبع: مصرف انار (ترجیحاً شیرین) و فرآورده‌های آن

پروتکل چهارم مصرف "انار" و فرآورده‌های آن است.^{۷۴} اگر الان به خود انار (ترجیحاً انار شیرین^{۷۵}) دسترسی است که خود انار را مصرف کنید، وگرنه سعی کنیم یک فرآورده‌ای از انار را در غذای خودمان استفاده کنیم. باز هم انار جزو غذاها و داروهایی است که ضرری بر هیچ طبعی وارد نمی‌کند.

۷۲. **ارجاع پژوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعُقَيْلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عَلِيٍّ الْهَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: **عَمَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلِيًّا ع بِبَدْوَةٍ فَسَدَلَهَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ قَصَّرَهَا مِنْ خَلْفِهِ فَذَرَّ أَصَابِعَهُ ثُمَّ قَالَ أَذْبُرُ فَأَذْبُرُ ثُمَّ قَالَ أَقْبِلُ فَأَقْبِلُ ثُمَّ قَالَ هَكَذَا تَبْجَانُ الْمَلَائِكَةِ.**

امام صادق (علیه السلام): پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) با دست خود بر سر علی (علیه السلام)، عمامه بست و آن را از جلو، آویزان کرد و از پشت سر، به اندازه چهار انگشت، کوتاه کرد و آن گاه فرمود: «برگرد». علی علیه السلام برگشت. فرمود: «رویت را به طرف من کن». علی علیه السلام رو به سوی ایشان کرد. آن گاه، پیامبر خدا فرمود: «تاج‌های فرشتگان، این گونه‌اند».

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۴۶۱ / مکارم الأخلاق، ص ۱۲۰

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۰، ص ۷۴۳ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۵۵ / بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۱۹۸

۷۳. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: **كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَلْبَسُ فَلَئْسُوهُ بَيْضَاءَ مُضْرَبَةً وَ كَانَ يَلْبَسُ فِي الْحَرْبِ فَلَئْسُوهُ لَهَا أَذْتَانِ.**

امام صادق (علیه السلام): پیغمبر (صلی الله علیه و آله) همیشه کلاه سفیدی بر سر می‌نهاد و کلاه جنگ او در دو طرف اضافه‌ای داشت که روی گوشها را می‌پوشید.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۴۶۲ / مکارم الأخلاق، ص ۱۲۰

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۵۸ / بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۲۲ / الوافی، ج ۲۰، ص ۷۴۷

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْقَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: **كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَلْبَسُ الْفَلَانِسَ الْيَمِينِيَّةَ وَ الْبَيْضَاءَ، وَ الْمَضْرَبَةَ وَ ذَاتَ الْأُذُنَيْنِ فِي الْحَرْبِ وَ كَانَتْ عِمَامَتَهُ السَّحَابَ وَ كَانَ لَهُ بُرْنُسٌ يَتَبَرَّئُ بِهِ.**

از امام ششم (ع): پیغمبر (صلی الله علیه و آله) همیشه کلاه یمنی و مصری سفید رنگ بر سر می‌نهاد، و کلاه جنگ حضرت دو طرفش روی گوشهایش را می‌پوشانید، و عمامه‌ای از سنجاب و هم کلاهی بلند داشت که گاه بر سر می‌نهاد.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۴۶۱ / مکارم الأخلاق، ص ۱۲۰

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۰، ص ۷۴۷ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۵۸ / بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۲۱

سَبِيلَ الرِّضَا ع عَنِ الرَّجُلِ يَلْبَسُ الْبُرْطُلَةَ. قَالَ: **قَدْ كَانَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مِظَلَّةٌ يَسْتَنْظِلُ بِهَا مِنَ الشَّمْسِ.**

از امام رضا (علیه السلام) در باره برطله (کلاه به‌دار که روی صورت سایه می‌افکند) سؤال شد، فرمود: حضرت صادق (علیه السلام) چنین کلاهی داشت که برای محافظت از نور خورشید بسر می‌نهاد. (ترجمه: میرباقری)

مصدر اصلی: مکارم الأخلاق، ص ۱۲۰

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۵۹

۷۴. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السَّبَّارِيِّ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ سُوْحِ بْنِ شُعَيْبِ الْثَيْسَابُورِيِّ عَنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْمُهْتَدِيِّ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: **أَرْبَعَةٌ يَمْدَلْنَ الطَّبَائِعَ: الرِّمَانُ الشُّورَانِيَّةُ...**

امام صادق (علیه السلام): چهار چیز مزاج و طبایع چهارگانه را معتدل سازد: انار سورانی ...

مصادر اصلی: الخصال، ج ۱، ص ۲۴۹ / روضة الواعظین (قتال نیشابوری)، ج ۲، ص ۳۱۰

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۲۲ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۲۱

عَنْهُ عَنِ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: **الرِّمَانُ سَيْدُ الْفَاكِهَةِ وَ مَنْ أَكَلَ رُمَانَهُ أُغْضِبَ شَيْطَانَهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا.**

و رَوَاهُ عَنْ خَلَادِ بْنِ خَالِدِ الْمُقَرِّي عَنِ قَيْسِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انار، سید و آقای همه میوه‌هاست و هر کس یک انار بخورد، چهل پگاه، شیطان خویش را به خشم می‌آورد.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۵

۴/۲/۵. پروتکل پنجم برای تعدیل طبع: مصرف زیاد نمک طبیعی

پروتکل بعدی مصرف زیاد "نمک" است. استدلالش چیست؟ استدلالش این است که حضرت فرمود: «نمک از هفتاد و دو نوع بیماری جلوگیری می‌کند»^{۷۶}. خوب؛ شما می‌دانید که هفتاد و دو نوع بیماری، بیماری‌های متعلق به یک نوع طبع خاص نیست، بلکه بیماری‌های مربوط به همه طبایع است؛ بنابراین نمک هم داروی جامع است. این که بعضی از دوستان طب سنتی فرموده‌اند طبع نمک، خشک یا گرم است؛ به دلیل تعارض این توصیف با این روایت، قابل قبول نیست. **نمک هفتاد و دو نوع بیماری را دفع می‌کند، پیشگیری می‌کند. و این هفتاد و دو نوع بیماری، بیماری مربوط به همه طبایع است. بنابراین به استظهار این روایت، نمک داروی جامع است و ما می‌توانیم از آن استفاده کنیم.**

خب؛ شما حتماً آداب مصرف نمک را در رساله‌ها و روایات دیده‌اید: حضرت می‌فرماید: «هم اول غذا و هم آخر غذا [نمک مصرف کنید]». با میوه‌ها - خصوصاً میوه خیار - هم خوردن نمک توصیه شده است.^{۷۷} علاوه بر اینکه در ابتدای غذای سفره نمک مصرف می‌کنید؛ در مورد لقمه اول غذا هم در روایت توصیه شده است.^{۷۸} تفاوت این صورت با نمک اول غذا این است

منابع دیگر: مکارم الأخلاق، ص ۱۷۱ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۶۳ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۵۴

عليه بن إبراهيم عن هارون بن مسلم عن مسعدة بن زياد عن أبي عبد الله قال: ألكهه مائة وعشرون لوأنا سيدنا الزمان.

امام صادق علیه السلام: میوه، صد و بیست گونه است و سید و آقای همه آنها، انار است.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۵۲ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۹

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۸۹ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۵۲ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۵۶

۷۵. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: عَلَيْكُمْ بِالزَّمَانِ الْخُلُوِّ فَكُلُوهُ فَإِنَّهُ لَيْسَتْ مِنْ حَيْثُ تَقَعُ فِي مَعِدَةِ مُؤْمِنٍ إِلَّا أَبَادَتْ دَاءً وَ أَطْفَأَتْ شَيْطَانَ الْوَسْوَاسَةَ عَنْهُ.

امام صادق علیه السلام: بر شما باد انار شیرین. آن را بخورید؛ چرا که هیچ دانه‌ای از آن به معده مؤمنی در نمی‌آید، مگر این که بیماری‌ای از آن ریشه‌کن می‌کند و شیطان و وسوسه را از او دور می‌سازد.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۵۴ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۵

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۹۲ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۵۵ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۶۳ / طب الأئمة عليهم السلام (للشیر)، ص ۱۵۵

۷۶. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِعَلِيٍّ ع: يَا عَلِيُّ افْتَتِحْ طَعَامَكَ بِالْمِلْحِ وَ اخْتِمِ بِالْمِلْحِ فَإِنَّ مِنَ افْتَتِحِ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ وَ خَتَمَ بِالْمِلْحِ عُوفِي مِنَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ مِنْهُ الْجُدَامُ وَ الْجُنُونُ وَ الْبَرَصُ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) به امیرالمؤمنین (علیه السلام): ای علی! غذا را با نمک، آغاز کن و با نمک، پایان ده؛ چه، هر کس غذای خویش را با نمک آغاز کند و با نمک تم/پایان دهد، از هفتاد و دو نوع از انواع بلاء که جذام، دیوانگی و پستی از آن جمله است، به دور باشد.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۳ (با اندکی تفاوت)

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۱۹ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۳ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۸ (نقلا عن المحاسن)

عنه (احمد بن محمد بن خالد) عن أبي القاسم و يعقوب بن يزيد و التهيبي عن عبد الله بن محمد عن زياد بن مهران القندي عن ابن سنان عن أبي عبد الله ع قال: من أفتتح طعامه بالملح دفع عنه أو رفع عنه الشان و سبعمائة داء.

و رواه التوقلي عن السكوني عن أبي عبد الله ع و رواه عن أبيه عن أبي اليختر عن أبي عبد الله ع.

امام صادق (علیه السلام): هر کس غذایش را با نمک آغاز کند هفتاد و دو بیماری از او دفع یا رفع می‌شود.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۳

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۷

جهت مشاهده روایات بیشتر در «تأثیر نمک طبیعی بر سلامتی»: ر.ک؛ پیوست شماره ۵.

۷۷. **ارجاع پژوهشی:** عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَأْكُلُ الْفَتَاءَ بِالْمِلْحِ.

امام صادق (علیه السلام): رسول خدا (صلی الله علیه و آله) همیشه خیار را با نمک میل می‌کردند.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۷۳

طب النبي صلى الله عليه وآله وسلم (مستغفري)، ص ۲۹ / مکارم الأخلاق، ص ۱۸۵

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۴۱۵ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۰۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۱۲ / طب الأئمة عليهم السلام (للشیر)، ص ۱۹۱

۷۸. **ارجاع پژوهشی:** عَنْهُ (أحمد بن محمد) عن يعقوب بن يزيد رفته قال قال أبو عبد الله ع من ذر على أول لقمته من طعامه الملح ذهب عنه يمشي الوجه.

امام صادق علیه السلام: هر کس بر نخستین لقمه غذای خود، نمک بپاشد، کک و مک صورت او از میان می‌رود.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۳ / مکارم الأخلاق، ص ۱۸۹

که شما نمک اول غذا را مستقیماً به هاضمه اولتان وارد می‌کنید، ولی نمک در لقمه اول به خود غذا اضافه می‌شود و سپس به هاضمه منتقل می‌گردد. به هر حال مناسب فصلی در مورد مصرف نمک داریم تا جایی که حضرت می‌فرماید: «لازم نیست نمک را به عنوان یک چیز جداگانه مصرف کنید؛ نمک خودش یک خورش است». من دیشب یک روایت بسیار زیبایی را از امام رضا (علیه السلام) دیدم که حضرت به یکی از اصحابشان اینطور فرموده بودند که: ما در دوران جوانی با دوستانمان به تفریح رفته بودیم، دوستانمان یک گوسفند با خودشان آورده بودند ولی فراموش کرده بودند که نمک را همراه خود بیاورند. گوسفند را سر بریدند ولی چون نمک نداشتیم هیچکدام از ما از گوشت آن گوسفند نخوردیم و گوشت را به خانه‌های خودمان آوردیم تا با نمک مصرف کنیم. ببینید! فضای تفریح و جوانی است ولی چون علم اهل بیت (علیهم السلام) در بین آن گروه جوان جاری بوده است؛ حضرت می‌فرماید: گوسفند را - که چاق هم بود - سر بریدیم ولی چون نمک همراه نداشتیم مصرف نکردیم. حضرت این کار را انجام دادند و برای ما هم روایت کردند که در واقع به ما بگویند: اگر تفریح شما هم به هم خورد، حاضر نشوید غذای بدون نمک مصرف کنید! تا جلوی بیماری‌های شما گرفته شود.^{۷۹}

۴/۲/۶. پروتکل ششم برای تعدیل طبع: اصلاح روغن غذا (مصرف روغن مبارک زیتون)

پروتکل ششم: اصلاح روغن غذا. این نکته خیلی در کنترل طبایع مهم است. بعضی از اطباء ما در جلسات پژوهشی گزارش می‌دادند که کسانی که مبتلای به چربی شده‌اند، ضربه بیشتری را از بیماری کرونا دریافت کرده‌اند! خب؛ افزایش چربی منشأهای مختلفی می‌تواند داشته باشد؛ یکی از منشأهای مهم آن همین مرغ‌های صنعتی هستند که حجم زیادی از چربی را دارا هستند. ولی مهم‌تر از مرغ‌های صنعتی، روغن مصرفی غذاست. اگر کسی بتواند روغن غذای خودش را تبدیل کند به روغنی که انبیاء مصرف می‌کردند یعنی روغن زیتون (که حضرت وقتی می‌خواهند در مورد روغن زیتون صحبت کنند از کلمه "مبارک"^{۸۰} استفاده می‌کنند. یعنی یک غذای است که برکت دارد و هیچ لعنت و ضرری ندارد) اگر این امر هم به سرعت در دستور کار قرار بگیرد، جلوی تولید اخلاط به نحو نامتعادل گرفته می‌شود.

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۲۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۴ / طب الأئمة علیهم السلام (للشیر)، ص ۱۱۰ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۵۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۹
 ۷۹. ارجاع بزوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ قَالَ: قَالَ لَنَا الرَّضَاعُ: أَيُّ الْإِيمَانِ أَحْسَنُ؟ فَقَالَ بَعْضُنَا اللَّحْمُ وَ قَالَ بَعْضُنَا الزَّيْتُ وَ قَالَ بَعْضُنَا اللَّبَنُ فَقَالَ هُوَ لَا بَلِ الْمِلْحُ وَ لَقَدْ عَرَجْنَا إِلَى نُزْهَةٍ لَنَا وَ نَسِيَ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ الْمِلْحَ فَذَبَحُوا لَنَا شاةً مِنْ أَسْمَنِ مَا يَكُونُ فَمَا اتَّفَقْنَا بِشَيْءٍ حَتَّى انْصَرَفْنَا.
 امام رضا علیه السلام به ما فرمود: «چه غذایی (خورشتی) دل‌پذیرتر است؟». برخی گفتند: گوشت. برخی گفتند: روغن. برخی گفتند: شیر. امام علیه السلام فرمود: «خیر؛ نمک. روزی برای هواخوری بیرون رفته بودم. برخی جوانان، فراموش کرده بودند نمک بیاورند. گوسفند چاقی را سر بریدند، ولی از آن استفاده نکردیم تا برگشتیم.»
 مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۲۲۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۲ (با اندکی تفاوت) / مکارم الأخلاق، ص ۱۸۹ (با اندکی تفاوت)
 منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۲۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۸۲ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۹ (نقلا عن المحاسن) / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۶۰ (نقلا عن المکارم)
 ۸۰. ارجاع بزوهشی: أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عُبيدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِ عَنْ دُرَيْسِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: كَانَ مِمَّا أَوْصَى بِهِ آدَمُ ع إِلَى حَبِيبَةِ اللَّهِ أَنَّهُ أَنْ كُلِّ الزَّيْتُونَ فَإِنَّهُ مِنْ سَجَرَةِ مُبَارَكَةٍ.
 امام کاظم علیه السلام: یکی از چیزهایی که آدم علیه السلام به فرزند خود، هبه الله، سفارش کرد، این بود که: (زیتون بخور؛ چرا که از درختی خجسته است).

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۳۱ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۴
 سند محاسن: عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى الْبُطَيْبِيِّ عَنْ عُبيدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِ عَنْ دُرَيْسِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع
 منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۳۳ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۸۲ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۹۶
 عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ الْجَبْرِئِيِّ عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الزَّيْتُ دُهْنُ الْأَجْرَارِ وَ إِتَامُ الْأَحْيَارِ بَوْرُكٌ فِيهِ مُقْبِلًا وَ بَوْرُكٌ فِيهِ مُدْبِرًا أَنْعَمَسَ بِالْقُدْسِ مَرْكَبِينَ.
 پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روغن زیتون، روغن پاکان و خورش نیکان است. در آن، پدان‌گاه که روی می‌کند و نیز پدان‌گاه که پشت می‌کند، برکت نهاده شده است و دو بار در پاکی، غوطه‌ور شده است.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۳۲ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۵
 منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۳۵ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۹۵ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۸۳

۴/۲/۷. پروتکل هفتم برای تعدیل طبع: خوردن کاسنی به عنوان سبزی و مصرف روغن پُر برکت بنفشه

پروتکل هفتم برای اصلاح طبع استفاده از روغن پُر برکت بنفشه^{۸۱} و خود گیاه کاسنی است. ترجیحاً خود گیاه کاسنی - اگر در دسترس باشد - به عنوان سبزی مصرف شود چرا که به تعدیل سریع طبع کمک می‌کند.^{۸۲}

۴/۲/۸. پروتکل هشتم برای تعدیل طبع: خوردن مویز و کشمش

آخرین پروتکلی که در بخش تعدیل طبع وجود دارد استفاده از مویز و کشمش است. روایت می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالزَّيْبِ فَإِنَّهُ يُطْفِئُ الْمِرَّةَ وَيُسْكِنُ الْبَلْغَمَ»^{۸۳} یعنی هم به تسکین "بلغم" کمک می‌کند و هم آتش ناشی از "صفراء" را کاهش می‌دهد. از قرینه کلمه "يُطْفِئُ" متوجه می‌شویم که مقصود در اینجا "مِرّه سوداویه" نیست، بلکه "مِرّه صفراویه" است.

در اینجا هم بنده هشت پروتکل پیشنهاد دادم که در دسترس است، یعنی شما راحت می‌توانید کشمش و مویز را بدون هزینه خاصی تهیه کنید. یا می‌توانیم سبزی مصرفی خانه را به راحتی تغییر دهیم. البته دوستان ما راه‌های متفاوت دیگری هم برای این حوزه دارند که بنده آنها را ذکر نکردم تا هزینه اضافی برای خانواده‌ها نباشد؛ چرا که ارزانی و در دسترس بودن درمان مهم است. بنده این را مکرر از دوستان شنیده‌ام که حضرت آیه‌الله تبریزیان در موارد متعدد با هزینه خودشان برای بیماران دارو تهیه می‌کردند و به آنها می‌دادند. در بین سایر طبایب اسلامی هم این بناء وجود دارد که تا می‌توانند ویزیت نگیرند و تا می‌توانند نسخه ارزان بدهند. البته بعضی از ماها متاسفانه اشتباه کردیم و در مواردی ویزیت‌های سنگین دریافت کردیم؛ اما بیشتر دوستان طب اسلامی بنایشان بر این است که در آمدی از این حوزه نداشته باشند. لذا بنده در تدوین این پروتکل‌ها بر این مسئله تاکید داشتم که خرج اضافی بر خانواده‌ها تحمیل نشود. چرا که در خانواده بیمار وجود دارد و این یک درد و ابتلائی است، و اگر هزینه مالی را هم تحمیل بر آنها کنیم، این مشکل مضاعف می‌شود. به هرحال باید این را مورد دقت قرار داد.

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ) عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَاسِعٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي دَاوُدَ التَّحَوِّيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: ادَّهِنُوا بِالزَّيْتِ وَتَدِيمُوا بِهِ فَإِنَّهُ دُمْنَةُ الْأَثْمَارِ وَإِدَامُ الْمُصْطَلِقِينَ مُسْحِثٌ بِالْقُدْسِ مَزَكِيٌّ ثَوْرَكٌ ثَقِيلَةٌ وَثَوْرَكٌ مُذْبِرَةٌ لَا يَضُرُّ مَعَهَا دَاءٌ. امام علی علیه السلام: با روغن زیتون، بدن را چرب کنید و با آن، خورش بسازید؛ چرا که روغن نیکان و خورش برگزیدگان است، دو بار به پاک‌سوده شده، [و] در آن، پدان هنگام که روی می‌کند و پدان هنگام که پشت می‌کند، برکت نهاده شده است و با وجود آن، هیچ بیماری‌ای زیان نمی‌رساند.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۳۱ / المحاسن، ج ۲، ص ۴۸۴

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۳۴ / وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۹۵ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۸۲ / طب الأئمة عليهم السلام (للشیر)، ص ۱۴۰

۸۱. ر.ک؛ رفرنس شماره ۶۴.

۸۲. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبِ التَّيْسَابُورِيِّ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْمُهْتَدِيِّ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَرْبَعَةٌ يَمُدُّنَ الطَّبَائِعَ الرُّمَانَ السُّورَانِيَّ وَ الْبُشْرَ الْمُطْبُوعِ وَ الْبَنْسُجِ وَ الْهِنْدَبَاءِ. امام صادق (علیه السلام): چهار چیز مزاج و طبایع چهارگانه را معتدل سازد: انار سورانی، خرما نارس پخته و بنفشه و کاسنی.

مصادر اصلی: الخصال، ج ۱، ص ۲۴۹ / روضة الواعظین (قتال نیشابوری)، ج ۲، ص ۳۱۰

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۲۲ / بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۲۱

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَاءَ يَقُولُ: الْهِنْدَبَاءُ شِفَاءٌ مِنَ الْفِءِ دَاءٍ، مَا مِنْ دَاءٍ فِي جَوْفِ ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَمَمَهُ الْهِنْدَبَاءُ.

امام رضا علیه السلام: کاسنی، درمان هزار درد است. هیچ دردی در درون آدمی زاده نیست، مگر این که کاسنی، آن را در هم می‌کوبد.

مصادر اصلی: الکافی ج ۶ ص ۳۶۳ / مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۷۸

منابع دیگر: الوافی ج ۱۹ ص ۴۳۹ / وسائل الشیعة ج ۲۵ ص ۱۸۳ / بحار الأنوار ج ۶۳ ص ۲۰۹

۸۳. ارجاع پژوهشی: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَيْكُمْ بِالزَّيْبِ؛ فَإِنَّهُ يُطْفِئُ الْمِرَّةَ، وَيُسْكِنُ الْبَلْغَمَ...

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد مویز؛ چرا که تلخه را خاموش می‌کند، بلغم را فرو می‌نشاند...

مصادر اصلی: طب النبی صلی الله علیه و آله و سلم، ص ۲۸

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۹۸

۴/۳. پروتکل‌های دسته سوم: پروتکل‌های تقویت قلب

دسته آخر پروتکل‌ها که آخرین بحث بنده است مربوط به پروتکل‌های تقویت قلب می‌باشد که مهم‌ترین نوع پروتکل‌هاست و باید روی آنها تمرکز صورت بگیرد. در اینجا هم بنده هشت پروتکل برای تقویت قلب بحث می‌کنم.

۴/۳/۱. اولین پروتکل تقویت قلب: خوردن تلبنه

در راس اینها استفاده از "تلبنه" است. حال تلبنه چیست؟ قبل از اینکه خود تلبنه را بحث کنیم، روایتی را از امام صادق (علیه‌السلام) را ذکر می‌کنم: «إِنَّ التَّلْبِينَ يَجْلُو الْقَلْبَ الْحَزِينِ كَمَا تَجْلُو الْأَصَابِعُ الْعَرَقَ مِنَ الْجَبِينِ»^{۸۴}. می‌فرماید به همان راحتی که با انگشت عرق پیشانی‌تان را پاک می‌کنید؛ خوردن تلبنه هم به رفع غم و غصه از قلبتان کمک می‌کند. حالا ببینید در خانواده فرزند، همسر، پدر و یا پدر بزرگ به این بیماری مبتلا شده‌اند و نگران هستند. با این خبرهایی هم که الان در صدا و سیما پخش می‌شود فرد با خود می‌گوید الان ممکن است مریض من هم از دست برود و غم و غصه زیاد می‌شود. که در اینصورت بیماری تشدید و تدبیر کاهش پیدا می‌کند و اولین کاری که باید انجام بدهیم این است که این غم و غصه‌ها را از بین ببریم. حالا چرا بنده "تلبنه" را انتخاب کردم؟ (تلبنه یعنی غذا و یا سوپی که در آن شیر وجود دراد بنابراین شیر برنج هم یک نوع تلبنه است. گندم و جو یا سویق اگر با شیر پخته شود هم یک نوع تلبنه است) چرا که در صورت مصرف و بعد از اینکه مثلاً یک کاسه از آن را بخورید خوشحالی همه اعضای خانواده را مشاهده خواهید کرد. خود ما همین هفته پیش و برای چندمین بار خوردن این غذا را تجربه کردیم. بعد از غذا اعضای خانواده ما با هم شوخی می‌کردند و اثر این غذا واقعا تا این حد است. ببینید آقایان! عرض بنده این است که مجموعه پروتکل‌های سازمان بهداشت جهانی منجر به زیاد شدن غم و غصه و حزن و اندوه در کشور شده است. به هر میزانی هم که قلب تضعیف بشود بیماری گسترش پیدا خواهد کرد؛ بنابراین ما باید یک پروتکل‌هایی را بحث کنیم که در نتیجه آن ترس و اندوه و غصه از قلب برود.

۸۴. ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ حُدَيْدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ التَّلْبِينَ يَجْلُو الْقَلْبَ الْحَزِينِ كَمَا تَجْلُو الْأَصَابِعُ الْعَرَقَ مِنَ الْجَبِينِ.

امام صادق علیه السلام: تلبنه، غم را از دل گمگین می‌زداید، همچنان که انگشتان، عرق را از پیشانی کنار می‌زنند.

مصادر اصلي: الكافي ج ۶ ص ۳۲۰ / المحاسن ج ۲ ص ۴۰۵

منابع دیگر: بحارالانوار ج ۶۳ ص ۹۶ / وسائل الشیعة ج ۲۵ ص ۷۱ / الوافي ج ۱۹ ص ۳۵۳

حَدَّثَنَا جَبَّارُ بْنُ مُوسَى، أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ، أَخْبَرَنَا يُونُسُ بْنُ يَزِيدَ، عَنْ عُقَيْلِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ ابْنِ شِهَابٍ، عَنْ عُرْوَةَ، عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: أَنَّهَا كَانَتْ تَأْتُرُ بِالتَّلْبِينِ لِلْمَرِيضِ، وَ لِلْمَحْزُونِ عَلَى الْهَالِكِ. وَ كَانَتْ تَقُولُ: إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِنَّ التَّلْبِينَ نَجْمٌ لِفُؤَادِ الْمَرِيضِ وَ تَدْهَبُ بِغَضِّ الْحُزْنِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تلبنه، قلب بیمار را قوت [و نشاط] می‌بخشد و بخشی از اندوه او را برطرف می‌سازد.

صحيح البخاري، ج ۹، ص ۱۲۳

أَخْبَرَنَا نَصْرُ بْنُ الْفَرَجِ قَالَ: سَأَلَ حَجَّاجٌ قَالَ: سَأَلَ اللَّيْثُ عَنْ عُقَيْلِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ ابْنِ شِهَابٍ عَنْ عُرْوَةَ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «التَّلْبِينَةُ مَجْمَعَةٌ لِفُؤَادِ الْمَرِيضِ تُدْهَبُ بِغَضِّ الْحُزْنِ.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تلبنه، قلب بیمار را قوت [و نشاط] می‌بخشد و بخشی از اندوه او را برطرف می‌سازد.

سنن النسائي، ج ۴، ص ۳۷۲

حَدَّثَنَا عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ شُعَيْبٍ بْنُ اللَّيْثِ بْنِ سَعْدٍ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي. حَدَّثَنِي عُقَيْلُ بْنُ خَالِدٍ عَنْ ابْنِ شِهَابٍ، عَنْ عُرْوَةَ، عَنْ عَائِشَةَ، زَوْجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَنَّهَا كَانَتْ، إِذَا مَاتَ الْمَيِّتُ مِنْ أَهْلِهَا؛ فَاجْتَمَعَ لِذَلِكَ النِّسَاءِ، ثُمَّ تَفَرَّقْنَ إِلَّا أَهْلَهَا وَ حَاصَّتْهَا - أَمَرَتْ بِزَيْمَةٍ مِنْ تَلْبِينَةٍ فَطَبَخَتْ. ثُمَّ صَنَعَتْ فَرِيدًا. فَضَبَّتِ التَّلْبِينَةَ عَلَيْهَا. ثُمَّ قَالَتْ: كُلْنَ مِنْهَا. فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ «التَّلْبِينَةُ مَجْمَعَةٌ لِفُؤَادِ الْمَرِيضِ. تُدْهَبُ بِغَضِّ الْحُزْنِ.»

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تلبنه، قلب بیمار را قوت [و نشاط] می‌بخشد و بخشی از اندوه او را برطرف می‌سازد.

صحيح مسلم، ج ۴، ص ۱۷۳۶

۴/۳/۲. دومین پروتکل تقویت قلب: دعا خواندن توسط خانواده بیمار با تأکید بر دعای هفتم صحیفه سجادیه

دومین پروتکل برای تقویت قلب دعا خواندن به وسیله خانواده بیمار است. دعا را هم حتماً با توجه به معانی آن بخوانید. حتی عرض بنده این است که اگر معنای دعاها را ماثور (یعنی دعاهایی که از ائمه معصومین (علیهم‌السلام) نقل شده است) را نمی‌دانند، با خدا نجوا کنند و همان چیزی را که می‌دانند به خدا بگویند. همین که شروع به نجوای با خدا می‌کنید و درد دل می‌کنید در واقع به یک قدرت لایتناهی رو کرده‌اید. یکی از چیزهایی که قلب را قوی می‌کند این است که آدم تکیه‌گاه داشته باشد. البته اگر کسی سواد عربی دارد و یا می‌تواند ترجمه فارسی را دقیق بخواند بهتر است که همان دعاها را رسیده از اهلیت (علیهم‌السلام) را بخواند. مثلاً اگر مردم همین دعای هفتم صحیفه سجادیه را (که توسط آیه‌الله خامنه‌ای توصیه شده است)^{۸۵} بخوانند؛ عبارت‌های فراوانی در این دعا وجود دارد که قوت قلب ایجاد می‌کند. مثلاً این عبارت را دقت کنید: «یا مَنْ تَسْبَبْتُ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ»؛ حال اگر کسی در معنای این عبارت دقت کند می‌گوید سببیت همه اسباب را خداوند متعال به اسباب عنایت کرده است. مثلاً اگر آب سبب رفع تشنگی است، این را خدای متعال به آب عنایت کرده است و آب از خودش اثر رفع عطش ندارد و در مورد سایر اسباب هم همین طور است. حال اگر کسی در مورد این عبارت دقت و تأمل کند، قوت قلب پیدا می‌کند؛ چون به کسی توجه کرده که می‌تواند همه اسباب را جابه‌جا کند، همه خاصیت‌ها را به اشیاء بدهد. این مهم است که دعا به معنای اتکای به یک قدرت قاهر است و به لحاظ روانشناسی آدم‌ها را آرام می‌کند. به همین دلیل کسانی که بیشتر دعا می‌کنند، آرام‌ترند؛ چون تکیه به قدرت لایتناهی دارند. اگر بنا باشد که ما در این مخصصه‌ها و گرفتاری‌های آخرالزمان و مدرنیته تکیه گاهمان را از دست بدهیم، قلبمان ضعیف خواهد شد و زود از پا در خواهیم آمد! به خاطر دارید که وقتی بحث پروتکل‌های سازمان بهداشت جهانی به آیه‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله تعالی) عرضه شده بود ایشان یک جمله حکیمانه فرموده بودند که: «تدوین پروتکل‌ها را به کسی بسپارید که ارزش دعا را بداند».^{۸۶} من از آقای عین‌اللهی که در زمان یک دولت انقلابی سرکار آمده‌اند خواهش می‌کنم کسانی که در ستاد ملی کرونا اهل دعا نیستند را کنار بگذارند؛ چون این اشخاص نمی‌توانند تقویت قلب برای ما به ارمغان بیاورند و وقتی قلب تقویت نشد مشکل‌های ما ادامه پیدا خواهد کرد.

۴/۳/۳. سومین پروتکل تقویت قلب: استعمال بوی خوش با تأکید بر مالیدن به بالش بیمار

بنده از این به بعد شش پیشنهاد ارائه می‌کنم که منجر به ایجاد شادی می‌شود. دقت بفرمایید وضعیت بیمار مبتلا به کرونا وضعیت ترس است، وضعیت "خوف" و "حزن" است و اگر به سرعت این وضعیت را مدیریت نکنیم همین حالات قلبی بیمار را

۸۵. ارجاع پردازشی: حضرت آیت الله خامنه‌ای (دامت برکاته) پس از کاشت نهال در آستانه روز درختکاری در تاریخ ۱۳/۱۲/۱۳۹۸: «من توصیه می‌کنم دعای هفتم صحیفه سجادیه را که در مفاتیح هم هست این دعا: «یا مَنْ تُحَلُّ بِهٖ عُقْدُ الْمَكَارِهِ وَ یا مَنْ يُفَعَّلُ بِهٖ حُدُّ السُّدَّانِ» این دعا دعای خیلی خوبی است، خوش‌مضمونی است، با توجه به معنا این دعا را بخوانند و با این الفاظ زیبا از خدای متعال بخواهند.»

جهت مشاهده متن کامل جلسه به آدرس اینترنتی زیر مراجعه فرمائید: <https://b2n.ir/498600>

جهت مشاهده دعای هفتم صحیفه سجادیه، ر، ک؛ پیوست شماره ۶.

۸۶. ارجاع پردازشی: حضرت آیت الله خامنه‌ای (دامت برکاته) در ارتباط تصویری با ستاد ملی مبارزه با کرونا در تاریخ ۲۱/۰۲/۱۴۰۰: «من همان طور که گفتم، پیشنهادی ندارم، نظر کارشناسی و بررسی‌شده‌ی ستاد را معتبر میدانم منتها توصیه‌ام این است که بررسی این مورد را به کسانی بدهید که اهمّیت حضور دعا و توسل و مسائل معنوی را به معنای واقعی کلمه درک کرده باشند، اینها بررسی کنند مسئله را و تصمیم‌گیری کنند؛ هر چه تصمیم‌گیری کردند، بر عهده من و همه‌ی مردم است که بر طبق آن تصمیم‌گیری‌ها انشاء‌الله عمل بشود.»

جهت مشاهده متن کامل جلسه به آدرس اینترنتی زیر مراجعه فرمائید: <https://b2n.ir/924947>

از پا در می‌آورد و سیستم ایمنی او را ضعیف می‌کند.^{۸۷} البته نقش قلب بیشتر از سیستم ایمنی است ولی به هر حال اطبای موجود پذیرفته‌اند که اگر قلب تضعیف شد و فرد ترسید، سیستم ایمنی او هم تضعیف خواهد شد. پس این شش پروتکل که شاید مهم‌ترین پروتکل‌های حوزه پیشگیری باشد همه "نُشْرَة" و "شادی" ایجاد می‌کنند. ببینید این پروتکل‌ها چقدر کارآمد است. اگر خانواده‌ها شش اقدام را انجام دهند، موجب ارتقای شادی در سطح خانواده‌های بیمار خواهد شد. محل شادی هم مانند غم و غصه در قلب است. حال این شش پیشنهاد کدام است؟

اولا روایت می‌فرماید: «الطَّيْبُ نُشْرَةٌ»؛^{۸۸} بوی خوش شادی‌آور است. عطرهایی استفاده کنید که شادی خانواده شما را زیاد کند مثل گلاب و گل یاس و بعضی از عطره‌های دیگر. این یک اقدام مهم است. بعضی از دوستان ما به بنده توصیه کردند که من این را حتما بگویم که: اگر بیمار شما در وضعیت غلبه بیماری است با یک عطر ملایمی، متکای زیر سر او را معطر کنید تا وضعیت شادی قلب او افزایش پیدا کند و به تبع قلبش تقویت شود. بنابراین اولین اقدام در بخش افزایش شادی برای خانواده‌های مبتلا به کرونا استفاده از عطره‌های مناسب است.

۸۷. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا أَبِي رَضَوُاُ اللَّهُ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ ابْنِ إِزْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِ عَنْ دُرَيْسِ بْنِ أَبِي مُنْصُورٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ع: وَكَانَ الْمَسِيحُ ع يَقُولُ مَنْ كَثُرَ هَمُّهُ سَقِمَ بَدَنُهُ.

امام صادق (ع) فرمود شوخی مکن تا روشنیت برود و دروغ مگو تا خرمیت برود و از دو خصلت بر کنار باش تنک خلقی و تبلی زیرا اگر خلقت تنک شود بر حق صبر نتوانی و اگر تبلی باشی حقی ادا نکنی. و حضرت مسیح (ع) همیشه می‌فرمود: هر که غمش بسیار است تنش بیمار گردد هر که بد خلق است خود را شکنجه کند، هر که سخن بسیار گوید بسیار در غلط افتد و هر که بسیار گناه کند بهایش برود و هر که با مردان در افتد مروتش برود.

الأمالي (للصدوق)، ص ۵۴۳

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ الْبَقِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع عَنْ اميرالمومنين ع : ... اللَّهُمَّ نِصْفُ الْهَرَمِ....
امیرالمومنین (علیه السلام): حزن و اندوه، نیمی از پیری است.

الخصال، ج ۲، ص ۶۲۰ / من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۱۶ / نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۹۵ / تحف العقول، ص ۱۱۱
سند من لا يحضر: زَوْي صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ زُرَّادَةَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع

الإمام علي عليه السلام: الحزن يهدم الجسد.

امام علی علیه السلام: حزن و اندوه، بدن را نابود می‌کند.

غردالحکم، ص 40

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد "تاثیر فراوان غم و اندوه بر ایجاد بیماری" ر، ک؛ پیوست شماره ۷.

۸۸. ارجاع پژوهشی: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الطَّيْبُ نُشْرَةٌ ...

امام علی علیه السلام: بوی خوش شادمانی می‌آورد...

مصادر اصلي: نهج البلاغه ج ۱ ص ۵۴۶ / عيون الاخبار ج ۲ ص ۴۰

منابع دیگر: وسائل الشيعة ج ۲ ص ۱۴۳ / بحار الانوار ج ۷۳ ص ۳۰۰

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الطَّيْبُ يَشُدُّ الْقَلْبَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی خوش، قلب را تقویت می‌کند.

مصادر اصلي: الكافي، ج ۶، ص ۵۱۰

منابع دیگر: الوافي، ج ۶، ص ۶۹۴ / وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۱۴۳

عَدَّةٌ مِنْ أَضْحَانِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ أَنَا مَعَ أَبِي بَصِيرٍ فَسَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَ هُوَ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنَّ الرِّيحَ الطَّيِّبَةَ تَشُدُّ الْقَلْبَ وَ تَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ.

امام صادق (علیه السلام) از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی خوش، قلب را محکم می‌کند و بر [توان] آمیزش می‌افزاید.

مصادر اصلي: الكافي، ج ۶، ص ۵۱۰ / قرب الإسناد، ص ۱۶۷ / دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶۶

منابع دیگر: الوافي، ج ۶، ص ۶۹۴ / وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۱۴۳

۴/۳/۴. چهارمین پروتکل تقویت قلب: خوردن عسل

مورد دیگر در روایت عسل است که حضرت می فرمایند: «وَالْعَسَلُ نُشْرَةٌ»^{۸۹} چه به عنوان شربت عسل استفاده شود و چه خود غسل را با انگشت بخوریم که در هر صورت به تقویت قلب کمک می کند. بنابراین خود عسل یک پروتکل مستقل است.

مورد بعدی در روایت اسب سواری است: «وَالرُّكُوبُ نُشْرَةٌ»^{۹۰}. حال کسی مریض نیست ولی اگر میتواند اسب سواری کند منجر به افزایش شادی و تقویت قلب او خواهد شد.

۴/۳/۵. پنجمین پروتکل تقویت قلب: نگاه کردن به طبیعت سبز و جنگل ها

عامل شادی آور دیگر نگاه کردن به طبیعت سبز و به جنگل هاست: «وَالنَّظَرُ إِلَى الْخَضِرَةِ نُشْرَةٌ»^{۹۱}. بنابراین اگر شما خانه حیاط دار دارید یا مثلا در خانه ی خودتان گل دارید اینها به افزایش شادی اهل خانه کمک می کند. اگرچه در صورت امکان بهتر این است که به طبیعت بروید.

۴/۳/۶. ششمین پروتکل تقویت قلب: استعمال نوره برای ازاله موهای زائد بدن

مورد دیگر نوره است: «النُّورَةُ نُشْرَةٌ»^{۹۲} پاکسازی بدن از طریق نوره به افزایش شادی کمک می کند. بنابراین در این ایام به خانواده ها پیشنهاد می کنیم که از تیغ برای ازاله موهای زائد بدن استفاده نکنند و به جایش نوره مصرف کنند.

۸۹. ارجاع پژوهشی: قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... وَالْعَسَلُ نُشْرَةٌ...

امام علی علیه السلام: ... و عسل شادمانی می آورد...

مصادر اصلی: نهج البلاغه ج ۱ ص ۵۴۶ / عبون الاخبار ج ۲ ص ۴۰
منابع دیگر: وسائل الشيعة ج ۲ ص ۱۴۳ / بحار الانوار ج ۷۳ ص ۳۰۰

رسول الله صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ يَفْرَحُ بِهِنَّ الْجِسْمُ وَيَرَبُّو: الطَّيِّبُ، وَلِبَاسُ اللَّيْنِ، وَ شُرْبُ الْعَسَلِ .
پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: سه چیز است که تن، به واسطه آنها شاداب می شود و رشد می کند: بوی خوش، جامه نرم و نوشیدن عسل.

مصدر اصلی: طب النبي صلى الله عليه وآله وسلم، ص ۲۵
منابع دیگر: بحار الانوار ج ۵۹ ص ۲۵۹ / مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۴۱۹

۹۰. ارجاع پژوهشی: قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... وَالرُّكُوبُ نُشْرَةٌ...

امام علی علیه السلام: ... و نگاه به سر سبزی شادی می آورد...

مصادر اصلی: نهج البلاغه ج ۱ ص ۵۴۶ / عبون الاخبار ج ۲ ص ۴۰
منابع دیگر: وسائل الشيعة ج ۲ ص ۱۴۳ / بحار الانوار ج ۷۳ ص ۳۰۰

۹۱. ارجاع پژوهشی: قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... وَالنَّظَرُ إِلَى الْخَضِرَةِ نُشْرَةٌ.

امام علی علیه السلام: ... و نگاه به سر سبزی شادی می آورد.

مصادر اصلی: نهج البلاغه ج ۱ ص ۵۴۶ / عبون الاخبار ج ۲ ص ۴۰
منابع دیگر: وسائل الشيعة ج ۲ ص ۱۴۳ / بحار الانوار ج ۷۳ ص ۳۰۰

۹۲. ارجاع پژوهشی: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: النُّورَةُ نُشْرَةٌ وَ طَهْوَرُ لِلْجَسَدِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): نوره باعث ایجاد نشاط و پاکیزگی بدن است.

مصادر اصلی: الكافي، ج ۶، ص ۵۰۶ / نواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۲
سند نواب الاعمال: أَبِي رَدَّ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
الْخَصَال، ج ۲، ص ۶۱۱ (حدیث اربعماد)

سند خصال: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى عَنِ جَدِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنِ جَدِّي عَنِ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
منابع دیگر: الوافي، ج ۶، ص ۶۱۴ / بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۸۹ / وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۶۵

۴/۳/۷. هفتمین پروتکل تقویت قلب: ملاقات کردن برادران دینی

پروتکل بعدی از امام جواد (علیه السلام) که فرمودند: «مَلَاقَةُ الْإِخْوَانِ نُشْرَةٌ»^{۹۳} که با توجه به این حدیث از مسئله نادرست فاصله گذاری اجتماعی فاصله می گیریم. چرا که اگر فاصله گذاری اجتماعی را انجام دادیم، ارتباطمان با برادرانی که دوستان داریم کم می شود و در اینصورت شادی ما کاهش پیدا می کند. انسان وقتی رفیق خودش را می بیند این شادی آفرین است و عرض کردیم انواع شادی های مذکور قلب را تقویت می کند.

پروتکل بعدی روایتی است از یکی از اصحاب که امام صادق (علیه السلام) که می گوید "ذکرنا"، دائماً حضرت ما را متذکر می کردند که: «ذَكَرْنَا الْأَخَذَ مِنَ الشَّارِبِ فَقَالَ نُشْرَةٌ»^{۹۴} کوتاه کردن سبیل ها هم شادی آور است. یعنی اگر در این ایام و به صورت منظم (خصوصاً پنجشنبه ها بعد از نماز ظهر و عصر که بهترین زمان برای اخذ شارب است هرچند روز جمعه هم توصیه شده است)^{۹۵} اینکار را انجام دهید هم موجب شادی تان خواهد شد و هم یک اقدام بهداشتی است. اما در حال حاضر چون وزارت بهداشت غم و حزن را در جامعه گسترش داده است بنده تاکید دارم بر روی کارهایی که به سادگی موجب افزایش شادی در جامعه می شود. و افزایش شادی هم یعنی افزایش تقویت قلب.

۴/۳/۸. هشتمین پروتکل تقویت قلب: خوردن سرکه طبیعی، کشمش و میوه به

آخرین بحثی که بنده دارم این است که اگر کسی میوه "به" یا کشمش مصرف کند؛ اینها به حسن شدن قلب و رفتن ترس از قلب کمک می کند. بنابراین در بخش مواد غذایی مصرف "کشمش" و "زیب" (که نوعی از کشمش است)^{۹۶}، مصرف "سرکه"

۹۳. **ارجاع پژوهشی:** اخبرنا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا الشَّرِيفُ الصَّالِحُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ الْقَاسِمِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ الْعَظِيمِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: «مَلَاقَةُ الْإِخْوَانِ نُشْرَةٌ وَ تَلْفِيحٌ لِلْعَقْلِ وَ إِنْ كَانَ تَزْرًا قَلِيلًا».

امام جواد علیه السلام: ملاقات با برادران، موجب رفع دلنگی و سبب باروری عقل می شود، هر چند اندک و کوتاه باشد.

مصدر اصلی: أمالي طوسي ج ۱ ص ۹۴

منابع دیگر: بحار الانوار ج ۷۱ ص ۳۵۳ / عوالم العلوم ج ۲۳ ص ۴۵۵ / مستدرک الوسائل ج ۸ ص ۳۲۴

رَوَى حَمَّادُ بْنُ عَمْرٍو وَ أَنَسُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ - عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع - عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ لَهُ: يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ فَرَحَاتٌ لِلْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا: لِقَاءُ الْإِخْوَانِ، وَ تَطْيِيزُ الصَّائِمِ، وَ التَّهَجُّدُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! مؤمن در دنیا سه دل خوشی دارد: دیدار برادران، افطاری دادن به روزدار، و تهجد در آخر شب.

مصادر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۶۰ / الخصال، ج ۱، ص ۱۲۵

سند خصال: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرْزَانَ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بَرَقَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

مكارم الأخلاق، ص ۴۳۷ / أعلام الدين (ديلمی)، ص ۱۳۳

منابع دیگر: الوافي، ج ۲۶، ص ۱۷۳ / وسائل الشيعه، ج ۸، ص ۱۵۲ / بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۷۱

۹۴. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ذَكَرْنَا الْأَخَذَ مِنَ الشَّارِبِ فَقَالَ نُشْرَةٌ وَ هُوَ مِنَ السَّنَةِ.

به نقل از ابن فضال، از کسی که نامش را برده است - از کوتاه کردن سبیل یاد کردیم. امام صادق علیه السلام فرمود: «نشاطآور است و جزئی از سنت»

مصدر اصلی: الكافي ج ۶ ص ۴۷۸

منابع دیگر: الوافي ج ۶ ص ۶۶۰ / وسائل الشيعه ج ۲ ص ۱۱۴

۹۵. **ارجاع پژوهشی:** عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَلْفِيحُ الْأَطْفَانِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يُؤْمِنُ مِنَ الْجُدَامِ وَ الْبَرَصِ وَ الْعَمَى.

امام صادق (علیه السلام): کوتاه کردن ناخن ها در روز جمعه امان از جذام و برص (پسیسی) و کوری است.

مصادر اصلی: الكافي، ج ۶، ص ۴۹۰ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۳

سند ثواب الاعمال: وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَمِيرَةَ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۶ (مرسلا) / الدعوات (للراوندي)، ص ۷۹ (مرسلا) / جامع الأخبار (لشعيري)، ص ۱۲۱ (مرسلا)

منابع دیگر: وسائل الشيعه، ج ۷، ص ۳۵۵ (نقلا عن من لا يحضره) / بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۳۴۵

۹۶. **ارجاع پژوهشی:** وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ (الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيِّ فِي الْأَمَالِي عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَقَّارِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَلِيٍّ أَخِي عَلِيٍّ عَنِ الرَّضَا عَنْ

أَبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ الرِّيبَ يَشُدُّ الْقَلْبَ، وَ يَذْهَبُ بِالْمَرَضِ، وَ يُطْفِئُ الْخَرَاةَ، وَ يُطَيِّبُ النَّفْسَ.

٩٧ و مصرف "په" را اگر افزایش بدهیم، هر کدام به نوعی تاثیر مثبت بر قلب خواهد گذاشت و منجر به تقویت قلب خواهد شد.

امام علی علیه السلام: **مویز، قلب را استحکام می بخشد، بیماری را می برد، حرارت را خاموش می سازد و دل را خوشی می دهد.**

مصادر اصلی: الامالی (للطوسي)، ص ٣٦٢ / مکارم الاخلاق، ص ١٧٥

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ٢٥، ص ٣٢ / بحار الأنوار، ج ٦٣، ص ١٥٢

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: **عَلَيْكُمْ بِالزَّيْبِ؛ فَإِنَّهُ يُطْفِئُ الْمِرَّةَ، وَيُسَكِّنُ التَّلْغَمَ، وَيَشُدُّ الْعَصَبَ، وَيَذْهَبُ النَّصَبَ، وَيُحَسِّنُ الْقَلْبَ.**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد مویز؛ چرا که تلخه را خاموش می کند، بلغم را فرو می نشاند، پی را استحکام می بخشد، خستگی را می برد و قلب را نیکو می سازد.

مصادر اصلی: طب النبی صلی الله علیه و آله و سلم، ص ٢٨

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ٥٩، ص ٢٩٨

حَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ بَكْرِ الْخُوَزِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ الطَّائِي؛ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: **عَلَيْكُمْ بِالزَّيْبِ فَإِنَّهُ يَكْثِفُ الْمِرَّةَ وَيَذْهَبُ بِالتَّلْغَمِ وَيَشُدُّ الْعَصَبَ وَيَذْهَبُ بِالإِغْيَاءِ وَيُحَسِّنُ الْخُلُقَ وَيُطَيِّبُ النَّفْسَ وَيَذْهَبُ بِالعَمِّ.**

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد مویز؛ چرا که تلخه را می زدايد، بلغم را می برد، پی را استحکام می بخشد، رنجیدگی را از میان برمی دارد، خلق و خو را خوش می سازد، دل را پاک می کند و اندوه را می برد.

مصادر اصلی: الخصال، ج ٢، ص ٣٤٤

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ٦٣، ص ١٥١ / وسائل الشیعة، ج ٢٥، ص ١٥٢

٩٧. **ارجاع پژوهشی:** علی؛ بَنْ إِبْرَاهِيمَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: نَعْمَ الإِدَامُ الْعَلُّ؛ يَكْسِرُ الْمِرَّةَ وَيُطْفِئُ الصَّفْرَاءَ وَيُخَيِّ الْقَلْبَ.

امام علی علیه السلام: سرکه، نیکو خورشتی است؛ تلخه را می شکند، صفرا را فرو می نشاند و قلب را زنده می کند.

مصادر اصلی: الکافی، ج ٦، ص ٣٣٠

منابع دیگر: الوافی، ج ١٩، ص ٣٢٥

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْأَصَمِّ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: نَعْمَ الإِدَامُ الْعَلُّ يَكْسِرُ الْمِرَّةَ وَيُخَيِّ الْقَلْبَ. امام علی علیه السلام: سرکه، نیکو خورشتی است؛ تلخه را می شکند و قلب را زنده می کند.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ٢، ص ٤٨٦ / مکارم الاخلاق، ص ١٩٠

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ٢٥، ص ٩٢ / بحار الأنوار، ج ٦٣، ص ٣٠٥

و عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ص أَنَّهُ قَالَ: **الْعَلُّ يُسَكِّنُ الْمِرَّةَ وَيُخَيِّ الْقُلُوبَ.**

امام صادق (علیه السلام): سرکه تلخه را ساکن می کند و قلب را زنده می گرداند.

مصادر اصلی: دعائم الإسلام، ج ٢، ص ١١٢

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ٦٣، ص ٣٠٤ / مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ٣٦٣

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنِ ابْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ رِفَاعَةَ وَ أَحْمَدَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: **الْعَلُّ يَمُتُّ الْقَلْبَ.**

امام صادق (علیه السلام): سرکه باعث شادمانی قلب است.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ٢، ص: ٤٨٧

٩٨. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: **أَكْلُ السُّقْرَجِلِ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ الضَّعِيفِ وَيُطَيِّبُ الْمَعْدَةَ وَيُذَكِّي الْفُؤَادَ وَيُسَجِّعُ الْجَبَانَ.**

امیرالمؤمنین (علیه السلام): خوردن په، نیروی قلب ضعیف است، معده را پاک می سازد، دل را نشاط می دهد و ترسو را شجاعت می بخشد.

مصادر اصلی: الکافی، ج ٦، ص ٣٥٧ / المحاسن، ج ٢، ص ٥٥٠

سند محاسن: عَنْهُ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ٦٣، ص ١٧٠ / وسائل الشیعة، ج ٢٥، ص ١٦٥ / الوافی، ج ١٩، ص ٣٩٩

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ إِسْمَاعِيلِ بْنِ بَرِيعٍ عَنْ عَمِّهِ حَمْرَةَ بْنِ بَرِيعٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِجَعْفَرٍ: **يَا جَعْفَرُ! كُلِ السُّقْرَجِلَ فَإِنَّهُ يَقْوِي الْقَلْبَ وَيُسَجِّعُ الْجَبَانَ.**

امام کاظم علیه السلام: پیامبر خدا، به جعفر بن ابی طالب فرمود: «ای جعفر! په بخور، که قلب را قوت می دهد و ترسو را شجاعت می بخشد».

مصادر اصلی: الکافی، ج ٦، ص ٣٥٧ / المحاسن، ج ٢، ص ٥٤٩

سند اول محاسن: عَنْهُ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَيِّدَانَ أَوْ غَيْرِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ بَرِيعٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ

سند دوم محاسن: وَ زَوَاهُ أَبُو شَمِئَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَسَدِيِّ عَنْ زَجَلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ٦٣، ص ١٧٠ / الوافی، ج ١٩، ص ٤٠٠ / وسائل الشیعة، ج ٢٥، ص ١٦٥

عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ شُعَيْبِ الْعَقْرُقُوفِيِّ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: **أَكْلُ السُّقْرَجِلِ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ وَ ذِكَاةٌ لِلْفُؤَادِ وَيُسَجِّعُ الْجَبَانَ.**

امام صادق (علیه السلام): خوردن په باعث قوت قلب و پاکی دل است و ترسو را شجاع می کند.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ٢، ص ٥٥٠

بنابراین پروتکل‌های بخش تقویت قلب بیشتر پروتکل‌های پیشگیری هستند که بنده بخاطر وضعیت موجود شش عدد از آنها را روی شادی پیشنهاد دادم.^{۹۹} البته می‌توان پروتکل‌های دیگری برای تقویت قلب بحث کرد؛ ولی "تقویت قلب" - ناظر به شرایط امروز و از پایگاه اقدامات ساده شادی آفرین - اولویت دارد. بخشی از پروتکل‌ها نیز مانند "تلبینه" که از نوع پروتکل‌های غذایی بود و در مورد "دعا" هم مسائلی عنوان شد.

در مجموع؛ بنده ۲۴ پروتکل را پیشنهاد دادم: هشت مورد برای پاکسازی مجاری و خارج کردن اخلاط، هشت پروتکل برای تعدیل طبع و هشت مورد هم برای تقویت قلب. ویژگی عمده این پروتکل‌ها این بود که هزینه جدیدی بر خانواده‌ها تحمیل نمی‌کند؛ اگرچه دوستان طیب ما راه‌حل‌های تکمیلی دیگری هم دارند که قابل مطالعه و استفاده است.

بنابراین بحث بنده تمام شد. ما مجموعاً سه سرفصل بحثی در تعریف کرونا بیان کردیم: اشکال به روش تحقیق در مطالعه کرونا، اصول عام تحلیل بیماری کرونا و النهایه تعریف بیماری کرونا. سه سرفصل دوم هم عبارت بود از: معرفی پروتکل‌های درمان بیماری کرونا، معرفی پروتکل‌های تعدیل‌کننده طبايع و معرفی پروتکل‌های تقویت‌کننده قلب.

جمله‌ای هم در خاتمه عراضم بگویم و از همه ی دوستان خودم تقاضا دارم که به این مسئله توجه کنند و آن این که: محور ما در درگیری با "مدرنیت"، با "سازمان ملل" و با "اسناد بین‌المللی" فعلاً و با قید اولویت، بخش سلامت است؛ ولی حوزه‌هایی مثل: "آموزش و پرورش"، "ساخت مسکن"، "مسئله مهم "پول‌طلا" و عبور از "پول اعتباری"، عبور از "مدیریت شهری مبتنی بر مکتب نوشهرگرایی" و دیگر حوزه‌ها نیز دارای اولویت‌اند. به عبارت دیگر: نباید این اشتباه را مرتکب شویم که چهل سال بعد از انقلاب اسلامی فقط به محوریت مسئله سلامت تمدن مدرنیت را به چالش بکشیم. طبق گزارشی که در فروردین ماه امسال منتشر کردیم لااقل در دوازده حوزه دارای اولویت نیازمند سازماندهی هستیم^{۱۰۰} و باید مفاهیم جدید را مقابل مفاهیم تمدن

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۶۸ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۰

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عُبَيْدٍ اللَّهُ عَنْ عَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي سَبَاطٍ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ: السَّفَرُ جَلُّ يَدْهَبُ بِهِمُ الْخَزِينِ كَمَا تَذْهَبُ أَيْدِي بَعْرِقِ الْجَبِينِ.

امام صادق علیه السلام: پنه، غم فرد اندوهگین را برطرف می‌کند، آن چنان که دست، عرق از پیشانی برطرف می‌کند.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۵۸

منابع دیگر: المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۰

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ عَدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي سَبَاطٍ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ

۹۹. ارجاع پژوهشی: جهت مشاهده مصادیق بیشتر "عوامل شادی آفرین" در آیات و روایات ر، ک؛ پیوست شماره ۸.

۱۰۰. ارجاع پژوهشی: چهار نکته درباره اولویت های ۱۲ گانه تمدنی:

نکته اول: در مباحث الگوی پیشرفت اسلامی به دنبال تنظیم صحیح روابط انسانی در حوزه‌های سیزده‌گانه هستیم و پایه‌های اصلی روابط انسانی در همه زمان‌ها و مکان‌ها شامل ۱۳ حوزه ۱- رابطه فرد با امام و مسئول، ۲- رابطه فرد با معلم، ۳- رابطه فرد با خانواده، ۴- رابطه فرد با همسایه، ۵- رابطه فرد با دوست، ۶- رابطه فرد با شریک شغلی، ۷- رابطه فرد با طرف معامله، ۸- رابطه فرد با دشمن، ۹- رابطه فرد با همسفر، ۱۰- رابطه فرد با فقیر، ۱۱- رابطه فرد با یتیم، ۱۲- رابطه فرد با ابن سبیل و ۱۳- رابطه فرد با مهمان است.

نکته دوم: در بسته اولویت‌های تمدنی، در واقع اولویت‌های حوزه برنامه‌ریزی برای تنظیم صحیح روابط انسانی را طرح کرده‌ایم. به عبارت بهتر پیشنهاد داده‌ایم که در ۱۲ حوزه مهم ۱- مسکن، ۲- مدیریت شهری، ۳- سلامت، ۴- آموزش و پرورش، ۵- محرومیت‌زدایی، ۶- مدیریت راهبردی، ۷- مواجهه با اسناد بین‌المللی، ۸- تجارت کشور، ۹- تنظیم و انتشار خبر، ۱۰- تقنین، ۱۱- برنامه و بودجه و ۱۲- امنیت؛ تغییر هویت در برنامه‌ریزی ایجاد شود. نتیجه تغییر هویت در حوزه‌های ۱۲ گانه فوق‌الذکر: بهبود روابط انسانی است.

نکته سوم: اولویت‌های تمدنی ۱۲ گانه شامل ۴۰۰ اقدام اجرایی است و کمک می‌کند تا فضای اجرایی کشور، ارتباط بهتری با تمدن‌سازی و الگوی پیشرفت اسلامی برقرار کند. همچنین فضای کلی این بسته فکری در مواجهه با ۱۷ بخش سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ و ۱۶۹ هدف فرعی آن تلقی و تعریف می‌شود.

و نکته آخر: برای تحقق و اجرای اولویت‌های تمدنی ۱۲ گانه، سه استراتژی پیشنهاد شده است؛ در استراتژی اول؛ باز تعریف ۱۵ قانون مادر مجلس شورای اسلامی بر اساس این اولویت‌ها مفید است. به عنوان مثال معتقدیم: قانون تجارت کشور - به دلیل اینکه زمینه عمومی شدن تجارت را فراهم نمی‌آورد- نیازمند تحول است!

مدرنیته مطرح کنیم که البته در شرایط فعلی، بخش سلامت و تدوین پروتکل‌های مدیریت کرونا اولویت دارد. از همه دوستان تشکر می‌کنم، بعضی از دوستان حاضر در جلسه، اساتید بنده هستند و از اینکه بنده را تحمّل کردید از همه شما تشکر می‌کنم. ان شاء الله در آینده جلسات بیشتری را در مورد اختلافات تمدنی مان با مدرنیته برگزار خواهیم کرد.

والحمدلله رب العالمین

پیوست‌ها:

پیوست شماره ۱: گزارش سرپرست مرکز مدیریت آمار و فناوری اطلاعات وزارت بهداشت از آمار عوارض و مرگ‌ومیر افراد واکسینه‌شده در ایران

فوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مرکز مدیریت آمار و فناوری اطلاعات
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

شماره: ۵/۱۱۰/۵۵۲

تاریخ: ۱۴۰۰/۰۵/۲۴

پیوست: ندارد

تولید: پشتیبانی‌ها، مانع زدایی‌ها
مقام معظم رهبری

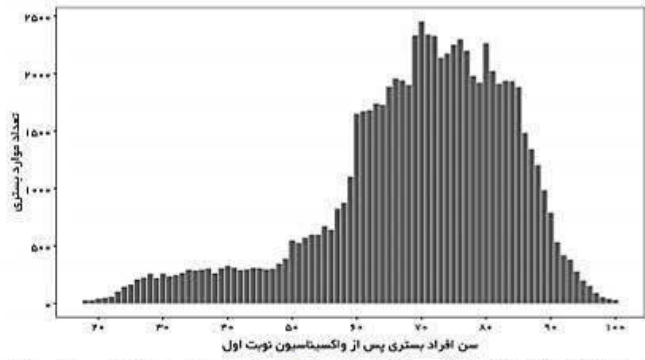
جناب آقای دکتر سعید نمکی

وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

با سلام و احترام

از آنجا که تجمیع و تحلیل اطلاعات ابتلا و واکسیناسیون کرونا از جمله وظایف این مرکز بوده‌است توجه جنابعالی را به تحلیل انجام شده ذیل جلب می‌نماید.

تاکنون ۹۱۲۱۰ نفر از افرادی که نوبت اول واکسن کووید ۱۹ دریافت کرده‌اند با علائم مشکوک به کرونا به بیمارستان مراجعه کرده‌اند که از این بین ۱۵۳۲۴ نفر بستری موقت و ۷۵۸۸۶ نفر بستری عادی شده‌اند. نمودار ذیل، توزیع سن بستری‌شدگان پس از دریافت نوبت اول واکسیناسیون را نشان می‌دهد.



همچنین نمودار ذیل، فاصله‌ی زمانی بین دریافت واکسن نوبت اول و شروع بستری عادی را نشان می‌دهد. توجه فرمایید این نمودار شامل مواردی که نوبت دوم واکسن را هم دریافت کرده‌اند می‌باشد و لذا فاصله‌ی زمانی ذکر شده، صرفاً مدت زمان بین تزریق نوبت اول و بستری شدن بر اساس روز است.

فوری

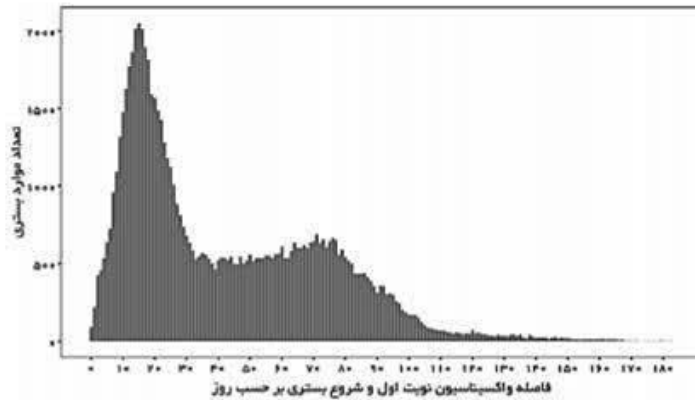
بسترتهالی



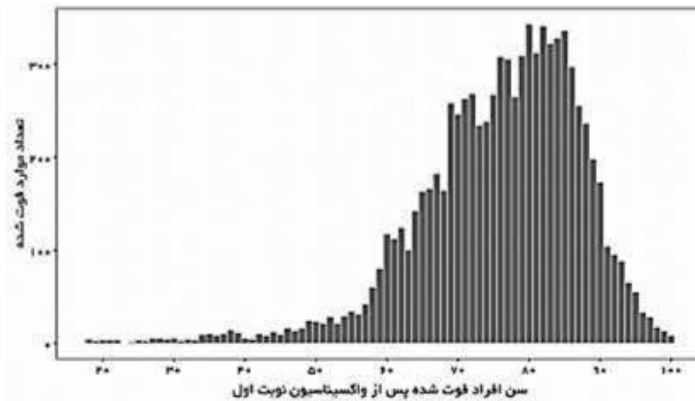
مرکز مدیریت آمار و فناوری اطلاعات
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

شماره: ۱۱۰/۵۵۲/د
تاریخ: ۱۴۰۰/۰۵/۲۴
پوست: ندارد

تولید: پشتیبانی‌ها، منابع زنجیره‌ها
مقام معظم رهبری



متاسفانه از بین بستری‌شدگان، ۸۵۵۲ نفر فوت شده‌اند که از بین آن‌ها نتیجه تست کرونا ۵۰۹۸ نفر مثبت و ۲۱۵۶ نفر منفی بوده‌است و در مورد ۱۲۹۸ نفر باقیمانده تست انجام نشده یا نتیجه آن ثبت نشده است. دو نمودار ذیل، توزیع سن و فاصله‌ی زمانی بین تزریق واکسن نوبت اول و بستری منجر به فوت این افراد را نشان می‌دهد. مجدداً تأکید می‌شود نمودارهای ذیل شامل افرادی که نوبت دوم واکسن را هم دریافت و فوت شده‌اند می‌شود.



شهرک قدس، خیابان سیمای ایران، بین فلامک و زرافشان، ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بلوک ۸، طبقه پنجم
تلفن: ۰۲-۸۱۴۵۳۶۰۱ شماره: ۰۳-۸۱۴۵۶۵۰۳ نشانی اینترنتی: <http://it.behdasht.gov.ir> نشانی پست الکترونیکی: it@behdasht.gov.ir

فوری

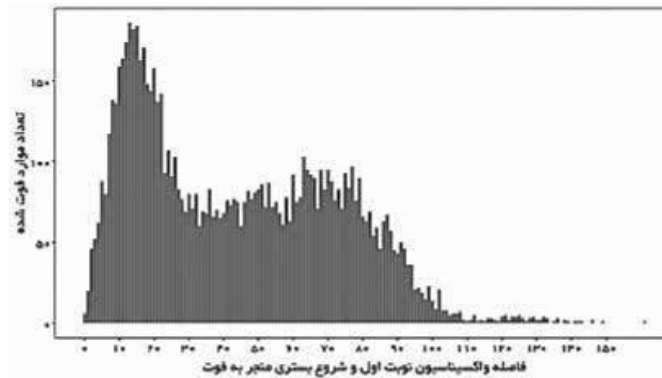
بسترمانی

شماره: ۱۱۰/۵۵۲/د
 تاریخ: ۱۴۰۰/۰۵/۲۴
 پست: ندارد

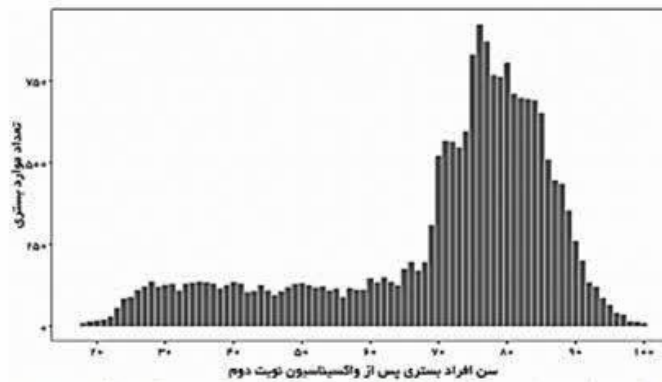
تولید، پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها
 مقام معظم رهبری



مرکز مدیریت آمادگی‌های بهداشتی
 وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی



اگر نتایج فوق را محدود به افرادی کنیم که نوبت دوم واکسن را دریافت نموده‌اند، از بین ایشان تاکنون ۲۳۳۸۰ نفر با علائم مشکوک به کرونا به بیمارستان مراجعه کرده‌اند که از بین ایشان ۳۰۵۶ نفر بستری موقت و ۲۰۳۲۴ نفر بستری عادی شده‌اند. نمودار ذیل، توزیع سن افرادی که پس از دریافت واکسن نوبت دوم بستری شده‌اند را نمایش می‌دهد.



لازم به ذکر است تاریخ شروع بستری ۱۶۷۸۴ نفر حداقل دو هفته پس از دریافت نوبت دوم واکسن (Breakthrough Hospitalizations) بوده‌است. با در نظر گرفتن جمعیت ۲۷۴۹۳۵۶ نفری که تا زمان انجام تحلیل، حداقل دو هفته از دریافت نوبت دوم آن‌ها گذشته است، نرخ تشدید علائم و بستری افراد کاملاً

شهرک قدس، خیابان سیمای ایران، بین فلامک و زرافشان، ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بلوک ۸، طبقه پنجم
 تلفن: ۰۲-۸۱۴۵۴۶۰۱ شماره: ۸۱۴۵۶۵۰۲ نشانی اینترنتی: <http://it.behdasht.gov.ir> نشانی پست الکترونیکی: it@behdasht.gov.ir

فوری

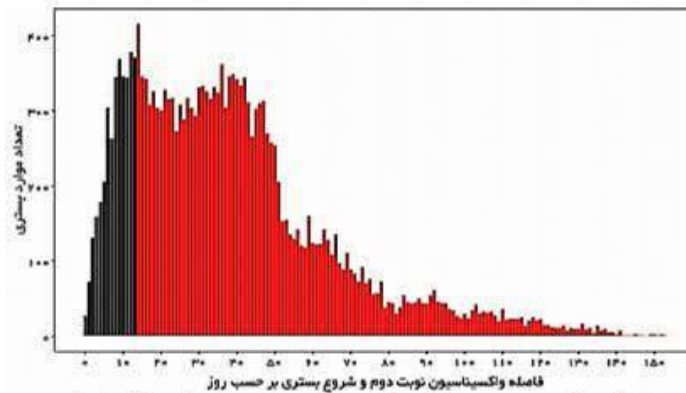
بهرتعالی



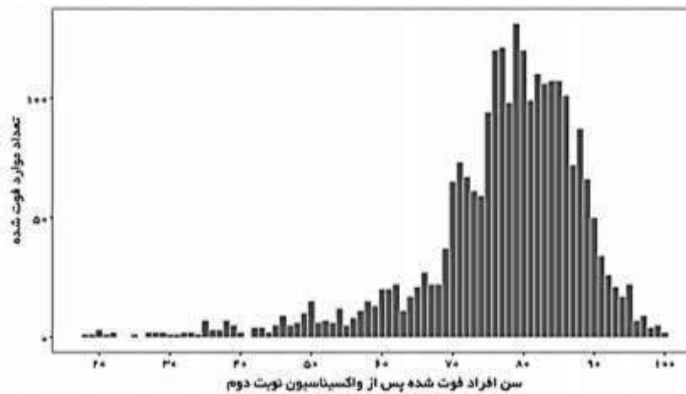
مرکز مدیریت آمار و فناوری اطلاعات
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

شماره : ۱۱۰/۵۵۲/د
تاریخ : ۱۴۰۰/۰۵/۲۴
پیوست : ندارد
تولید، پشتیبانی، مانتع زحایبها
مقام معظم رهبری

واکسینه شده، ۶۱۰۴ نفر در هر یک میلیون نفر بوده است. این شاخص نسبت به آمارهای اعلام شده از سوی برخی کشورها به مراتب بالاتر به نظر می‌رسد. در نمودار ذیل فاصله‌ی زمانی بین دریافت واکسن نوبت دوم و تاریخ شروع بستری نمایش داده شده است، ضمن آن‌که موارد Breakthrough Hospitalization با رنگ قرمز مشخص شده‌اند.



از این دریافت کنندگان نوبت دوم واکسن که بستری شده‌اند، متأسفانه ۲۴۹۰ نفر فوت شده‌اند که از بین آن‌ها نتیجه تست کرونای ۱۴۱۱ نفر مثبت، ۶۸۲ نفر منفی و ۳۹۷ نفر نامشخص یا ثبت نشده است. نمودار ذیل، توزیع سن این افراد را نمایش می‌دهد.



شهرک قدس، خیابان سیماي ایران، بین فلامک و زرافشان، ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بلوک ۸، طبقه پنجم
تلفن: ۸۱۴۵۳۶۰۱-۲ نمابر: ۸۱۴۵۶۵۰۳ نشانی اینترنتی: <http://it.behdasht.gov.ir> نشانی پست الکترونیکی: it@behdasht.gov.ir

فوری

بسترتهالی

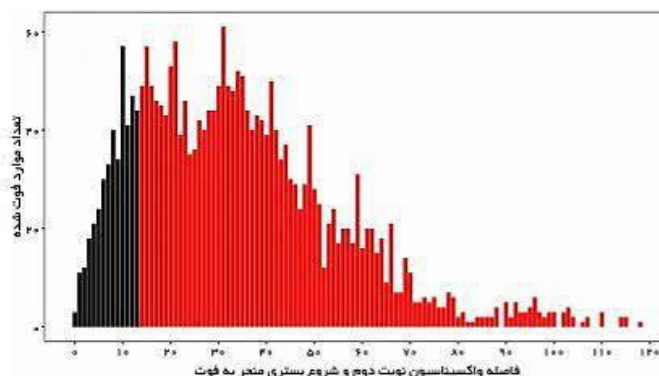


مرکز مدیریت آمادگی و پاسخ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

شماره: ۱۱۰/۵۵۲/د
تاریخ: ۱۴۰۰/۰۵/۲۴
پوست: ندارد

تولید، پشتیبانی‌ها، مانع زدایی‌ها
مقام معظم رهبری

بسیار حایز اهمیت است که ۲۰۷۲ نفر از افرادی که تاریخ شروع بستری آن‌ها حداقل دو هفته پس از دریافت نوبت دوم واکسن بوده‌اند این در حالی است که بر طبق مطالعات بین‌المللی ادعا می‌شود احتمال تشدید بیماری و مرگ افراد دو هفته پس از دریافت نوبت دوم واکسن (Breakthrough Deaths) بسیار ناچیز است. از میان فوت‌شدگان فوق، نتیجه تست ۱۱۸۳ نفر مثبت، ۵۴۲ نفر منفی و ۳۴۷ نفر نامشخص بوده است. با در نظر گرفتن احتمال خطای منفی کاذب تست کرونا و وجود افرادی که به هر علت خارج از بیمارستان فوت کرده‌اند، آمار افرادی که دو هفته پس از دریافت نوبت دوم واکسن مبتلا شده و سپس با تشدید علائم فوت شده‌اند حتماً بیش از این خواهد بود. در نمودار ذیل فاصله‌ی زمانی بین دریافت واکسن نوبت دوم و تاریخ شروع بستری منجر به فوت نمایش داده شده است، ضمن آن‌که موارد Breakthrough Death با رنگ قرمز مشخص شده‌اند.



فاصله واکسیناسیون نوبت دوم و شروع بستری منجر به فوت

با در نظر گرفتن جمعیت ۲۷۴۹۳۵۶ نفری که تا آن زمان حداقل دو هفته از دریافت نوبت دوم آن‌ها گذشته است، نرخ فوت افرادی که بیش از دو هفته از نوبت دوم واکسن آن‌ها گذشته است ۷۵۳ نفر در هر یک میلیون نفر بوده است. شاخص Breakthrough Deaths اعلام شده در برخی کشورها کمتر از ۱۰ نفر در هر یک میلیون نفر جمعیت است. گرچه تحلیل‌های لازم به تفکیک برند واکسن قابل انجام و ارائه است اما باید به این نکات ضروری ذیل توجه داشت:

شهرک قدس، خیابان سیمای ایران، بین قلامک و زرافشان، ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بلوک ۸، طبقه پنجم
تلفن: ۸۱۴۵۳۶۰۱-۲ شماره: ۸۱۴۵۶۵۰۳ نشانی اینترنتی: <http://it.behdasht.gov.ir> نشانی پست الکترونیکی: it@behdasht.gov.ir

فوری

بسمتعالی



مرکز شکیبیت آبروفوقی بهداشت
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

شماره: ۱۱۰/۵۵۲/د

تاریخ: ۱۴۰۰/۰۵/۲۴

پیوست: ندارد

تولید، پشتیبانی‌ها، مانع زدایی‌ها
مقام معظم رهبری

۱. به دلیل ورود یا تولید برندهای مختلف واکسن در مقاطع زمانی متفاوت، گروه‌های سنی، شغلی یا بیماری زمینه‌ای متفاوتی از هر برند واکسینه شده‌اند.
 ۲. متوسط مدت زمان سپری شده از تزریق نوبت‌های مختلف هر برند بسیار متفاوت است.
 ۳. خیز پنجم با موج مبتلایان کرونای دلنا در مقطع زمانی اتفاق افتاد که از نوبت اول یا دوم بعضی برندها چند هفته می‌گذرد در حالی که بعضی برندهای دیگر همچنان در حال تزریق هستند.
- علاوه بر موارد فوق باید توجه داشت که شاخص‌های بالا در طول زمان در کشور ما و سایر کشورها در حال تغییر و تحول هستند. مثلا تقدم و تاخر ورود ویروس دلنا به کشورها و میزان کارایی هر نوع واکسن در برابر آن می‌تواند بر نتایج اثرگذار باشد. لذا باید تحلیل‌های تفکیکی بر اساس نوع برند و مقایسه عملکرد برندهای مختلف و همچنین مقایسه شاخص‌های کشور با سایر کشورها را با حساسیت و توجه بسیار بالایی انجام داد تا دقت و اعتبار نتایج به لحاظ روش علمی و اصول اپیدمیولوژی و آمار مخدوش نگردد.
- با عنایت به مراتب فوق درخواست می‌شود دستور فرمایند موضوع با قید فوریت در مراجع ذیربط از جمله کمیته علمی کشوری کرونا مورد بررسی دقیق قرار بگیرد. اطلاع‌رسانی مناسب به عموم مردم از جدی بودن احتمال بستری و فوت پس از دریافت واکسن می‌تواند از کاهش سطح مراقبت‌های بهداشتی پس از دریافت واکسن جلوگیری کند. همچنین، پیشنهاد می‌شود نتایج تحلیل در دستور کار ستاد ملی کرونا قرار گیرد تا در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های ذیربط از جمله منابع تامین واکسن، تعیین سطح مراقبت‌های بهداشتی پس از افزایش درصد واکسیناسیون و سایر موارد ذی‌ربط مورد توجه قرار گیرد.
- این مرکز آمادگی دارد تحلیل‌های تکمیلی را بر اساس درخواست کمیته علمی، دانشگاه‌های علوم پزشکی و محققان سراسر کشور ارائه دهد. همچنین به دلیل اهمیت موضوع، این مرکز آماده است در صورت موافقت ستاد ملی کرونا، کل داده‌های بستری، واکسیناسیون و مرگ ناشی از کرونا را به صورت بی‌هویت‌شده در اختیار مراجع علمی و پژوهشی سراسر کشور قرار دهد.

دکتر علی شریفی راجی
سرپرست مرکز مدیریت
آمار و فناوری اطلاعات

شهرک قدس، خیابان سیمای ایران، بین فلامک و زرافشان، ستاد مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بلوک ۸، طبقه پنجم
تلفن: ۰۲-۸۱۴۵۳۶۰۱ نمابر: ۰۳-۸۱۴۵۶۵۰۳ نشانی اینترنتی: <http://it.behdasht.gov.ir> نشانی پست الکترونیکی: it@behdasht.gov.ir

پیوست شماره ۲: گزارشات سازمان بهداشت جهانی پیرامون عوارض دارویی (ADR)

ADR (Adverse Drug Reaction) یا همان عوارض ناخواسته دارویی به گزارشات عوارض دارویی گفته می‌شود که در کشور ما این گزارشات به صورت پیاپی انتشار می‌یابد.

در این باره مطلبی از پایگاه رسمی سازمان غذا و داروی ایران می‌خوانیم:

گروه ثبت و گزارش ایمنی و عوارض ناخواسته فرآورده های سلامت (ADR)، به عنوان تنها مرکز ملی در سطح کشور به جمع‌آوری، بررسی و ثبت گزارش‌های عوارض دارویی و اشتباهات داروپزشکی مشاهده شده توسط جامعه محترم پزشکی می‌پردازد. این مجموعه از سال ۱۳۷۷، تحت عنوان "مرکز ثبت و بررسی عوارض ناخواسته داروها" به عنوان عضو کامل سازمان جهانی بهداشت در برنامه بین‌المللی پایش فرآورده های دارویی پذیرفته شده است و از آن زمان تاکنون با سازمان مذکور و سایر کشورهای عضو به تبادل اطلاعات در زمینه عوارض دارویی و اشتباهات داروپزشکی می‌پردازد. هدف از بررسی عوارض دارویی و اشتباهات داروپزشکی دریافت شده، کاهش مرگ و میر ناشی از عوارض دارویی و اشتباهات داروپزشکی و پیشگیری از وقوع آنها می‌باشد. در بهمن ماه سال ۱۳۸۵، دستورالعمل ثبت عوارض و خطاهای دارویی از سوی معاونت محترم غذا و دارو با تأیید وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به کلیه دانشگاه‌های علوم پزشکی و مراکز بهداشتی درمانی دولتی و خصوصی سراسر کشور ابلاغ گردید و کلیه مراکز ذیربط ملزم به گزارش عوارض و اشتباهات داروپزشکی مشاهده شده به این گروه گردیدند. هم‌چنین در سال ۱۳۸۴ بنابر رای کمیسیون قانونی ساخت و ورود داروها، شرکت‌های داروسازی موظف به ارسال گزارش‌های مربوط به ایمنی فرآورده‌های خود به گروه ADR شده اند که این مطلب مجدداً در ماده ۱۰ دستورالعمل فوق‌الذکر مورد تأکید قرار گرفته است. در سال ۱۳۹۶، بدلیل اهمیت توجه به ایمنی مصرف سایر فرآورده‌های سلامت به غیر از دارو و با هدف ارتقاء سیستم پایش تجویز و مصرف سایر فرآورده‌های سلامت در کنار فرآورده‌های دارویی، نام این مجموعه به "گروه ثبت و گزارش ایمنی و عوارض ناخواسته فرآورده های سلامت" تغییر یافته است.

آدرس مطلب در پایگاه رسمی سازمان غذا و داروی ایران: yon.ir/B6oA8

و همچنین صفحه اختصاصی ADR در پایگاه رسمی WHO:

yon.ir/izegD

و سایت نظارت بین‌المللی دارو (وابسته به WHO) که به صورت دوره‌ای گزارشاتی مبنی بر امنیت و سلامت دارو تحت عنوان Uppsala Reports منتشر می‌کند:

who-umc.org

برای مشاهده برخی از گزارش‌های ADR در ایران می‌توان به این آدرس رجوع کرد:

yon.ir/DvHdNm

برای مشاهده گزارش‌های ADR در کشورهای اروپایی به این آدرس رجوع کنید:

adrreports.eu/en

ICD (International Statistical Classification of Diseases and Related Health Problems) یا همان طبقه‌بندی بین‌المللی آماری بیماری‌ها و مشکلات تندرستی مرتبط از دیگر بخش‌های سازمان بهداشت جهانی (WHO) است که به صورت دوره‌ای بازننگری و انتشار می‌یابد. در بخشی از ICD به موضوع مضرات دارویی Adverse Drug پرداخته می‌شود به عنوان مثال می‌توان به این نمونه رجوع کرد:

پایگاه رسمی WHO: yon.ir/ySebp

مشاهده تمام ICDها در پایگاه رسمی WHO: who.int/classifications/en

پیوست شماره ۳: روایاتی در مورد اینکه «اهلبیت (علیهم السلام) شارحان وحی اند»

حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ حَدَّثَنِي ثَابِتُ الثَّمَالِيُّ عَنْ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ حُجَّتِهِ حِجَابٌ فَلَا لِلَّهِ دُونَ حُجَّتِهِ سِتْرٌ نَحْنُ أَبْوَابُ اللَّهِ وَنَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَنَحْنُ عَيْبَةُ عِلْمِهِ وَنَحْنُ تَرَاجِمُهُ وَحِيهِ وَنَحْنُ أَرْكَانُ تَوْحِيدِهِ وَنَحْنُ مَوْضِعُ سِرِّهِ.

امام زین العابدین علیه السلام: ما، درهای خدایم، ما راه راستیم، ما ظرف علم اویم، ما ترجمان (بازگوکننده) وحی اویم، ما پایه‌های توحید اویم، ما جایگاه راز اویم.

مصدر اصلی: معانی الأخبار، ص ۳۵

منابع دیگر: بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۲

مَا يَخْتَصُّ بِهَا مِنْ رِوَايَةِ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّرٍ عَنِ الصَّادِقِ ع فِي تَعْقِيبِ الْخَمْسِ الصَّلَوَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ وَهُوَ: ... وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، الْأَتْقِيَاءِ الْأَبْرَارِ، الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ، وَاسْتَمَنْتَهُمْ عَلَى وَحْيِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ حُرَّانَ عِلْمِكَ، وَتَرَاجِمَةَ وَحْيِكَ، وَأَعْلَامَ نُورِكَ، وَحَفَظْتَ سِرَّكَ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا. اللَّهُمَّ أَنْفَعْنَا بِحُبِّهِمْ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لَوَائِهِمْ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَمِنَ الْمُفَرِّقِينَ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

... بر محمد و خاندان پاک و نیک و پرهیزگار و نیکوکار او درود فرست؛ همانان که ایشان را برای دین خود پسندیدی، و از میان آفریدگانت برگزیدی، و وحی خود را نزد آنان، به امانت نهادی، و خزانه‌داران دانشت و مترجمان وحی‌ات، و نشانه‌های نور و نگهداران رازت قرارشان دادی و آلودگی را از ایشان بردی و پاک‌پاکشان ساختی. بار خدایا! ما را از دوستی آنان، سودمند دار، و در گروه آنان و زیر پرچم ایشان، محشورمان فرما. ما را از آنان، جدا مساز، و مرا به واسطه آنان، نزد خودت در دنیا و آخرت، آبرومند و از نزدیکی گردان که بیمی برایشان نیست و اندوهگین نمی‌شوند...

مصادر اصلی: البلد الامین (کفعمی)، ص ۲۹ / المصباح (کفعمی)، ص ۳۹ / فلاح السائل (ابن طاووس)، ص ۲۴۱ / مفتاح الفلاح (شیخ بهایی)،

ص ۲۴۵

منابع دیگر: بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۱۰۸

دُعَاءُ آخَرٍ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ مَرْوِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ سَلَامُ اللَّهِ: ... اللَّهُمَّ وَصَلَّ عَلَى وَلاةِ الْأَمْرِ بَعْدَ نَبِيِّكَ، تَرَاجِمَةَ وَحْيِكَ، وَ حُرَّانِ عِلْمِكَ، وَ اَمَنَائِكَ فِي بِلَادِكَ، الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ عَلَى بَرِيَّتِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً دَائِمَةً بَاقِيَةً.

بار خدایا! بر اولیای امر پس از پیامبرت، و بیان‌کنندگان وحی‌ات، و خزانه‌داران دانشت، و امنای تو در شهرهایت، درود فرست؛ همانان که به دوستی‌شان فرمان دادی و اطاعت از آنان را بر آفریدگانت واجب ساختی. بار خدایا! برایشان درود فرست؛ درودی پاینده و ماندگار.

مصدر اصلی: إقبال الأعمال (ابن طاووس)، ج ۱، ص ۳۹۳

منابع دیگر: بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۲۶۳

قال العلامة المجلسي: الزيارات الجامعة التي يزار بها كل إمام صلوات الله عليهم: الزيارَةُ السَّابِعَةُ قَالَ السَّيِّدُ رَه هِيَ مَرْوِيَّةٌ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ. قَالَ ابْنُ الْمُشَهْدِيِّ: أَمَلَاها عَلَيْنَا الشَّرِيفُ الْجَلِيلُ الْعَالِمُ أَبُو الْمَكَارِمِ حَمْرَةَ بِنْتُ عَلِيِّ بْنِ زُهْرَةَ أَدَامَ اللَّهُ عَزَّةً مِنْ فَلَاقٍ فِيهِ، قَالَ: ... اللَّهُمَّ وَصَلَّ عَلَى الْأَيِّمَةِ الرَّاشِدِينَ، وَ الْفَادَةِ الْهَادِينَ، وَ السَّادَةِ الْمَعْصُومِينَ، الْأَتْقِيَاءِ الْأَبْرَارِ، مَا أَوْى السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ، وَ حُرَّانِ الْعِلْمِ وَ مُنْتَهَى الْجِلْمِ وَ الْفَخَارِ، وَ سَائِسَةِ الْعِبَادِ، وَ أَرْكَانِ الْبِلَادِ، وَ أَدِلَّةَ الرَّشَادِ، الْأَيْتَاءِ الْأَمْجَادِ، الْعُلَمَاءِ بِشَرِّكَ الرُّهَادِ، مَصَابِيحِ الظُّلْمِ، وَ تَبَايِعِ الْحِكْمِ، وَ أَوْلِيَاءِ النَّعْمِ، وَ عِصَمِ الْأَمَمِ، قُرْنَاءِ التَّنْزِيلِ وَ آيَاتِهِ، وَ اَمَنَاءِ التَّأْوِيلِ وَ وَلاةِ، وَ تَرَاجِمَةَ الْوَحْيِ وَ دَلالاتِهِ. أئِمَّةُ الْهُدَى، وَ مَنَارِ الدُّجَى، وَ أَعْلَامُ التَّقَى، وَ كُھُوفِ الْوَرَى

بار خدایا! بر امامان ره یافته و راهبران هدایتگر و مهتران مصون از خطا، پروا پیشگان نیکوکار، مهد آرامش و وقار، خزانهداران علم و نهایت بردباری (/ خردمندی) و افتخار، مریبان بندگان و ارکان سرزمین‌ها و راه نمایان راه، خردمندان بزرگمنش، عالمان به شریعت تو و زهدپیشگان، چراغ‌های تاریکی‌ها و چشمه‌های فرزاندگی‌ها و صاحبان نعمت‌ها و پناه امت‌ها، همگنان قرآن و آیات آن، و امینان و فرمان‌روایان تأویل [و معانی باطنی] آن، و مترجمان وحی و دلالت‌های آن، پیشوایان راه راست و چراغ خانه‌های تاریکی‌ها و نشانه‌های پروا و پناهگاه‌های مردمان...

مصدر اصلی: المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص ۵۶۱

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۸۱

جمال الأسبوع: جَمَاعَةٌ بِإِسْنَادِهِمْ إِلَى جَدِّي أَبِي جَعْفَرِ الطُّوسِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ دَاوُدَ وَ التَّلْعُكْبَرِيِّ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ الرَّازِيِّ فِيَمَا رَوَاهُ فِي كِتَابِ الشِّفَاءِ وَ الْجِلَاءِ عَنِ الْأَسَدِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ يَعْقُوبَ بْنِ يُوسُفَ الصَّرَّابِ الْعَسَانِيِّ فِي مُنْصَرَفِهِ مِنْ أَصْفَهَانَ قَالَ: ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيِّمَةِ الْهَادِيْنَ [المهديين]، الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ، [الأوصياء المرصيين]، الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ، دَعَائِمِ دِينِكَ، وَ أَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ، وَ تَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ، وَ حُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَ خُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ، الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَ اصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ، وَ ارْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَ خَصَّصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَ جَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ، وَ غَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ، وَ رَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ، وَ غَدَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَ أَلْبَسْتَهُمْ نُورَكَ، وَ رَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ، وَ حَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ وَ شَرَّفْتَهُمْ بِبَنِيكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ...

... بار خدایا! بر محمد و اهل بیت او، این پیشوایان هدایتگر [هدایت شده]، و دانشمندان راستگو و راستین [، و جانشینان پسندیده]، و نیکوکاران پرهیزگار، و ستون‌های دینت، و ارکان توحیدت، و مترجمان وحیت، و حجت‌های تو بر خلقت، و یادگاران تو در زمینت، درود فرست؛ همانان که آنان را برای خویش برگزیدی، و آنان را بر بندگان برتری دادی، و آنان را برای دینت پسندیدی، و شناختت را به آنان بخشیدی (اختصاص دادی) و خلعت گرامیداشتت را بر آنان پوشاندی، و پرده رحمتت را بر ایشان افکندی، و آنان را به نعمت خود پروردی، و با حکمتت تغذیه‌شان کردی، و آنان را در نور خود پوشاندی، و در ملکوت خویش بالایشان بردی، و آنان را در احاطه فرشتگان قرار دادی، و به وجود پیامبرت که درودهای تو بر او و بر خاندانش باد شرافتشان بخشیدی...

مصادر اصلی: مصباح المتعهد (شیخ طوسی)، ج ۱، ص ۴۰۷ / المصباح للكفعمی، ص ۵۴۷ / البلد الأمين (کفعمی)، ص ۸۰ / جمال الأسبوع

(ابن طاووس)، ص ۵۰۲

المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص ۶۶۸

سند/المزار: عَلَى يَدِ خَادِمَةِ الْمَوْضِعِ، إِلَى يَعْقُوبَ بْنِ يُوسُفَ الصَّرَّابِ الْعَسَانِيِّ فِي حَدِيثٍ اخْتَصَرْنَا مِنْهُ مَوْضِعَ الْحَاجَةِ

الغيبية (للطوسي)، ص ۲۷۹

سند الغيبية: عَنْهُ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرِ الْأَشْعَرِيِّ الْقُمِّيِّ قَالَ حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ يُوسُفَ

الصَّرَّابِ الْعَسَانِيِّ فِي مُنْصَرَفِهِ مِنْ أَصْفَهَانَ قَالَ

دلایل الإمامة (طبری)، ص ۵۵۰

سند دلایل الإمامة: نَقَلْتُ هَذَا الْخَبَرَ مِنْ أَصْلِ يَحْطُ سَبِيحًا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ الْعَصَائِرِيِّ (رَحِمَهُ اللَّهُ)، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ

الْقَاسَانِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ سَنَةِ ثَمَانٍ وَ ثَمَانِينَ وَ مِائَتَيْنِ بِقَاسَانَ بَعْدَ مُنْصَرَفِهِ مِنْ أَصْبَهَانَ، قَالَ: حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ يُوسُفَ بِأَصْبَهَانَ،

قَالَ:

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۸۲ و ج ۵۲، ص ۲۱

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ الدَّقَاقِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيِّ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقِيُّ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكَنَّبِ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيِّ وَ أَبُو الْحُسَيْنِ الْأَسَدِيُّ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ

إِسْمَاعِيلَ الْمَكِّيَّ الْبَرْمَكِيَّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ قَالَ: قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع عَلَّمَنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلًا أَقُولُهُ بَلِيغًا كَامِلًا إِذَا زُرْتُ وَاحِدًا مِنْكُمْ فَقَالَ: ... قُلْ: ... وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَةَ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمُعْصُومُونَ الْمُكْرَمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ الْقَوَامُونَ بِأَمْرِ الْعَالَمُونَ بِإِزَادَةِ الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ اضْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ وَ ارْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ وَ اخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ وَ اجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَ اعَزَّكُمْ بِهَدَاةِ وَ حَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ وَ اتَّجَبَكُمْ لِتَوْرِهِ بِنُورِهِ وَ أَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ وَ رَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ وَ حَجَبًا عَلَى بَرِيَّتِهِ وَ أَنْصَارًا لِدِينِهِ وَ حَفَظَةً لِسِرِّهِ وَ حَزَنَةً لِعِلْمِهِ وَ مُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ وَ تَرَاجِمَةً لَوْحِيهِ وَ أَزْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ وَ شُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَ أَعْلَامًا لِجِبَادِهِ وَ مَنَارًا فِي بِلَادِهِ وَ أَدْلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ ...

امام هادی علیه السلام- در زیارت جامعه کبیره که امامان علیهم السلام را با آن زیارت می کنند-: ... و شهادت میدهم که شما پیشوایان هدایت یافته، معصوم، مکرم، مقرب، متقی، صادق، برگزیده، مطیع خدا، و بپا دارندگان امر او، و عمل کننده به اراده او، و دست یابندگان بکرامت او هستید، او شما را به علم خود برگزیده، و برای خزانهداری مخازن دین خود پسندیده، و برای پاسداری سر خود انتخاب کرده، و به قدرت خود اختیار فرموده، و به هدایت خود عزیز ساخته، و به برهان خود اختصاص داده، و برای مشعلداری نور خود برگماشته، و به روح خود تأیید فرموده، و به خلافت شما در زمین خودش رضایت داده، و شما را حجتهای خود بر خلق خویش و یاران دین و حافظان سر و خازنان علم، و ودیعتگاه حکمت، و مترجمان (مفسران) وحی، و ارکان توحید، و شاهدان بر خلق، و نشانه های راهنما برای بندگان، و نورافکن ها در شهرها، و راهنمایان بصراط خود قرار داده است... (ترجمه غفاری و مستفید)

مصادر اصلی: عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷۶ / من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵

سند من لا یحضر: رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ النَّخَعِيُّ قَالَ

تَهْدِيبُ الْأَحْكَامِ، ج ۶، ص ۹۹

سند تهذیب: رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ الْكَاتِبِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ النَّخَعِيُّ

المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص ۵۳۲

سند المزار: أَخْبَرَنِي الشَّيْخَانُ الْأَجَلَانُ الْعَالِمَانِ الْفَقِيهَانِ أَبُو مُحَمَّدٍ عَرَبِيٌّ وَ أَبُو مُحَمَّدٍ عَرَبِيٌّ وَ هَبَةُ اللَّهِ بْنُ نَمَانَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ حُمْدُونَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قِرَاءَةً عَلَيْهِمَا فِي شَهْرِ رَجَبٍ الْأَوَّلِ مِنْ سَنَةِ ثَلَاثٍ وَ سِتِّينَ وَ حَمْسِمِائَةٍ، قَالَ جَمِيعًا: أَخْبَرَنَا الشَّيْخَانُ الْجَلِيلَانِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ طَحَالِ الْمُقَدَّادِيِّ وَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْإِبَّاسُ بْنُ هِشَامِ الْحَاوِرِيِّ، قَالَ جَمِيعًا: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيِّ عَنْ أَبِيهِ الشَّيْخِ السَّعِيدِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ، عَنْ الشَّيْخِ الْمُفِيدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَابُوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى وَ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ الْكَاتِبِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ

البلد الأمين (كفعمی)، ص ۳۰۲

منابع دیگر: الوافي، ج ۱۴، ص ۱۵۷۲ (نقلا عن التهذيب) / زاد المعاد (محمد باقر مجلسی)، ص ۳۰۰ / بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۵۴ / مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۴۲۳

پیوست شماره ۴: روایاتی در مورد علم مبتنی بر اشراف اهل بیت (علیهم السلام)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي زَاهِرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى عَنِ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: نَحْنُ وَوَلَاةُ أَمْرِ اللَّهِ وَ حَزَنَةُ عِلْمِ اللَّهِ وَ عَيْبَةُ وَحْيِ اللَّهِ.

امام صادق علیه السلام: ما، والیان امر الهی و خزینه‌های دانش خدا و ظرف وحی خداوندیم.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۱۹۲ / بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۱۰۵
سند بصائر: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
منابع دیگر: الوافی، ج ۳، ص ۵۰۴ / بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۰۶

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنِ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اسْتِكْمَالُ حُجَّتِي عَلَى الْأَشْقِيَاءِ مِنْ أَمْتِكَ مِنْ تَرَكَ وَلايَةَ عَلِيٍّ وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِكَ
فَإِنَّ فِيهِمْ سُنَّتَكَ وَ سُنَّةَ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِكَ وَ هُمْ خُرَّانِي عَلَى عِلْمِي مِنْ بَعْدِكَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَقَدْ أَنْبَأَنِي جِبْرِئِيلُ ع بِأَسْمَائِهِمْ
وَ أَسْمَاءِ آبَائِهِمْ.

امام باقر (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): خداوند تبارک و تعالی فرمود: ... همانا آنان (اهلبیت) علیهم
(السلام)) بعد از تو گنجینه‌های من بر علم من هستند...

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۱۹۳ / بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۱۰۵
سند بصائر: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنِ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ
منابع دیگر: الوافی، ج ۳، ص ۵۰۵ / بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۰۷

كِتَابُ الْمُخْتَصَرِ لِلْحَسَنِ بْنِ سُلَيْمَانَ، نَقْلًا مِنْ كِتَابِ السَّيِّدِ حَسَنِ بْنِ كَبْشٍ بِإِسْنَادِهِ إِلَى يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْهُ
عَلَيْهِ السَّلَامُ - لِيُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ -: يَا يُونُسَ، إِذَا أَرَدْتَ الْعِلْمَ الصَّحِيحَ فَخُذْ عَنِ أَهْلِ الْبَيْتِ، فَإِنَّا رُؤِينَاهُ، وَ أوتِينَا شَرْحَ الْحِكْمَةِ وَ
فَصَلَ الْخِطَابِ، إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَانَا وَ آتَانَا مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ.

امام صادق علیه السلام - به یونس بن ظبیان -: ای یونس! هر گاه طالب علم صحیح بودی، آن را از اهل بیت اخذ کن؛ زیرا آن
برای ما روایت شده است و به ما شرح حکمت و سخن فصل داده‌اند. خداوند، ما را برگزیده است و به ما آن داده که به هیچ
یک از جهانیان نداده است.

مصادر اصلی: مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۲۲ / کفایة الأثر (خزاز رازی)، ص ۲۵۴
سند کفایة الاثر: عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ هَارُونَ بْنِ مُوسَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنِ الْحَمِيرِيِّ عَنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ الْعَبْدِيِّ عَنِ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقْفِيِّ عَنِ
يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ
منابع دیگر: بحار الأنوار ج ۲۶ ص ۱۵۸

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنِ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْمُغِيرَةَ عَنِ عَبْدِ الْأَعْلَى وَ عُبَيْدَةَ بْنِ
بَشِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: ابْتِدَاءً مِنْهُ وَ اللَّهُ إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ مَا فِي الْجَنَّةِ وَ مَا فِي النَّارِ وَ مَا كَانَ
وَ مَا يَكُونُ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ. ثُمَّ قَالَ: أَعْلَمُهُ مِنْ كِتَابِ [اللَّهِ] أَنْظُرْ إِلَيْهِ هَكَذَا ثُمَّ بَسَطَ كَفَّيْهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ
الْكِتَابَ «فِيهِ بَيِّنَاتٌ كُلُّ شَيْءٍ».

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «بدون تردید، من به آنچه در آسمان‌ها و زمین و بهشت و دوزخ است و آنچه تحقق یافته و
تحقق خواهد یافت، آگاهی دارم». ایشان سپس لحظه‌ای درنگ کرد و چون دید این سخن بر شنوندگان گران آمده، فرمود:
«این را من از کتاب خداوند عز و جل یافته‌ام؛ چرا که خداوند می‌فرماید: در آن، بیان هر چیزی هست».

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۲۶۱ / بصائر الدرجات، ص ۱۲۸ / المناقب (لابن شهر آشوب)، ج ۴، ص ۲۴۹ / تأویل الآیات الظاهرة، ج ۱، ص
۱۰۳

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۱۱

رُوي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ إِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... أَوْلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَيَّ غَيْبِهِ أَحَدًا* إِلَّا مَنْ أِزْتَضَى مِنْ رَسُولِي»؟ فَرَسُولُ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ مُرْتَضَى، وَنَحْنُ وَرَثَةُ ذَلِكَ الرَّسُولِ الَّذِي أَطْلَعَهُ اللَّهُ عَلَى مَا شَاءَ مِنْ غَيْبِهِ، فَعَلَّمَنَا مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ....

امام رضا (علیه السلام): آیا چنین نیست که خداوند می فرماید: «او دانای غیب است و غیب خود را بر هیچ کس آشکار نمی سازد، مگر بر آن پیامبری که از او خشنود باشد»؟ و پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که خدا از او خشنود است و ما وارثان آن پیامبریم؛ همو که خداوند، او را بر هر چه از غیبش خواست، آگاه نمود و او ما را از آنچه بوده و تا روز رستاخیز خواهد بود، آگاه کرده است.

مصادر اصلی: الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۳۴۳ / الثاقب فی المناقب (ابن حمزه طوسی)، ص ۱۸۹

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۷۵

أَبُو مُحَمَّدٍ الْقَاسِمِ بْنِ الْعَلَاءِ رَحِمَهُ اللَّهُ رَفَعَهُ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ): ... إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ وَالْأئِمَّةَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - يُوقَفُهُمُ اللَّهُ وَيُوتِيهِمْ مِنْ مَخزُونِ عِلْمِهِ وَحُكْمِهِ مَا لَا يُؤْتِيهِ غَيْرُهُمْ، فَيَكُونُ عِلْمُهُمْ فَوْقَ عِلْمِ أَهْلِ الزَّمَانِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» وَقَوْلِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» وَقَوْلِهِ فِي طَالُوتَ: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَا عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ».

امام رضا علیه السلام: خداوند، پیامبران و امامان را - که درودهای خداوند بر آنان باد - توفیق داده است و به ایشان از گنجینه علم و حکمت خود، آن بخشیده که به دیگران نبخشیده است. علم آنها، برتر از علم مردم زمانشان است در این سخن خداوند متعال: «آیا آن که به سوی حق هدایت می کند، برای پیروی، سزاوارتر است یا کسی که هدایت نمی کند، مگر خود هدایت شود؟ پس شما را چه شده؟! چگونه داوری می کنید» و این سخن خدای - تبارک و تعالی - : «هر که حکمت داده شده، خیر فراوانی بدو داده شده است» و سخن او در باره طالوت: «خداوند، او را بر شما برگزیده و به دانش و توان او افزوده است و خداوند، مُلک خویش را به هر کس بخواهد، می بخشد و خداوند، گشایشگری داناست».

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۲۰۲ / کمال الدین، ص ۶۸۰ / عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۱ / الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۴۵

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۲۷

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَبِي الْحَسَنِ صَاحِبُ الدَّيْلَمِ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ع يَقُولُ - وَعِنْدَهُ أَنَسٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ - : عَجَبًا لِلنَّاسِ أَنَّهُمْ أَخَذُوا عِلْمَهُمْ كُلَّهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَعَمِلُوا بِهِ وَاهْتَدَوْا وَ يَرُونَ أَنَّ أَهْلَ بَيْتِهِ لَمْ يَأْخُذُوا عِلْمَهُ وَ نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِهِ وَ ذُرِّيَّتُهُ، فِي مَنَازِلِنَا نَزَلَ الْوَحْيُ وَ مِنْ عِنْدِنَا خَرَجَ الْعِلْمُ إِلَيْهِمْ. أَ فَيَرُونَ أَنَّهُمْ عِلْمُوا وَ اهْتَدَوْا وَ جَهَلْنَا نَحْنُ وَ صَلَّلْنَا إِنَّ هَذَا لَمَحَالٌ.

امام صادق علیه السلام - در حالی که گروهی از کوفیان در خدمت ایشان بودند - : شگفت از مردمی که همه علم خود را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ستاندند و بدان عمل کردند و ره یافتند و گمان می کنند اهل بیت او علمش را نستانده اند، در حالی که ما، اهل بیت و ذریه او هستیم؛ وحی در خانه های ما فرود آمد و علم از سوی ما به سوی مردم صادر شد. آیا آنها گمان می کنند که آگاه شده اند و ره یافته اند؛ ولی ما نمی دانیم و گمراه شده ایم؟! این، محال است».

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۳۹۸ / الأمالی (للمفید)، ص ۱۲۲ / بصائر الدرجات، ص ۱۲

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۷۹

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عِلْمَيْنِ عَلِمَا أَظْهَرَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتُهُ وَ أَنْبِيَآءُهُ وَ رُسُلُهُ فَمَا أَظْهَرَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ وَ أَنْبِيَآءُهُ فَقَدْ عَلِمْنَاهُ وَ عَلِمَا اسْتَأْتَرُ بِهِ فَإِذَا بَدَأَ لِلَّهِ فِي شَيْءٍ مِنْهُ أَعْلَمْنَا ذَلِكَ وَ عَرَضَ عَلَيَّ الْأَيْمَةَ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِنَا.

امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی را دو گونه علم است: ۱- علمی که ملائکه و پیغمبران و رسولانش را بآن آگاه ساخته، پس آنچه ملائکه و رسولان و پیغمبرانش را بآن آگاه ساخته ما هم میدانیم. ۲- علمی که بخودش اختصاص داده؛ پس هر گاه در موضوعی از آن علم بدا حاصل شود، ما را آگاه سازد و بر امامان پیش از ما هم عرضه شود.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۲۵۵ / مسائل علی بن جعفر، ص ۳۲۶

سند مسائل علی بن جعفر: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدٌ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ الْعُمَرِيِّ بْنِ عَلِيِّ

جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أُخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج ۱، ص ۳۹۴ / الإختصاص، ص ۳۱۳

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۹۳ / الفصول المهمة، ج ۱، ص ۳۹۳ / الوافي، ج ۳، ص ۵۸۸

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ الدَّقَاقِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْأَسَدِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ زَيْدِ بْنِ الْمُعَدَّلِ التَّمِيرِيِّ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ جَابِرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ لَعِلْمًا لَا يَعْلَمُهُ غَيْرُهُ وَ عِلْمًا يَعْلَمُهُ مَلَائِكَتُهُ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِيَآؤُهُ الْمُرْسَلُونَ وَ نَحْنُ نَعْلَمُهُ.

امام باقر (علیه السلام): همانا برای خداوند علمی است که غیر از خود کسی نمی داند، و (همچنین برای خدا) علمی است که فرشتگان مقرب و انبیاء مرسل می دانند. ما نیز آنها را می دانیم.

مصادر اصلی: التوحيد (للصدوق)، ص ۱۳۸ / بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۱۲

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۴، ص ۸۶

حَدَّثَنَا أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَسْبَاطٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع أَنَّهُ قَالَ: يَا أَبَا بصيرٍ! نَحْنُ شَجَرَةُ الْعِلْمِ وَ نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَ فِي دَارِنَا مَهْبِطُ جَبْرَيْلَ وَ نَحْنُ خُرَّانُ عِلْمِ اللَّهِ وَ نَحْنُ مَعَادِنُ وَحْيِ اللَّهِ مَنْ تَبِعْنَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنَّا هَلَكَ حَقًّا عَلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ.

امام صادق علیه السلام: ما شجره علم و اهل بیت پیامبر هستیم. جایگاه فرود جبرئیل، در خانه ماست و ما خزینه‌های علم خدا و معادن وحی خدا هستیم. هر که از ما پیروی کند، رهایی می یابد و هر که از ما باز ماند، نابود می گردد و حق خداست که چنین کند.

مصادر اصلی: الأمالي (للصدوق)، ص ۳۸۳ / بشارة المصطفى، ص ۵۴ / روضة الواعظین، ص ۲۹۹

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۴۰

الإمام علي عليه السلام: نَحْنُ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ، وَ مَحَطُّ الرِّسَالَةِ، وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، وَ مَعَادِنُ الْعِلْمِ، وَ يَتَابِعُ الْحِكْمِ، نَاصِرُنَا وَ مُجِئُنَا يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ، وَ عَدُوُّنَا وَ مُبْغِضُنَا يَنْتَظِرُ السَّطْوَةَ.

امام علی علیه السلام: ما، درخت نبوت و فرودگاه رسالت و مکان آمد و شد فرشتگان و معدن‌های دانش و سرچشمه‌های حکمتیم. یار و دوستدار ما، رحمت را انتظار می کشد و دشمن و کینه‌توز ما، یورش را انتظار می برد.

مصادر اصلی: نهج البلاغة، خطبه ۱۰۹، ص ۱۶۲

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۶۵

ویژگی خاص علم امیرالمومنین (علیه السلام):

أَبَاؤُ عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ صَعِدَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَ الْمُنْبَرِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَشَى عَلَيْهِ ... ثُمَّ قَالَ عَ سَلُونِي [عَمَّا سِئْتُمْ] قَبْلَ أَنْ تَقْفِدُونِي فَوَ اللَّهُ إِنِّي بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّي بِطُرُقِ الْأَرْضِ ...

ابان از سلیم بن قیس چنین نقل می‌کند: امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر فراز منبر قرار گرفت و حمد و ثنای الهی بجا آورد ... سپس فرمود: در باره هر چه می‌خواهید از من پرسید قبل از آنکه مرا نیاید. بخدا قسم من به راههای آسمان از راههای زمین آگاهترم.

مصدر اصلی: کتاب سلیم بن قیس الهلالي، ج ۲، ص ۷۱۲

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۳۴، ص ۲۵۹

امیرالمؤمنین ع: أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَقْفِدُونِي فَلَا تَأْتِي بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّي بِطُرُقِ الْأَرْضِ قَبْلَ أَنْ تَشْعَرَ بِرِجْلِهَا فِتْنَةٌ تَطَأُ فِي خِطَامِهَا وَ تَذْهَبُ بِأَحْلَامِ قَوْمِهَا.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): ای مردم، پیش از آنکه مرا نیاید از من پرسید، که من به راههای آسمان داناتر از راههای زمینم، پرسید پیش از آنکه فتنه‌ای به شما روی آورد که چون شتر بی صاحب گام بردارد و مهار خود را لگد کوب کند، و عقول صاحب عقول را زایل نماید.

مصدر اصلی: نهج البلاغة، خطبه ۱۹۰، ص ۲۸۰

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۲۸

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُثَنَّى عَنِ زُرَّارَةَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ يَسْأَلُهُ عَنْ قَوْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «سَلُونِي عَمَّا سِئْتُمْ، فَلَا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ إِلَّا أَنْبَأْتُكُمْ بِهِ». قَالَ: إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ عِنْدَهُ عِلْمٌ شَيْءٍ إِلَّا خَرَجَ مِنْ عِنْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلْيَذْهَبِ النَّاسُ حَيْثُ شَاؤُوا، فَوَاللَّهِ لَيْسَ الْأَمْرُ إِلَّا مِنْ هَاهُنَا - وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى بَيْتِهِ -.

زراره نقل می‌کند که: نزد امام باقر (علیه السلام) بودم. مردی از اهل کوفه از ایشان در باره این سخن امیر مؤمنان علیه السلام که: «در باره هر چه می‌خواهید، از من پرسید. شما در باره نکته‌ای از من نخواهید پرسید، مگر آن که شما را از آن آگاه می‌کنم» پرسش کرد. فرمود: «هیچ کس به علمی دست نیافته است، مگر این که آن علم از سوی امیر مؤمنان علیه السلام صادر شده باشد. مردم هر کجا می‌خواهند بروند. به خدا سوگند، امر نیست، مگر از این جا» و با دست به خانه‌اش اشاره کرد.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۳۹۹ / بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۲

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۶۹ / الوافی، ج ۳، ص ۶۱۰ / بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۴

پیوست شماره ۵: تاثیر "نمک طبیعی" بر درمان بیماری‌ها

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِيِّ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع قَالَ: لَا يُخْصِبُ خَوَانٌ لَا مِلْحَ عَلَيْهَا وَ أَصْحَ لِلْبَدَنِ أَنْ يُبَدَأَ بِهِ فِي أَوَّلِ الطَّعَامِ.

موسی بن جعفر (علیه السلام): سفره ای که نمک در آن نباشد، برکت ندارد. و برای صحت بیشتر بدن غذا را با نمک آغاز کنید.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۱

سند محاسن: عَنْهُ عَنِ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِيِّ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۲۰ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۶

حَمِيدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمَيْمَنِيِّ عَنْ سُكَيْنِ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ فَضِيلِ الرَّسَّانِ عَنْ فَرْوَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ ع أَنَّهُ: مَرُّ قَوْمِكَ يَفْتَتِحُوا بِالْمِلْحِ وَيَخْتَتِمُوا بِهِ وَإِلَّا فَلَا يَلُومُوا إِلَّا أَنْفُسَهُمْ.

از امام باقر علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمود: خداوند به موسی وحی فرمود: که به قومت دستور بده هنگام خوردن غذا، اول از نمک شروع کنند و آخر هم به نمک ختم کنند. در غیر این صورت اگر مریض شوند باید خود را ملامت کنند.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۲

سند محاسن: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ الْمُحْسِنِ الْمَيْمَنِيِّ عَنْ مُسْكِينِ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ فَضِيلِ الرَّسَّانِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ

منابع دیگر: الجواهر السننية في الأحاديث القدسية (کلیات حدیث قدسی)، ص ۱۰۴ / الوافی، ج ۱۹، ص ۳۲۱ / وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۴ /

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۶

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ) عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ سَعْدِ الْإِسْكَافِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ فِي الْمِلْحِ شِفَاءً مِنْ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْأَوْجَاعِ ثُمَّ قَالَ لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ مَا تَدَاوَوْا إِلَّا بِهِ.

امام صادق (علیه السلام): همانا در نمک شفاء از هفتاد نوع از انواع دردهاست. اگر مردم می دانستند که چه چیزی در نمک است، به غیر از آن خود را مداوا نمی کردند.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۰

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۴ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام (شیخ حرّ)، ج ۸، ص ۱۸۵

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: ابْدَأُوا بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ لَأَخْتَارُوهُ عَلَى الدَّرِيَاقِ الْمُجْرَبِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): غذای خود را با نمک آغاز کنید. اگر مردم آنچه را در نمک هست می دانستند، آن را بر تریاق تجربه شده برمی گزیدند.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۲۶ / المحاسن، ج ۲، ص ۵۹۱

دو سند محاسن: ۱- عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ) عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ

ع: ابْدَأُوا بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ لَأَخْتَارُوهُ عَلَى الدَّرِيَاقِ الْمُجْرَبِ.

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۴۰۴ / الوافی، ج ۱۹، ص ۳۲۰ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۳۹۶

حَدِيثُ الْأَرْبَعِمِائَةِ: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدِ الْيَقْطِينِيِّ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعِمِائَةَ بَابٍ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ ع: ... ابْدَأُوا بِالْمِلْحِ فِي أَوَّلِ طَعَامِكُمْ فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ لَأَخْتَارَهُ عَلَى التَّرِيَاقِ الْمُجْرَبِ وَ مَنْ ابْتَدَأَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ ذَهَبَ عَنْهُ سَبْعُونَ دَاءً لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ.

امام علی علیه السلام: غذای خود را با نمک آغاز کنید. اگر مردم آنچه را در نمک هست می دانستند، آن را بر تریاق تجربه شده برمی گزیدند. هر کس غذای خود را با نمک آغاز کند، هفتاد درد و نیز دیگر دردهایی که فقط خداوند از آنها آگاه است، از او می رود.

مصادر اصلی: الخصال، ج ۲، ص ۶۲۳

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ٢٥، ص ٣٠ / مستدرک الوسائل، ج ١٦، ص ٣١١ / بحار الأنوار، ج ٦٣، ص ٣٩٧

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ) عَنِ الثَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ افْتَتَحَ طَعَامًا بِالْمِلْحِ وَ حَتَمَهُ بِالْمِلْحِ دَفَعَ عَنْهُ سَبْعُونَ دَاءً.

امام صادق (علیه السلام): هر کس غذای خود را با نمک آغاز و با آن ختم کند، هفتاد بیماری از او دفع می شود.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ٢، ص ٥٩٢

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ٢٤، ص ٤٠٥ / بحار الأنوار، ج ٦٣، ص ٣٩٧ / الفصول المهمة (تکملة الوسائل)، ج ٣، ص ٥١

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ) عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ ابْتَدَأَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ ذَهَبَ عَنْهُ سَبْعُونَ دَاءً لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ.

امام صادق (علیه السلام): هر کس غذای خود را با نمک آغاز کند، هفتاد بیماری که کسی غیر از خدا نمی داند از او می رود.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ٢، ص ٥٩٢

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ٦٣، ص ٣٩٧

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ) عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْأَصَمِّ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ عَلِيُّ ع: مَنْ بَدَأَ بِالْمِلْحِ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ دَاءً مَا يَعْلَمُ الْعِبَادُ مَا هُوَ.

امام صادق (علیه السلام) از امیرالمومنین (علیه السلام): هر کس (غذایش را) با نمک آغاز کند، خداوند هفتاد بیماری - که

بندگان نمی دانند چیست - را از بین می برد.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ٢، ص ٥٩٢

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ٢٤، ص ٤٠٦ / بحار الأنوار، ج ٦٣، ص ٣٩٧ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تکملة الوسائل)، ج ٣، ص ٥١

عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِعَلِيِّ ع: يَا عَلِيُّ افْتَتِحْ بِالْمِلْحِ وَ اخْتِمْ بِهِ فَإِنَّهُ مَنْ افْتَتَحَ بِالْمِلْحِ وَ حَتَمَ بِهِ عُوفِيَ مِنَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ مِنْهَا الْجُنُونُ وَ الْجَذَامُ وَ الْبَرَصُ.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امیرالمومنین (علیه السلام): ای علی! غذایت را با نمک

آغاز کن و با آن ختم کن؛ چرا که از هفتاد نوع از انواع بلاء - از جمله جنون و جذام و پسی - بهبودی می یابد.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ٢، ص ٥٩٣

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ٦٣، ص ٣٩٨

عَنْهُ عَنْ بَعْضِ مَنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْحَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ أَنْ ابْتَدَأَ بِالْمِلْحِ وَ اخْتِمَ بِالْمِلْحِ فَإِنَّ فِي الْمِلْحِ دَوَاءً مِنْ سَبْعِينَ دَاءً أَهْوَنُهَا الْجُنُونُ وَ الْجَذَامُ وَ الْبَرَصُ وَ وَجَعُ الْحَلْقِ وَ الْأَضْرَاسِ وَ وَجَعُ الْبَطْنِ.

امام صادق (علیه السلام) از حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) روایت کرده که حضرت فرمود: خداوند به موسی علیه

السلام وحی کرد: هنگامی که می خواهی غذا بخوری با نمک شروع کن و غذا را با نمک خاتمه بده. زیرا نمک داروی هفتاد

بیماری است که کوچکترین آنها جنون، جذام، برص، گلو درد، دندان درد و درد شکم می باشد.

مصادر اصلی: المحاسن، ج ٢، ص ٥٩٣

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ٢٤، ص ٤٠٦ / الفصول المهمة، ج ٣، ص ٥٢ / بحار الأنوار، ج ٦٣، ص ٣٩٨ / الجواهر السنیه فی الأحادیث

القدسیة (کلیات حدیث قدسی)، ص ١٤٤

عَنْهُ (مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السُّنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: لَا يَجِلُّ مَنَعُ الْمَلْحِ وَالنَّارِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): منع کردن مردم از نمک و آتش حلال نیست.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۵، ص ۳۰۸ / قرب الإسناد، ص ۱۳۷

سند قرب الاسناد: أَبُو الْبَخْتَرِيِّ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص: ۴۴۶ / بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۲۵۳ / الوافی، ج ۱۰، ص ۴۶۸

پیوست شماره ۶: دعای هفتم صحیفه سجادیه (برای رفع گرفتاری و اندوه)

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا عَرَضَتْ لَهُ مُهِمَّةٌ أَوْ نَزَلَتْ بِهِ، مِلْمَةٌ وَعِنْدَ الْكَرْبِ:

«يَا مَنْ تَحَلَّى بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ وَ يَا مَنْ يَفْتَأُ بِهِ حُدَّ الشَّدَائِدِ وَ يَا مَنْ يَلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجَ إِلَى رَوْحِ الْفَرْجِ ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ وَ تَسَبَّحَتْ بِطُغْيَانِكَ الْأَسْبَابُ وَ جَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ وَ مَضَتْ عَلَى إِزَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتَمِرَةٌ وَ بِإِزَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهْمَاتِ وَ أَنْتَ الْمَفْرَعُ فِي الْمُلِمَاتِ لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ وَ لَا يَنْكَشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ وَ قَدْ نَزَلَ بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَادَنِي نِفْلُهُ وَ أَلَمَ بِي مَا قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ وَ بِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ وَ بِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ فَلَا مُصَدِرَ لِمَا أَوْرَدْتَ وَ لَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ وَ لَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ وَ لَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ وَ لَا مُبَسِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ وَ لَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ افْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرْجِ بِطَوْلِكَ وَ اكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ وَ أَنْلِنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكَّوْتَ وَ أذْقِنِي حَلَاوَةَ الصُّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ فَرَجاً هَنِيئاً وَ اجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجاً وَجِيباً وَ لَا تَسْغَلْنِي بِالْأَهْتِمَامِ عَنْ تَعَاهُدِ فُرُوضِكَ وَ اسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ فَقَدْ ضُفْتُ لِمَا نَزَلَ بِي يَا رَبِّ ذَرْعاً وَ امْتَلَأْتُ بِحَمَلٍ مَا حَدَثَ عَلَيَّ هَمّاً وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتَ بِهِ وَ دَفْعِ مَا وَقَعْتَ فِيهِ فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ وَ إِنْ لَمْ أَسْتَوْجِبْهُ مِنْكَ يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.»

دعای آن حضرت است به هنگامی که برای او مهمتی پیش می آمد یا حادثه ای رخ می داد و به هنگام اندوه:

«ای خداوندی که گره کارهای فرو بسته به تو گشوده می شود و سختیها به تو آسان می گردد، ای خداوندی که از تو خواهند رهایی از تنگناها را و یافتن آسودگی را به قدرت تو دشواری خوارمایه گردد و به لطف تو اسباب کارها ساخته آید. قضا به قدرت تو جاری است و هر چیزی بر وفق اراده تو پدید آمده است: به مشیت تو فرمانبر است و به گفتار آمرانه اش نیاز نیست، به اراده تو بازداشتنی است و به گفتار بازدارنده اش نیاز نیست. تویی آن که در مهمات بخوانند و در سختیها به او پناه جویند. هیچ بلایی از سرما نرود جز آنکه تو اش برانی و هیچ اندوهی از دل ما رخت نبندد مگر آنکه تو اش از میان برداری. ای پروردگار من، بر من محنتی رسیده که بار گرانش مرا از پای در آورده است و به رنجی در افتاده ام که بر خود هموار نتوانم کرد. تو خود به قدرت خویش آن محنت و رنج بر من وارد آورده ای و به سوی من روانه داشته ای. آنچه را تو وارد آورده ای کس بازگرداندن نتواند و آنچه را تو روانه داشته ای کس دفع نتواند و آن در را که تو بسته ای کس گشادن نتواند و آن در را که تو گشاده ای کس بستن نتواند. چون کسی را به رنج افکنی کس راحتش نرساند و چون کسی را خوار داری کس عزیز نگرداند. پس درود بفرست بر محمد و خاندانش. ای پروردگار من، به فضل خویش در آسایش بر من بگشای و به قدرت خویش سطوت اندوه را بر من بشکن و در آنچه زبان شکایت گشوده ام به رحمت نظر کن و مرا حلاوت استجابت در هر چه خواسته ام بچشان و از نزد خویش رحمتی و گشایشی خوشگوار بر من ارزانی دار و راه رهایی در پیش پای من بگشای. چنان مکن که به سبب اندوه از انجام دادن فرایض و مستحبات تو بازمانم، که من ای پروردگار، در برابر این محنت که بر من وارد آمده بی طاقتم و پیمانمانه شکیبایم از آن اندوه که نصیب من گردیده اینک لبریز است. تنها تویی که توانی آن اندوه را از میان برداری و آن بلا را که بدان گرفتار آمده ام دفع کنی. پس مرا از بند بلا وارهان اگر چه شایسته آن نباشم. یا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.» (ترجمه آیتی)

پیوست شماره ۷: تاثیر فراوانِ غم و اندوه بر ایجاد بیماری

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الطَّيِّبِ الثُّعْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ نَعِيمِ الْقَاضِي الْوَاسِطِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ شُعْبَةَ بْنِ خِوَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَفْصُ بْنُ عُمَرَ بْنِ مَيْمُونِ الْفَرَشِيِّ الْأَبْلِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ: مَنْ كَثُرَ هَمُّهُ سَقَمَ بَدَنُهُ، وَ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ، وَ مَنْ لَاحَى الرَّجَالَ سَقَطَتْ مُرْوَةٌ وَ دَهَبَتْ كَرَامَتُهُ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس غصه‌اش زیاد شود، بدنش بیمار می‌گردد...

الأمالی (للطوسی)، ص ۵۱۲

عن علی علیه السلام: الهمُّ یُنَجِّلُ البَدَنَ.

امام علی علیه السلام: غصه، بدن را رنجور می‌سازد.

غررالحکم، ص 31

عن علی علیه السلام: الهمُّ یذیبُ الجَسَدَ.

امام علی علیه السلام: غصه، تن را آب می‌کند.

غررالحکم، ص ۵۶

الإمام علی علیه السلام: الهمُّ أَحَدُ الهمَمِینِ.

امام علی علیه السلام: غصه، یکی از دو عامل پیری است.

غررالحکم، ج ۲، ص ۱۸

الإمام کاظم علیه السلام: کثرة الهمِّ یورثُ الهمَمَ.

امام کاظم علیه السلام: فراوانی غصه، موجب پیری است.

تحف العقول، ص ۴۰۳

پیوست شماره ۸: عوامل "شادی آفرین" در آیات و روایات

نشاط در ده چیز:

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّازُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَجُلٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: التَّشْوَةُ (التَّشْرَةُ) فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ: الْمَشْيُ وَالرُّكُوبُ وَالِإِزْتِمَاسُ فِي الْمَاءِ وَ النَّظْرُ إِلَى الْخُضْرَةِ وَ الْأَكْلُ وَ الشُّرْبُ وَ النَّظْرُ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ وَ الْجِمَاعُ وَ السَّوَاكُ وَ مُحَادَثَةُ الرَّجَالِ.

مصدر اصلی: الخصال، ج ۲، ص ۴۴۳

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۲۲ / الفصول المهمة، ج ۳، ص ۱۷ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۱

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ الْعَدَوِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا صُهَيْبُ بْنُ عَبَّادٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ ع قَالَ: التَّشْوَةُ (التَّشْرَةُ) فِي عَشْرِ أَشْيَاءَ: فِي الْمَشْيِ وَالرُّكُوبِ وَ الْإِزْتِمَاسِ فِي الْمَاءِ وَ النَّظْرِ إِلَى الْخُضْرَةِ وَ الْأَكْلِ وَ الشُّرْبِ وَ الْجِمَاعِ وَ السَّوَاكِ وَ عَسَلِ الرَّأْسِ بِالْخَطْمِيِّ وَ النَّظْرِ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ وَ مُحَادَثَةِ الرَّجَالِ.

امام صادق علیه السلام: شادابی، در ده چیز است: پیاده‌روی، سوارکاری، فرو رفتن در آب، نگاه کردن به سبزه، خوردن و آشامیدن، هم‌بستری، مسواک کردن، شستن سر با [کُل] خَطْمِي، نگاه [حلال] به زن زیبا و گفتگو با مردان [بزرگ].

مصادر اصلی: الخصال، ج ۲، ص ۴۴۳ / المحاسن، ج ۱، ص ۱۴
 سند محاسن: عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْبُقَطِينِيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

برخی مسائل اعتقادی:

ایمان و اعتماد به فضل و رحمت خداوند:

«قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ»

«بگو: به فضل خدا و رحمت او پس باید بدان شادمان باشند که آن، از هر چه گردآوری می‌کنند، بهتر است».

(سوره مبارکه یونس، آیه ۵۸)

عَنْ عَلِيِّ ع قَالَ مَنْ وَثِقَ بِاللَّهِ أَرَاهُ السُّرُورَ وَ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ الْأُمُورَ.

امام علی علیه السلام: هر کس به خدا اعتماد کند، خداوند، شادمانی را به وی می‌نماید و هر کس بر او توکل کند، کارهای او را کفایت می‌نماید.

مصدر اصلی: كشف الغمة في معرفة الأئمة (اربلی)، ج ۲، ص ۳۴۶

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۱۵۱

عَنْهُ (احمد بن محمد) عَنْ حَمَادِ بْنِ عَمْرٍو النَّصِيبِيِّ عَنْ السَّرِيِّ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ آبَائِهِ عَنِ النَّبِيِّ ص قَالَ: قَالَ لِعَلِيِّ ع: يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ بِحُكْمِهِ وَفَضْلِهِ جَعَلَ الرُّوحَ وَالفَرَحَ فِي الْيَقِينِ وَالرِّضَا وَجَعَلَ الْهَمَّ وَالحَزْنَ فِي الشُّكِّ وَالسَّخَطَ. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند - از روی حکمت و فضل خویش -، آسایش و شادمانی را در یقین [به خداوند] و خرسندی [از او] قرار داد و غم و اندوه را در شک [به خدا] و ناخرسندی [از او].

مصدر اصلی: المحاسن، ج ۱، ص ۱۷ / تحف العقول، ص ۶

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۶۸

الإمام علي عليه السلام - في صفات المتقين -: يبيئ حذرًا ويصبح فرحًا؛ حذرًا لما حذر من الغفلة، وفرحًا بما أصاب من الفضل والرحمة.

امام علی علیه السلام - در بیان ویژگی‌های پرهیزگاران -: شب را با پروا و روز را با شادمانی به سر می‌آورد؛ پروا از غفلتی که از آن برحذر داشته شده و شاد از فضل و رحمتی که به او رسیده است.

مصادر اصلی: نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳، ص ۳۰۵ / تحف العقول، ص ۱۶۱ / روضة الواعظین (فتال نیشابوری)، ج ۲، ص ۴۳۹

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۳۱۶

برخی از ویژگی‌ها و کارهای اخلاقی:

زهد (بی رغبتی به دنیا):

رسول الله صلی الله علیه و آله: الرِّغْبَةُ فِي الدُّنْيَا تُطِيلُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ، وَالزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا رَاحَةُ الْقَلْبِ وَالْبَدَنِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دلدادگی به دنیا، گرفتاری و اندوه را دراز می‌کند و زهد در دنیا، مایه آسودگی جان و تن می‌شود.

مصدر اصلی: تحف العقول، ص ۳۵۸

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۴۰

قناعت:

رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ الْقَنَاعَةَ رَاحَةٌ لِلْقَلْبِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قناعت، آسودگی است.

مصدر اصلی: أعلام الدین (دیلمی)، ص ۱۸۸

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۸۳

پرهیز از کینه‌ورزی:

الإمام علي عليه السلام: مَنْ اطَّرَحَ الْحِقْدَ، اسْتَرَاخَ قَلْبُهُ وَ لُبُّهُ.

امام علی علیه السلام: هر کس که کینه را دور افکند، دل و دماغش آرامش پیدا می‌کند.

غرر الحکم، ص ۶۲۴

تغافل (چشم پوشی):

الإمام علي عليه السلام: مَنْ لَمْ يَتَغَاوَلْ وَ لَا يَغْضُ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ، تَتَغَصَّصَتْ عَيْشَتُهُ.

امام علی علیه السلام: کسی که [نسبت به کاستی‌های دیگران] تظاهر به غفلت نکند و از بسیاری کارها چشم‌پوشد، زندگی‌اش ناگوار می‌شود.

تصنيف غرر الحکم، ص ۴۵۱

خوش اخلاقی:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لِحُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ يَا حُمْرَانُ ... لَا عَيْشَ أَهْنَأُ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ.

امام صادق علیه السلام: هیچ زندگی‌ای، گواراتر از خوش خلقی نیست.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۸، ص ۲۴۴ / تحف العقول، ص ۳۶۰ / علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۶۰

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۶، ص ۲۶۹

حُسن نیت:

الإمام علي عليه السلام: مَنْ حَسَنَتْ نِيَّتُهُ كَثُرَتْ مَثَوْبَتُهُ، وَ طَابَتْ عَيْشَتُهُ، وَ وَجِبَتْ مَوَدَّتُهُ.

امام علی علیه السلام: هر کس نیتش نیکو باشد، پاداشش فراوان و زندگی‌اش خوش می‌شود و دوست داشتنش [بر دیگران] لازم می‌آید.

غرر الحکم، ص ۶۶۱

مزاح (شوخی کردن):

عَنْهُ (عده من اصحابنا عن احمد بن محمد) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ يَحْيَى بْنِ سَلَامٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ يُونُسَ الشَّيْبَانِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَيْفَ مُدَاعَبَةُ بَعْضِكُمْ بَعْضاً قُلْتُ قَلِيلٌ قَالَتْ أَلْ فَلَا تَفْعَلُوا فَإِنَّ الْمُدَاعَبَةَ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ وَ إِنَّكَ لَتَدْخُلُ بِهَا الشُّرُورَ عَلَى أَخِيكَ وَ لَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُدَاعِبُ الرَّجُلَ يُرِيدُ أَنْ يُسَّرَّهُ.

به نقل از یونس شیبانی: - امام صادق علیه السلام فرمود: «با یکدیگر شوخی هم می‌کنید؟». گفتم: کم. فرمود: «این گونه نکنید؛ زیرا شوخی، از خوشخویی است و تو بدان وسیله، برادرت را شاد می‌سازی. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای این که کسی را شاد کند، با او شوخی می‌کرد».

مصدر اصلی: الکافی، ج ۲، ص ۶۶۳

منابع دیگر: الوافی، ج ۵، ص ۶۲۷ / وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۱۳

شاد کردن مومن:

عن رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ سَرَّ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ سَرَّهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برادر مؤمنش را شادمان سازد، خداوند در دنیا و آخرت، وی را شادمان می‌کند.

عوالي اللئالی، ج ۱، ص ۱۰۷

الإمام الباقر عليه السلام: ما من رجلٍ يدخل على أخيه المسلمِ بآباً من الشرور، إلا أدخل الله عز وجلَّ عليه بآباً من الشرور
مصدر اصلی: المؤمن (حسین بن سعید اهوازی)، ص ۵۳
منابع دیگر: مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۹۶

برخی آداب عبادی:

ذکر و یاد خدا و تلاوت قرآن:

الْمُنَاجَاةُ الْإِنْجِيلِيَّةُ لِمَوْلَانَا عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع وَ قَدْ وَجَدْتُهَا فِي بَعْضِ مَرْوِيَّاتِ أَصْحَابِنَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي كِتَابِ أَنْبَسِ الْعَابِدِينَ مِنْ مَوْلَاتٍ بَعْضُ قُدَمَائِنَا عَنْهُ ع وَ هِيَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ... يَا مَنْ أَنْسَ الْعَارِفِينَ بِطَيْبِ مُنَاجَاتِهِ وَ الْبَسِ الْخَائِطِينَ تَوَبَّ مَوْلَاتِهِ مَتَى فَرِحَ مَنْ فَصَدَّتْ سِوَاكَ هِمَّتُهُ وَ مَتَى اسْتَرَاحَ مَنْ أَرَادَتْ غَيْرَكَ عَزِيمَتُهُ.

امام زین العابدین علیه السلام- در مناجاتش-: ای کسی که عارفان را به بوی دلاویز مناجاتش مانوس کرد و جامه دوستی اش را بر قامت خطاکاران پوشاند! چه زمان شاد شود کسی که همتش غیر تو را نشانه رفته است؟! و چه وقت بیاساید کسی که اراده اش جز تو را خواسته است!؟

بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۱۵۷

وَ مِنْ دُعَاءِ النَّبِيِّ ص: اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مَشْغُولِينَ بِأَمْرِكَ آمِنِينَ بِوَعْدِكَ آسِينَ مِنْ خَلْقِكَ أَنْسِينَ بِكَ مُسْتَوْحِشِينَ مِنْ غَيْرِكَ رَاضِينَ بِقَضَائِكَ صَابِرِينَ عَلَى بَلَائِكَ شَاكِرِينَ عَلَى نِعْمَائِكَ مُتَلَذِّذِينَ بِذِكْرِكَ فَرِحِينَ بِكِتَابِكَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله- در دعایش-: خدایا! ما را ... از کسانی که از ذکرت لذت می برند و از کتابت شادمان می گردند، قرار ده.

مصدر اصلی: جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۳۲

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۳۶۰

ذکر «لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم»:

رسول الله صلی الله علیه و آله: يا عليُّ، أمانٌ لِمَتِي مِنَ الْهَمِّ: لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، لا مَلْجَأَ وَ لا مَنجى مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! جمله «لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم، لا ملجأ ولا منجى من الله إلا إليه» (هیچ نیرو و توانی نیست، جز به یاری خدای والای بزرگ. هیچ پناه و نجاتی از خدا نیست مگر به سوی او)، مایه ایمنی امت من از اندوه است.

مصادر اصلی: من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۷۱ / مکارم الأخلاق، ص ۴۴۳

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۶، ص ۱۸۰ / بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۵۸ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۳۶۹

ذکر استغفار:

عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ التَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ ظَهَرَتْ عَلَيْهِ التَّعَمُّةُ فَلْيُكْثِرْ ذِكْرَ الْحَمْدِ لِلَّهِ وَ مَنْ كَثُرَتْ هُمُومُهُ فَعَلَيْهِ بِالْإِسْتِغْفَارِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس نعمت بر او ظاهر شود، پس زیاد ذکر الحمد لله بگوید. هر کس اندوهش بسیار گردد، پس بر اوست که استغفار کند (آمرزش بخواند).

مصادر اصلی: الکافی، ج ۸، ص ۹۳ / المحاسن، ج ۱، ص ۴۲

منابع دیگر: الوافی، ج ۹، ص ۱۶۱۰ / وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۷۶

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرْجاً وَ مِنْ كُلِّ ضَيْقٍ مَخْرَجاً وَ رَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بسیار استغفار کند (آمرزش بخواهد)، خداوند برای او از هر غصه‌ای، گشایشی قرار می‌دهد و از هر تنگنایی، راه برون‌رفتی. نیز او را از آن جا که گمان نمی‌کند، روزی می‌دهد.

مصدر اصلی: عوالي اللثالی العزیزیه، ج ۱، ص ۱۷۰

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۷۷

برخی خوراکی‌ها:

کدو:

وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ [حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الشَّاهِ الْفَقِيهَ الْمُرُوزِي بِمَرْوَرُودٍ فِي دَارِهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ التَّيْسَابُورِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ بْنِ سُلَيْمَانَ الطَّائِي بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي فِي سَنَةِ سِتِّينَ وَمِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا ع سَنَةَ أَرْبَعٍ وَ تِسْعِينَ وَ مِائَةً وَ حَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ بَكْرِ الْخُورِيِّ بَيْسَابُورَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمَ بْنُ هَارُونَ بْنِ مُحَمَّدِ الْخُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادِ الْفَقِيهَ الْخُورِيِّ بَيْسَابُورَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْهَرَوِيُّ الشَّيْبَانِيُّ عَنِ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى ع وَ حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ الْأُسْتَنْائِيِّ الرَّازِيِّ الْعَدْلُ بِيَلْخَ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَهْرَوَيْهِ الْقُرُوبِيِّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سُلَيْمَانَ الْفَرَّاءِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدٌ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع قَالَ حَدَّثَنِي [حَدَّثَنِي] أَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ قَالَتْ حَدَّثَنِي فَاطِمَةُ [قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا طَبَخْتُمْ فَأَكْتَرُوا الْقُرْعَ فَإِنَّهُ يَسِّرُ الْقَلْبَ الْحَزِينَ .

مصادر اصلی: عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۶ / صحیفة الإمام الرضا علیه السلام، ص ۵۴ / الدعوات (لراوندی)، ص ۱۴۸ / مکارم الأخلاق، ص ۱۷۷

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۲۵ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۲۵

خوردن انگور (خصوصاً سیاه):

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: شَكَا نَبِيٌّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الْعَمَّ فَأَمَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَكْلِ الْعِنَبِ.

امام صادق علیه السلام: یکی از پیامبران، از دچار شدن به اندوه، به خداوند شکوه کرد. خداوند، او را به خوردن انگور فرمان داد.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۵۱ / مکارم الأخلاق، ص ۱۷۴

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۵۰ / بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۴۶۰ / طب الأئمة علیهم السلام (للشیر)، ص ۱۵۳

عَنْهُ (عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ) عَنِ الْقَاسِمِ الرَّيَّاتِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَمَّا حَسَرَ الْمَاءُ عَنْ عِظَامِ الْمَوْتَى فَرَأَى ذَلِكَ نُوحَ ع جَزَعَ جَزَعاً شَدِيداً وَ اغْتَمَّ لِذَلِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ هَذَا عَمَلُكَ بِنَفْسِكَ أَنْتَ دَعَوْتَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ أَنْ كُلِ الْعِنَبَ الْأَسْوَدَ لِيُدْهَبَ عَمُّكَ.

امام صادق علیه السلام: هنگامی که آب از استخوان‌های مردگان کنار رفت، نوح از دیدن آن، بسیار غمناک شد. پس خداوند متعال به او وحی کرد: «این، کاری است که خود با خویش کرده‌ای! تو خود، آنان را نفرین کردی!». گفت: پروردگارا! من از تو آمرزش می‌طلبم و به درگاه تو، توبه می‌کنم. سپس خداوند متعال به او وحی فرستاد: «انگور سیاه بخور تا اندوهت از میان برود».

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۳۵۰

منابع دیگر: الوافی، ج ۱۹، ص ۳۸۳

خوردن کُندر:

و قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: عَلَيْكُمْ بِاللَّبَانِ فَإِنَّهُ يَمَسُّحُ الْحُزْنَ عَنِ الْقَلْبِ كَمَا يَمَسُّحُ وَيَذَكِّي الْعِرْقَ عَنِ الْجَبِينِ وَيَشُدُّ الظُّهْرَ وَيَزِيدُ الْعَقْلَ وَيَذَكِّي الدَّهْنَ وَيَجْلُو الْبَصَرَ وَيُذْهِبُ النَّسِيَانَ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کُنْدَر؛ زیرا آن سان که عرق از پیشانی پاک می‌شود، اندوه را از دل می‌برد و پشت را محکم می‌کند و خرد را فزونی می‌بخشد و ذهن را جلا می‌دهد و دیده را نور می‌بخشد و فراموشی را می‌زداید.

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۲۱ (نقلا عن طب النبی)

روغن زیتون:

بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص عَلَيْكُمْ بِالزَّيْتِ فَإِنَّهُ يَكْشِفُ الْمِرَّةَ - وَيُذْهِبُ بِالْبَلْغَمِ وَيَشُدُّ الْعَصَبَ وَيُحَسِّنُ الْخُلُقَ - وَيُطَيِّبُ النَّفْسَ وَيُذْهِبُ بِأَلْهَمِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد روغن زیتون؛ زیرا تلخه را می‌زداید، بلغم را می‌برد، پی را استحکام می‌بخشد، بیماری مزمن را از میان بر می‌دارد، خوی را خوش می‌سازد، دل را پیراسته می‌دارد و اندوه را می‌برد.

مصادر اصلی: صحیفة الإمام الرضا علیه السلام، ص ۵۳ / عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۵ / مکارم الأخلاق، ص ۱۹۰

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۲۳ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۹ / مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۶، ص ۳۶۵

خوردن گوشت کبک:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ اشْتَكَى فُوَادَهُ وَ كَثُرَ عَمُهُ فَلْيَأْكُلْ لَحْمَ الدُّرَّاجِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دلش دردمند و اندوهش بسیار است، گوشت کبکنجیر بخورد.

مصدر اصلی: مکارم الأخلاق، ص ۱۶۱

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۷۵ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۲۲

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ص قَالَ إِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ غَمًّا أَوْ كَرْبًا لَا يَدْرِي مَا سَبَبُهُ فَلْيَأْكُلْ لَحْمَ الدُّرَّاجِ فَإِنَّهُ يَشْكُرُ عَنْهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ
امام صادق علیه السلام: هر گاه کسی از شما، به اندوه یا گرفتاری ای دچار گردد که سببش را نمی‌داند، گوشت کبکنجیر بخورد. در این صورت، به خواست خدا، اندوه و گرفتاری‌اش، تسکین خواهند یافت.

مصدر اصلی: مکارم الأخلاق، ص ۱۶۱

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۷۵ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۱۲۲

برخی مسائل بهداشتی:

شستن سر با خطمی:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّيْرَفِيِّ عَنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: غَسَّلَ الرَّأْسَ بِالْخَطْمِيِّ نُشْرَةً.

امام صادق علیه السلام: شستن سر با [گُل] خطمی، نشاطبخش است.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۵۰۴ / من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۴ / مکارم الأخلاق، ص ۶۰

منابع دیگر: وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۶۱ / الوافی، ج ۶، ص ۶۳۳

تمیزی جامه:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: التَّنْظِيفُ مِنَ النَّيَابِ يُذْهِبُ الْهَمَّ وَالْحَزْنَ وَ هُوَ طَهْوَرٌ لِلصَّلَاةِ.

امام علی علیه السلام: جامه تمیز، پریشانی و اندوه را می‌برد و مایه پاکیزگی برای نماز است.

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۴۴۴

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۰، ص ۶۹۹ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۴

شانه زدن:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنِ ابْنِ مَيْمَانَ عَنْ يُونُسَ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ص قَالَ: إِذَا سَرَّحْتَ رَأْسَكَ وَ لِحْيَتَكَ فَأَمِّرَ الْمُشْطَ عَلَى صَدْرِكَ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْهَمِّ وَالْوَبَاءِ.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۴۸۹ / من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۸ / مکارم الأخلاق، ص ۷۰

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۱۷ / طب الأئمة علیهم السلام (للشیر)، ص ۲۳۳

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِمْرَأُ الْمُشْطِ عَلَى صَدْرِكَ يَذْهَبُ بِالْهَمِّ.

امام صادق (علیه السلام): مداومت بر شانه زدن روی سینه غصه را می برد.

مصدر اصلی: مکارم الأخلاق، ص ۷۱

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۱۴

تراشیدن موی پشت گردن:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ رَبِّمَا كَثُرَ الشَّعْرُ فِي فَقَائِي فَيُعْمِنِي عَمَّا شَدِيداً فَقَالَ لِي يَا إِسْحَاقُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ حَلْقَ الْفَقَا يَذْهَبُ بِالْعَمِّ.

به نقل از اسحاق بن عمار: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایتان شوم! گاه موهای پشت گردنم زیاد می شوند و به سختی، مرا اندوهگین می کنند. پس به من فرمود: «ای اسحاق! آیا نمی دانی که تراشیدن [موهای] پشت گردن، اندوه را از میان می برد؟!»

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۴۸۵

منابع دیگر: الوافی، ج ۶، ص ۶۴۸ / وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۰۸

برخی کارهای فردی:**خواب:**

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مَعْرُوفٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ع قَالَ: التَّوْمُ رَاحَةٌ لِلْجَسَدِ وَ التُّطْقُ رَاحَةٌ لِلرُّوحِ وَ الشُّكُوتُ رَاحَةٌ لِلْعَقْلِ.

مصدر اصلی: الأمالی (للصدوق)، ص ۴۴۱ / من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۲

منابع دیگر: الوافی، ج ۴، ص ۴۵۵ / بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۷۶

استفاده از رنگ زرد:

عَنْهُ (عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع) عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا بَلَغَ بِهِ جَابِرُ الْجُعْفِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَنْ لَبَسَ نَعْلًا صَفْرَاءَ لَمْ يَزَلْ يَنْتَظِرُ فِي سُرُورٍ مَا دَامَتْ عَلَيْهِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ - صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاطِرِينَ.

امام باقر علیه السلام: هر کس کفشی زرد رنگ بر پای کند، تا زمانی که آن کفش، به پای اوست، همواره با شادمانی می نگرند؛ زیرا خداوند (در سوره مبارکه بقره، آیه ۶۹) فرموده است: «زرد رنگی خالص و یک دست که بینندگان را شادمان می کند».

مصدر اصلی: الکافی، ج ۶، ص ۴۶۶

منابع دیگر: الوافی، ج ۲۰، ص ۷۵۴ / وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۶۹ / بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۲۶۱ / طب الأئمة علیهم السلام (للشیر)، ص ۲۴۸

جهت مطالعه تفصیلی در مورد آیات و روایات فراوان در مورد مسئله "شادی" به کتاب «الگوی شادی از نگاه قرآن و حدیث» تالیف محقق توانا حضرت حجت الاسلام و المسلمین محمد محمدی ری شهری، از سری انتشارات موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث مراجعه فرمایید.

نظام اصطلاحات

نظام اصطلاحات دیگران	نظام اصطلاحات الگوی پیشرفت اسلامی
<p>پاتولوژی (pathology) - اختلالات سلولی، مولکولی، بافتی - تراریخته - بیوتکنولوژی - بیولوژیک - آگزاما حیث التفاتی - فتوسنتز (photosynthesis) - فارماکولوژی (Pharmacology) - ایمنولوژی (Immunology) - ژنتیک - DNAهای آشغال - DNAهای غیرکدکننده - DNAهای کدکننده - میکروب - ویروس - چرخه گردش ویروس - کرونا - گندکس آلیمنتاریوس (Codex Alimentarius) - تراریخته - متابولیسم (Metabolism) - آنابولیسم (Anabolism) - کاتابولیسم (Catabolism) - مولکولهای زیستی - واکسیناسیون - طب سنتی - کنشگران حوزه بیوتکنولوژی - فرضیه - کارآزمایی بالینی - جامعه‌شناسی سلامت - رشته‌های تخصصی - تمدن مدرنیته - کربن - مباحث فلسفی - بحران کرونا - پاتولوژی‌های ویرشویی - پاتولوژی میکروسکوپی - فضای بافتی، مولکولی و سلولی - ژن - DNA - RNA - ژنوم - سلول - علوم شناختی - اختلال در بافت - اختلال در سلول - اختلال در مولکول - پاتو (Patho) - فاصله‌گذاری اجتماعی - پروتکل‌های بهداشت محیط - واکسن - مکتب نوشهرگرایی</p>	<p>پروتکل‌های فقهی مدیریت فتنه کرونا - طب اسلامی - الگوی فقهی تحلیل بیماری - پاتولوژی فقهی - روش تحقیق فقهی - وحدت ترکیبی - اختلال در طبع - حجامت قاعده ریه - اشراف - تالی فاسد - گزاره‌های ظنی - گزارش‌های خالق - وحی - شارحین وحی - وحدت ترکیبی عصب - فرآیند کشف گزارش‌های خالق - حیث‌های صدوری - دقت‌های رجالی و صدوری - وحدت ترکیبی جزر - وحدت ترکیبی کلیه - سرماخوردگی ساده کرونا - گزاره‌های انبیاء - اختلال در قلب - اختلال در طبع - اختلال در عضو درگیر - اشراف خالق - طبع - طبایع - دم - بلغم - مزه صفاویه - مزه سوداویه - سودا - صفا - مزه تلخه - وصف سردی - طبع سرد و خشک - طبع سرد و تر - طبع گرم و تر - طبع گرم و خشک - وصف گرمی - وصف تری - وصف خشکی - امیر بدن - امیرالجوارح - دم مُحترق - مزه غالبه - بلغم غالب - وسوسه - کبر - حسد - حرص - شهوت نسبت به غذا - اصول عام پاتولوژی فقهی - سرریز اخلاط - قوت قلب - تعدیل طبایع - اصول عام تحلیل بیماری - داروهای جامع - تقویت سیستم ایمنی بدن - پروتکل‌های کنترل علائم حاد - پروتکل‌های تسهیل تنفس - پروتکل‌های بخش قلب - پروتکل‌های بخش طبع - مضمضه - استنشاق - آب فاتر - سُعوَط - پُخته‌شدنِ خلط - نزله - اخلاط جریان‌پیدا کرده در اعضا مختلف - پروتکل‌های تعدیل‌کننده طبع - پروتکل‌های تقویت قلب - خوف - سعه صدر - حزن - ترس - نُشره - پولطلا</p>

نظام ارجاعات

الف) ارجاعات پژوهشی:

۱. قرآن کریم / ۴ بار
۲. نهج البلاغه / ۹ بار
شريف الرضى، محمد بن حسين (۴۰۶ ق)، قم: هجرت (۱۴۱۴ ق)
۳. الصحيفة السجادية / ۱ بار
علي بن الحسين عليه السلام، امام چهارم (۹۴ یا ۹۵ ق)، قم: دفتر نشر الهادي (۱۳۷۶ ش)
۴. الكافي / ۶۳ بار
كلىنى، محمد بن يعقوب (۳۲۹ ق)، تهران: دار الكتب الإسلامية (۱۴۰۷ ق)
۵. كتاب سليم بن قيس الهلالي / ۱ بار
هلالي، سليم بن قيس (۷۶ ق)، قم: الهادي (۱۴۰۵ ق)
۶. المحاسن / ۳۶ بار
برقى، احمد بن محمد بن خالد (۲۷۴ ق یا ۲۸۰ ق)، قم: انتشارات دار الكتب الإسلامية (۱۳۷۱ ق)
۷. من لا يحضره الفقيه / ۱۰ بار
ابن بابويه، محمد بن علي (۳۸۱ ق)، قم: دفتر انتشارات اسلامي (۱۴۱۳ ق)
۸. كمال الدين و تمام النعمة / ۱ بار
ابن بابويه، محمد بن علي (۳۸۱ ق)، تهران: اسلاميه (۱۳۹۵ ق)
۹. معاني الأخبار / ۱ بار
ابن بابويه، محمد بن علي (۳۸۱ ق)، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم (۱۴۰۳ ق)
۱۰. الخصال / ۱۵ بار
ابن بابويه، محمد بن علي (۳۸۱ ق)، قم: جامعه مدرسين (۱۳۶۲ ش)
۱۱. الأمالي (للمصدق) / ۳ بار
ابن بابويه، محمد بن علي (۳۸۱ ق)، تهران: كتابچي (۱۳۷۶ ق)
۱۲. عيون أخبار الرضا عليه السلام / ۹ بار
ابن بابويه، محمد بن علي (۳۸۱ ق)، تهران: نشر جهان (۱۳۷۸ ش)
۱۳. علل الشرائع / ۲ بار
ابن بابويه، محمد بن علي (۳۸۱ ق)، قم: كتاب فروشي داوري (۱۳۸۵ ش / ۱۹۶۶ م)
۱۴. التوحيد (للمصدق) / ۱ بار
ابن بابويه، محمد بن علي (۳۸۱ ق)، قم: جامعه مدرسين (۱۳۹۸ ق)
۱۵. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال / ۲ بار
ابن بابويه، محمد بن علي (۳۸۱ ق)، قم: دار الشريف الرضي للنشر (۱۴۰۶ ق)
۱۶. تهذيب الاحكام / ۱ بار
طوسى، محمد بن حسن (۴۶۶ یا ۴۶۰ ق)، تهران: دار الكتب الإسلامية (۱۴۰۷ ق)
۱۷. المومن / ۱ بار
كوفى اهوازى، حسين بن سعيد (قرن ۳)، قم: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام (۱۴۰۴ ق)

١٨. بصائر الدرجات في فضائل آل محمّد صلّى الله عليهم / ٧ بار
صفار، محمد بن حسن (٢٩٠ ق)، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي (١٤٠٤ ق)
١٩. مختصر البصائر / ١ بار
حلي، حسن بن سليمان بن محمد (قرن هشتم)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي (١٤٢١ ق)
٢٠. روضة الواعظين و بصيرة المتعظين / ٥ بار
فتال نيشابوري، محمد بن احمد (٥٠٨ ق)، قم: انتشارات رضی (١٣٧٥ ش)
٢١. قرب الإسناد / ٣ بار
حميري، عبد الله بن جعفر (نيمه دوم قرن ٣ ق)، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام (١٤١٣ ق)
٢٢. الاختصاص / ١ بار
مفيد، محمد بن محمد (٤١٣ ق)، قم: المؤتمر العالمي للافية الشيخ المفيد (١٤١٣ ق)
٢٣. تحف العقول / ١١ بار
ابن شعبه حراني، حسن بن علي (قرن ٤)، قم: جامعه مدرسين (١٤٠٤ / ١٣٦٣ ق)
٢٤. الجعفریات (الأشعثيات) / ١ بار
ابن اشعث، محمد بن محمد (قرن ٤)، تهران: مكتبة النينوي الحديثة
٢٥. دلائل الإمامة / ١ بار
طبري أملي صغير، محمد بن جرير بن رستم (قرن ٥)، قم: بعثت (١٤١٣ ق)
٢٦. مسائل علي بن جعفر و مستدرکاتها / ١ بار
عريضي، علي بن جعفر (٢٢٠ ق)، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام (١٤٠٩ ق)
٢٧. الإحتجاج علي أهل اللجاج (للطبرسي) / ١ بار
طبرسي، احمد بن علي (٥٨٨ ق)، مشهد: نشر مرتضى (١٤٠٣ ق)
٢٨. مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب) / ١ بار
ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن علي (٥٨٨ ق)، قم: علامه (١٣٧٩ ق)
٢٩. الثاقب في المناقب / ١ بار
ابن حمزه طوسي، محمد بن علي (زنده در ٥٦٦ ق)، قم: انصاريان (١٤١٩ ق)
٣٠. الخرائج و الجرائح / ١ بار
قطب الدين راوندي، سعيد بن هبة الله (٥٧٣ ق)، قم: مؤسسه امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف (١٤٠٩ ق)
٣١. تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة / ١ بار
استرآبادي، علي (٩٤٠ ق)، قم: مؤسسة النشر الإسلامي (١٤٠٩ ق)
٣٢. مصباح الشريعة / ١ بار
منسوب به جعفر بن محمد عليه السلام، امام ششم عليه السلام (١٤٨ ق)، بيروت: اعلمى (١٤٠٠ ق)
٣٣. صحيفة الإمام الرضا عليه السلام / ٢ بار
علي بن موسى، امام هشتم عليه السلام (٢٠٣ ق)، مشهد: كنگره جهاني امام رضا عليه السلام (١٤٠٦ ق)
٣٤. طب الإمام الرضا عليه السلام (الرسالة الذهبية) / ١ بار
علي بن موسى، امام هشتم عليه السلام (٢٠٣ ق)، قم: دارالخيام (١٤٠٢ ق)
٣٥. وسائل الشيعة / ٧٩ بار

- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۱۰۴ق)، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام (۱۴۰۹ق)
۳۶. الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل) / ۹ بار
 شيخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۱۰۴ق)، قم: مؤسسه معارف اسلامي امام رضا عليه السلام (۱۴۱۸ق) / ۱۳۷۶ ش
۳۷. الجواهر السنية في الأحاديث القدسية / ۲ بار
 شيخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۱۰۴ق)، تهران: انتشارات دهقان (۱۳۸۰ش)
۳۸. هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام / ۱ بار
 شيخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۱۰۴ق)، مشهد: آستانة الرضوية المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية (۱۴۱۴ق)
۳۹. الامالی (للطوسی) / ۳ بار
 طوسی، محمد بن الحسن (۴۶۰ق)، قم: دارالثقافة (۱۴۱۴ق)
۴۰. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد / ۱ بار
 طوسی، محمد بن الحسن (۴۶۰ق)، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة (۱۴۱۱ق)
۴۱. الغيبة (للطوسي) / ۱ بار
 طوسی، محمد بن الحسن (۴۶۰ق)، قم: دار المعارف الإسلامية (۱۴۱۱ق)
۴۲. كنز الفوائد / ۲ بار
 كراچکی، محمد بن علی (۴۴۹ق)، قم: دارالذخائر (۱۴۱۰ق)
۴۳. المزار الكبير / ۴ بار
 ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۶۱۰ق)، قم: دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (۱۴۱۹ق)
۴۴. تفسير العیاشي / ۱ بار
 عیاشی، محمد بن مسعود (۳۲۰ق)، تهران: المطبعة العلمية (۱۳۸۰ق)
۴۵. دعائم الإسلام / ۴ بار
 ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۳۶۳ق)، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام (۱۳۸۵ق)
۴۶. البلد الأمين و الدرع الحصين / ۳ بار
 کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۹۰۵ق)، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات (۱۴۱۸ق)
۴۷. المصباح للكفعمي (جنة الأمان الواقية) / ۲ بار
 کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۹۰۵ق)، قم: دار الرضي (زاهدي) (۱۴۰۵ق)
۴۸. فلاح السائل و نجاح المسائل / ۱ بار
 ابن طاووس، علی بن موسی (۶۶۴ق)، قم: بوستان كتاب (۱۴۰۶ق)
۴۹. إقبال الأعمال / ۱ بار
 ابن طاووس، علی بن موسی (۶۶۴ق)، تهران: دار الكتب الإسلامية (۱۴۰۹ق)
۵۰. جمال الأسبوع / ۱ بار
 ابن طاووس، علی بن موسی (۶۶۴ق)، قم: دارالرضی (۱۳۳۰ق)
۵۱. مكارم الاخلاق / ۲۴ بار
 طبرسی، حسن بن فضل (۵۴۸ق)، قم: الشريف الرضي (۱۳۷۰ش)

٥٢. عوالى اللئالى / ٢ بار
ابن أبى جمهور، محمد بن زين الدين (٩٠١ ق)، قم: دار سيد الشهداء للنشر (١٤٠٥ ق)
٥٣. أعلام الدين في صفات المؤمنين / ٢ بار
ديلمى، حسن بن محمد (٨٤١ ق)، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام (١٤٠٨ ق)
٥٤. كشف الغمة في معرفة الأئمة / ١ بار
اربلى، على بن عيسى (٦٩٢ ق)، تبريز: بنى هاشمى (١٣٨١ ق)
٥٥. بحار الانوار / ١١٨ بار
مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى (١١١٠ ق)، بيروت: دار إحياء التراث العربى (١٤٠٣ ق)
٥٦. طبّ النبي صلى الله عليه وآله وسلم / ٤ بار
مستغفرى، جعفر بن محمد (٤٣٢ ق)، نجف: مكتبة الحيدرية (١٣٨٥ ق)
٥٧. طب الأئمة (ابن بسطام) / ١ بار
ابن بسطام، عبدالله، ابن بسطام، حسين (قرن ٤)، نجف: المطبعة الحيدرية (١٤١٦ ق)
٥٨. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل / ١٥ بار
نورى، حسين بن محمد تقى (١٣٢٠ ق)، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام (١٤٠٨ ق)
٥٩. كنز العمال / ١ بار
متقى، على بن حسام الدين (٩٧٥ ق)، بيروت: دار الكتب العلميه (١٤١٩ ق)
٦٠. الدعوات (للراوندى) / ٢ بار
سعید بن هبه الله، قطب الدين راوندى (٥٧٣ ق)، قم: انتشارات مدرسه امام مهدى (ع) (١٤٠٧ ق)
٦١. جامع الأخبار (لشعيرى) / ٢ بار
شعيرى، محمد بن محمد (قرن ٦)، نجف: مطبعة حيدرية.
٦٢. بشارة المصطفى لشيعه المرتضى / ١ بار
طبرى آملى، عماد الدين أبى جعفر محمد بن أبى القاسم (٥٥٣ ق)، نجف: المكتبة الحيدرية (١٣٨٣ ق)
٦٣. كفاية الأثر / ١ بار
على بن محمد، خزاز رازى (قرن ٤)، قم: بيدار (١٤٠١ ق)
٦٤. الوافى / ٥٧ بار
محمد محسن بن شاه مرتضى، فيض كاشانى (١٠٩١ ق)، اصفهان: كتابخانه امام أمير المؤمنين على عليه السلام (١٤٠٦ ق)
٦٥. زاد المعاد / ١ بار
مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى (١١١٠ ق)، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات (١٤٢٣ ق)
٦٦. طب الأئمة عليهم السلام (لشبر) / ١٢ بار
شبر، عبدالله (١٢٤٢ ق)، بيروت: دار الإرشاد (١٤٢٨ ق)
٦٧. طب الائمه الصادقين عليهم السلام / ١ بار
تلعكبرى، نسخه خطى
٦٨. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل / ١٥ بار
نورى، حسين بن محمد تقى (١٣٢٠ ق)، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام (١٤٠٨ ق)

٦٩. غرر الحكم و درر الكلم / ٨ بار
تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (٥٥٠ ق)، قم: دار الكتاب الإسلامي (١٤١٠ ق)
٧٠. تصنیف غرر الحكم و درر الكلم / ١ بار
تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (٥٥٠ ق)، قم: دفتر تبلیغات (١٣٦٦ ش)
٧١. عوالم العلوم و المعارف و الأحوال / ٢ بار
بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله (قرن ١٢)، قم: مؤسسة الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشريف
٧٢. مکاتیب الأئمة عليهم السلام / ١ بار
احمدی میانجی، علی (١٤٢١ ق)، قم: دارالحديث (١٤٢٦ ق)
٧٣. صحیح البخاری / ١ بار
بخاری، محمد بن اسماعیل (٢٥٦ ق)، مصر - قاهره: جمهورية مصر العربية، وزارة الاوقاف، المجلس الاعلى للشئون الاسلامية، لجنة إحياء كتب السنة (١٤١٠ ق)
٧٤. صحیح مسلم / ١ بار
مسلم بن حجاج (٢٦١ ق)، مصر - قاهره: دارالحديث (١٤١٢ ق)
٧٥. سنن النسائي / ١ بار
نسائي، احمد بن علی (٣٠٣ ق)، اردن - عمان: بيت الأفكار الدولية
٧٦. سنن الترمذي / ١ بار
ترمذی، محمد بن عيسى (٢٧٩ ق)، مصر - قاهره: دارالحديث (١٤١٩ ق)
٧٧. المستدرک علی الصحیحین / ١ بار
حاکم نیشابوری
٧٨. سنن ابن ماجه / ١ بار
ابن ماجه، الحافظ أبی عبدالله محمد بن يزيد القزويني (٢٧٣ ق)، لبنان - بيروت: دار الجيل (١٤١٨ ق)

(ب) ارجاعات پرورشی:

١. النهاية في غريب الحديث و الأثر / ١ بار
ابن اثير جزري، مبارك بن محمد (٦٠٦ ق)، قمک موسسه مطبوعاتي اسماعيليان (١٣٦٧ ش)
٢. المصباح المنير في غريب الشرح الكبير / ١ بار
فيومي، أحمد بن محمد (٧٧٠ ق)، قم: موسسه دار الهجرة (١٤١٤ ق)
٣. لسان العرب / ١ بار
ابن منظور، محمد بن مكرم (١١ ق)، بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر (١٤١٤ ق)
٤. مجمع البحرين / ١ بار
طريحي، فخر الدين بن محمد (١٠٨٥ ق)، تهران: مرتضوى (١٣٧٥ ش)
٥. سايت فقه نظام (مدرسه هدايت) / ١ بار
٦. پایگاه دانشنامه بریتانیکا / ١٢ بار
٧. آسيب شناسی پایه (عمومی) رايينز / ١ بار
٨. ژن XI لوين ٢٠١٤ / ٢ بار

۹. قانونچه در طب / ۱ بار

چغمینی، محمود بن محمد (۷۴۵ ق)، تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران (۱۳۸۶ش)

۱۰. پایگاه اطلاع رسانی مجمع علمی حکمت اسلامی / ۱ بار

ج) ارجاعات پردازشی:

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای / ۴ بار
۲. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) / ۲ بار
۳. خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) / ۲ بار
۴. خبرگزاری مهر / ۲ بار
۵. خبرگزاری فارس / ۱ بار
۶. پایگاه اطلاع رسانی سازمان غذا و دارو ایران / ۱ بار
۷. پایگاه اطلاع رسانی سازمان ملی استاندارد ایران / ۱ بار
۸. سایت نظارت بین المللی دارو / ۱ بار
۹. کانال الگوی پیشرفت اسلامی در ایتا @olgou4 / ۱ بار
۱۰. پایگاه اطلاع رسانی سازمان ملل در ایران / ۱ بار
۱۱. وب‌دا (پایگاه اطلاع رسانی دانشگاه علوم توانبخشی و سلامت اجتماعی) / ۱ بار
۱۲. سایت برنامه توسعه ملل متحد / ۱ بار
۱۳. سایت ISI / ۱ بار
۱۴. خبرگزاری بین المللی یورونیوز Euronews / ۱ بار
۱۵. خبرگزاری گاردین guardian / ۱ بار
۱۶. نشریه خبری آمریکایی Gateway Pundit / ۱ بار
۱۷. پایگاه اطلاع رسانی سازمان بهداشت جهانی (WHO) / ۲ بار

بخشی از متن

در مجموع بنده ۲۴ پروتکل را پیشنهاد دادم: هشت مورد برای پاکسازی مجاری و خارج کردن اخلاط، هشت پروتکل برای تعدیل طبع و هشت مورد هم برای تقویت قلب. ویژگی عمده این پروتکل‌ها این بود که هزینه جدیدی بر خانواده‌ها تحمیل نمی‌کند؛ اگرچه دوستان طیب ما راه‌حل‌های تکمیلی دیگری هم دارند که قابل مطالعه و استفاده است.

بنابراین ما مجموعه سه سرفصل بحثی در تعریف کرونا بیان کردیم: اشکال به روش تحقیق در مطالعه کرونا، اصول عام تحلیل بیماری کرونا و در آخر تعریف بیماری کرونا. سه سرفصل دوم هم عبارت بود از: معرفی پروتکل‌های درمان بیماری کرونا، معرفی پروتکل‌های تعدیل‌کننده طبایع و معرفی پروتکل‌های تقویت‌کننده قلب.

* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه nro-di.blog.ir

کانال "الگو ۴" در پیام‌رسان ایتا [@olgou4](https://t.me/olgou4)

